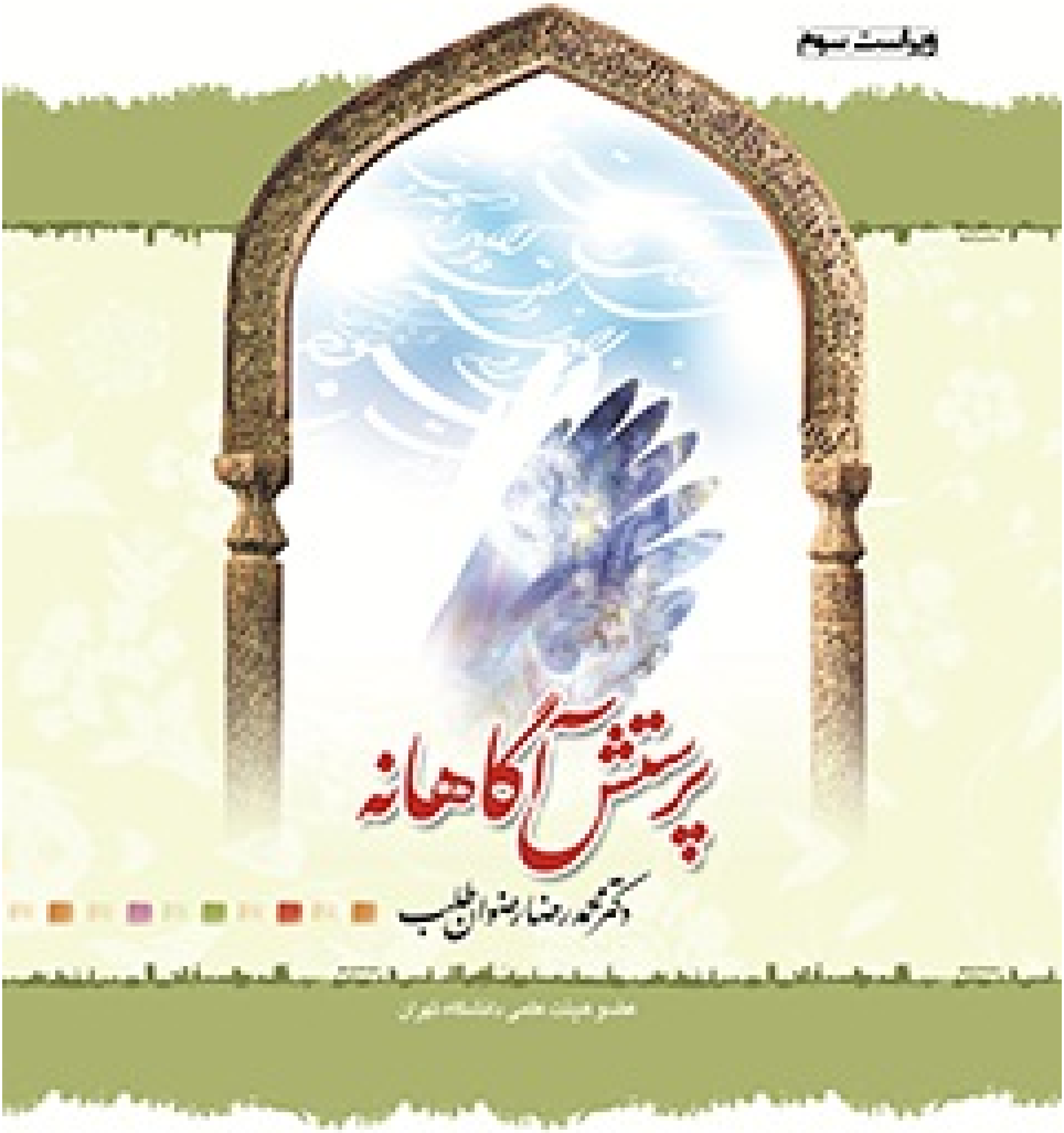

ویراست سوم
پرستش آگاهانه
دکتر محمدرضا رضوان طلب
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

بسم الله الرحمن الرحیم

پرستش آگاهانه

نویسنده:

محمدرضا جدیدی نژاد

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرستش آگاهانه

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوان طلب، محمدرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : پرستش آگاهانه/محمدرضا رضوان طلب.

وضعیت ویراست : ویراست ۳.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۷۲ص.

شابک : ۵۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷۰-۹۴-۵: ؛ ۶۰۰۰۰ ریال(چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: MohammadReza RezvanTalab. Conscious adoration.

یادداشت : چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۳.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۷۰ - ۱۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز

موضوع : نماز -- احادیث

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ر۶پ۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۲۰۷۷

ص:۱

اشاره

پرستش آگاهانه

ویراست سوّم

دکتر محمّدرضا رضوان طلب

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه تهران

سرشناسه

:

رضوان طلب، محمدرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور

:

پرستش آگاهانه / محمدرضا رضوان طلب.

وضعیت ویراست

:

ویراست ۳.

مشخصات نشر

:

تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری

:

۱۷۲ ص.

شابک

:

۹۷۸۹۶۴۵۳۷۰۹۴۵ - ۵۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی

:

فیپا

موضوع

:

نماز – احادیث

شناسه افزوده

:

ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره

:

BP۱۸۶/ ر۶ پ۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی

:

۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی

:

۳۲۲۰۷۷۷

نام کتاب: پرستش آگاهانه

تألیف: محمدرضا رضوان طلب

ناشر: مؤسسه فرهنگی – انتشاراتی ستاد اقامه نماز

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول (ویراست سوم)، زمستان ۱۳۹۲

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱- تهران، میدان فلسطین، انتشارات ستاد اقامه نماز؛ تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹-۸۸۸۹۶۶۶۶

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شابک: ۵-۰۹۴-۵۳۷-۹۶۴-۹۷۸

ص:۴

طلیعه

بسم الله الرحمن الرحیم

طلیعه

پلّکـان ترقّی آدمی بر حضـیض حیوانیّت نهـاده شـده، تـا او را به اوج مقـام انسان و به دیگرسـخن: فراتر از مرتبه ی فرشـتگان، برنشانـد. تـا آن هنگـام که بشـر در عرصه ی مشترکات حیوانی هر چنـد شـتابان گام بردارد، جز فروغلتیـدن فزون تر در باتلاق حیوانیّت، حاصلی برای او ندارد.

اکنون این پرسش مطرح است:

غیر مشترک بین انسان و حیوان چیست؟

پژوهنـدگان دانش و سوداگران علم و تحقیق به عنوان گزیـدگان خیـل انسـانیّت، پیش از دیگران بایـد این غیر مشـترک هـا را شناسایی کنند و در اندیشه ی دستیابی به قلّه ی بلند آن بر آیند.

بی تردیـد، انـدیشه و پرسـتش آگاهـانه از برترین امتیازهـای آدمی و وجه افتراق بین او و حیوان است. نمـاز، فرآینـد انـدیشه و تجسّم پرسـتش اندیشـمندانه است. اندیشه در آغاز هستی و هستی بخش و رابطه ی او با انسان، وی را به سـتایش ربّ العالمین فرا می خواند، تفکّر در مورد واپسین راه این پیمایش، ما را به خضوع در بارگاه باری تعالی و راهبر نَشْأه دیگر

ص:۷

می کشاند، تا تنها و تنها او را بستاییم و بر آستان بی نیازش، پیشانی بساییم.

آری پژوهندگی انسانی، او را به ستایش و خضوع در پیشگاه معبود وا می دارد؛ چرا که «اِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ»(۱) و غفلت حیوانی، وی را ازاشتغال والهانه در برابر الله؛ باز می‌کشد و به تعبیر قرآن بین دو مفهوم حیوانیت و غفلت همبستگی وجود دارد «اُولئِکَ کَالاَنعامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ»(۲) پس چرا دانش پژوهانِ ما از ژرفای بی پایان اقیانوس معارف توحیدی و کهکشان عروج یکتاپرستان بی خبر باشند؟!

بر ماست این نسل برگزیده (دانشیان) را هر چه بیش تر با معارفی که از راسخان در علم و شکافندگان دانش(۳) به یادگار مانده است مخصوصاً پایه ی معرفت دینی(۴) «نماز» آشنا سازیم.

به منظور انجام این تکلیف، جزوه ی حاضر در معرّفی نماز برای دانشجویان عزیز و گرانقدر نوشته شد. امید است کاستی های آن با پیشنهاد های سازنده شما خردورزان برطرف، و به این بضاعت ناچیز زیور قبول در پیشگاه حضرت احدّیت، مزیّن گردد.

از آن جهت که الهام تدوین این مجموعه در شب ولادت دانشمندی از خاندان طهارت و تقوا ــ که درکودکی، تمام بزرگْ دانشوران و مدّعیان علم در عصر خود را متحیّر ساخت ــ یعنی: حضرت جوادالائمّه علیه السلام پدید آمد؛ لذا این نوشتار را به پیشگاه آن اختر به پادارنده ی نماز تقدیم می دارم. از محضر آن امام عزیز به جهت نگاهی که به این تلاش ناچیز کرده و به آن برکت بخشیده‌اند سپاس فراوان دارم. بدون شک برکت این نگاه بوده است که موجب گردیده این کتاب تاکنون بیش از ۲/۱ میلیون نسخه چاپ شود. ترجمه عربی این کتاب نیز در لبنان چند بار به عنایت و لطف مولا به زینت طبع آراسته شده است.

ص:۸

۱- ۱. فاطر / ۲۸

۲- ۲. اعراف / ۱۷۹

۳- ۳. اصول کافی ، ج۱، ص ۲۱۲. «عَنْ اَبی عَبدِاللهِ علیه السلام قالَ: نَحْنُ الرّاسِخُونَ فی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْویلَهُ»؛

۴- ۴.از پیامبر اکرم(ص)، امیرالمؤمنین و امام باقر روایت شده است که: نماز، ستون و پایه دین است؛ فروع کافی ج ۳، ص۲۶۶؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۵، ص۱۷و بحار الانوار ج ۸۲، ص ۲۱۸.

بی تردید، بهره ی معنوی استاد ارجمندی که انگیزه ی ارائه ی این اثر را ایجاد کرد، از نگارنده افزون تر است. از همکاری همه ی دوستان، دست اندرکاران ستاد اقامه ی نماز، نهاد محترم نمایندگی ولی معظّم فقیه دردانشگاه ها، وزیران محترم فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر عزیزانی که در گنجاندن درس نماز، ضمن دروس عمومی دانشگاه ها سهیم بودند، بسی سپاسگزارم. خداوند، آنان را مشمول دعای سَرور شهیدان: حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار دهد که به یکی از اصحاب گران قدر خویش، به هنگام یادآوری نماز ظهر عاشورا در اوّل وقت، فرمود : «جَعَلَکَ اللهُ مِنَ المُصَلّینَ الذّاکِرین». هر چند این مهم، باید از سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطع راهنمایی، شکل، و استمرار می یافت.

از یاد نمی بریم که تمامتِ این مواهب، ره آورد خون شهیدان والامقام، اثر انفاس قدسی و نمازهای نیمه شب امام خمینی رحمه الله و رهین راهبری های خردمندانه ی مرجع جهان تشیّع: حضرت آیهالله العظمی خامنه ای ــ مدظلّه العالی ــ است؛ فریادگر بیداری که ازسالیان پیش، رنج خود را از ناآشنایی نسل نو با فرهنگ نماز، در: پیام ها و سخنان خود ابراز فرمودند. در همین‌جا، پیام والای آن پیشوای نمازگزاران، به ششمین اجلاس نماز را ــ که «منشورنماز» نام گرفت ــ زینت بخشِ مقدّمه ی این کتاب قرار می‌دهم.

دکتر محمّدرضا رضوان طلب

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

ویرایش سوّم

ص:۹

منشور نماز

پیام مقام معظّم رهبری ــ مدّظلّه العالی ــ به ششمین اجلاس سراسری نماز

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

خداوند متعال را سپاس می گویم که دل های نورانی و پاکیزه ای را به کار نماز و ترویج و برپاداری آن، برانگیخته و شوق مجاهدت و تلاش مخلصانه در این راه را به آن ها بخشیده است. ثمره ی کوشش های هوشمندانه ی جمع شما در این چند سال، آن شده است که: نماز که مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالَمِ وجود است، پرتوی درخشان تر و حضوری برجسته تر در ذهن و عمل جامعه ی اسلامی ما یافته است.

اکنون بحمداللَّه در بسیاری از جاهایی که جماعت مردم در آن گِرد می آیند و به ویژه مراکز گردآیی جوانان، مانند مدارس و دانشگاه ها و سربازخانه ها و بوستان ها و نیز دانشگاه های دولتی و راه ها و غیره «نماز»، حاضر و بارز و چشم و دلنوازاست. نوشته ها و گفته های بسیار در رسانه ها و در کتاب ها و درس ها و برنامه های هنری وتبلیغی به نماز می پردازد و ذهن ها و دل های کسانِ بی شماری را به این تکلیف شیرین و دلنشین متمایل می سازد و به گزاردن آن وا می دارد.

شک نباید کرد که این، راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه ی مَهامِّ شخصی و اجتماعی؛ راهی است به سوی سعادت و فلاح و... «قَد اَفلَحَ المُؤمِنُونَ، الّذَینَ هُم فی صَلاتِهِم خاشِعُونَ».

چه افراد و جماعاتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و اِنابه - که نماز، مظهر کامل آن است - و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قلّه های تعالی و کمال رسیدند و چه بی خبران و کوته نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی، خود را از سعادت کامل محروم ساختند و چه در صورت تلاش و کار مادّی و چه در صورت بیکارگی و تنبلی، هر جا به گونه ای خود را در منجلاب های محرومیّت و ناکامی غرقه ساختند.

انسان هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه ی زندگی بشری را با یاد خدا و اُنس بااو وعشق به او همراه می سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن را در می یابند و آن را برای جسم و جان خود فراهم می کنند.

شما برادران و خواهرانی که به امر نماز، همّت گماشته اید، از این دیدگاه، در تدارک بزرگ ترین خدمت به مردم و کشور خود هستید و بی گمان، ملّت ما از معرفت به نماز و عمل به آن، بهره های بزرگ در همه ی عرصه های زندگی خود خواهد برد. مسئوولانِ محترم اقامه ی نماز، گزارشِ امیدبخشی از به کار بستن سفارش های قبلی درباره ی نماز داده اند. این جانب پس از سپاس ازآنان و از همه ی بخش هایی که به آن سفارش ها جامه ی تحقّق پوشانده اند، به همه ی دست اندرکاران این مهم و دیگر مدیران و مسئوولان کشورتوصیه می کنم که:

۱. برای تبیین ژرفای نماز و معرّفی رازها و زیبایی های آن، دست به تلاش پیگیر و همه جانبه یی زده شود. درکتاب های معارف دانشگاه ها و کتب درسی دوره های پیش از دانشگاه و جزوه های کوچک و قابل فهمِ همه، سخنان نغز و پر مغز و مضمون های تازه ی فراوان در این باره وارد شود.

۲. احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود و جزوه ها و نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملّت های دیگر، آماده گردد.

۳. اذان از حنجره ی اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله ای محروم از آهنگ اذان نمانَد.

۴. مساجد، به شکل شایسته، غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.

۵. نماز صبح در مساجد اقامه شود.

۶. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پر بارتر گردد.

۷. مدیران دستگاه های اداری و دولتی، خود، متصدّی اقامه ی نماز در آن دستگاه ها شوند.

ص:۱۱

۸. در سربازخانه ها، آموزش نماز و عمل به آن، جدّی تر گرفته شود.

۹. در میان جاده های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه، در همه ی بیست و چهار ساعت، مسجدِ باز و آماده وجود داشته باشد.

۱۰. در شهرها و شهرک هایی که تازه ساخته می شود، مسجدِ جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر، قرار گرفته وساخته شود.

۱۱. در همه ی اجتماعات، بافرارسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن، یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه ی زمانبندی آن ها جوری تنظیم شود که با وقت نماز، تصادف پیدا نکند.

۱۲. و به طور خلاصه: وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن می شود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه اقامه آن بداند.

توفیقات همه ی شما را از خداوند خواستارم.

سیّدعلی خامنه‌ای

۳۱/۶/۱۳۷۵

ص:۱۲

درس اوّل

چرا نماز بخوانیم؟

(۱)

چند سال است نماز می خوانید؟

با چه هدفی این اعمال را هر روز تکرار می کنید؟

آیا می توانید ۳ هدف یا انگیزه ی خود را از این برنامه ی روزانه در جدول زیر بنویسید؟

جدول ۱. اهداف نمازگزاری

۱.

۲.

۳.

مفاهیم مورد نظر خود را، همچون: شکر، خضوع، کرنش، و... . _ که در جدول اهداف نگاشته اید _ به روشنی، در جدول زیر، تعریف کنید.

ردیف

مفهوم

تعریف

۱.

۲.

۳

۴.

ص:۱۳

گرچه نماز از منظر عاملان و ناظرانی فراوان، تصویری جز یک عمل تعبّدی و مورد هدف زاهدان و رهبان ها ندارد، که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در بارگاه خالق، ایفای نقش می کند، اما بررسی دقیق تر شرایط مضامین و هویّت این عبادت بزرگ، ضمن تأیید تعبّدی بودنش، آن را در ردیف عوامل مهم اصلاح نَفْس انسان ها و کنترل نظام های عمومی جامعه ثبت می کند.

اصولاً هر عبادت و اطاعتی که انسان بر حسب تکلیف به جا می آورد، با نظر به استغنای ذات اقدس باری تعالی نمی تواند کم ترین سود و خیری را متوّجه ذات خداوند گردانَد، یا منشأ ارضای خواسته ای در مبدأ لایزال باشد، چنانکه اگر همه مردم نیز از اطاعت او سر باز زنند، هیچ شرّ و ضرری متوجه او نمی گردد:

گر جمله ی کاینات، کافر گردند   بردامن کبریاش ننشیند گَرد!

پس او از طاعت ما بهره ای نمی برد و به آن نیازی نیازی ندارد. عظمت مطلق است و همه ی عالَم در برابر او سرِ تعظیم دارند.

حال این پرسش مطرح می شود که چرا خداوند، گونه هایی ازخضوع و کرنش را بر انسان، واجب کرد؟ چرا انسانِ علاقه مند به دنیا و وابسته به آن را مأمورِ واگذاری بخشی از داشته های محدود خود به دیگران ساخت؟ با آن که می توانست از خزاین بی پایان خود، بینوایان را نیز روزی دهد. به راستی او از چنین الزام هایی چه هدفی را دنبال می کند؟!

شُکر مُنعم و اطاعت از ولی نعمت، امری انسانی و اخلاقی است، بلکه حیوانات نیز متناسب با درک و شعور خود، از انجام این امر فروگذار نمی کنند.

اما آیا مُنعمی هم چون خداوند، که بی هیچ چشمداشتی، نعمت می دهد، به مانند انسانی است که امید به جبران و سپاس می دوزد و آیا سپاس دیگران در روح او اثر تشویقی یا ارضائی دارد؟

هرگز! او پروردگار عزّت است و از هر گونه نیاز و نقصی مبرّا است: «سبحانَ رَبِّکَ

ص:۱۴

رَبِّ العِزَّه عَمّا یَصِفُونَ»(۱) و اصولاً چنین مقایسه هایی در حق او روا نیست: «مالَکَمْ کَیفَ تَحکَمُونَ»(۲).

لـذا بایـد بـاور کنیم که اگر او و مـا را مکلف به عملی می کنـد، این تکلیف مـا می گردد، نشانه نیاز او نیست، زیرا سود سِـپاسِ خالق، به خود آدمی باز می گردد: «وَ مَنْ یَشکُر فَاِنَّما یَشکُرُ لِنَفسِهِ»(۳)

آری نگرشـی این گونه به نماز، آن را عملی دشوار می نمایـد زیرا اشـتغال به نماز، فراغت از دنیا را می طلبـد که امری دشوار است:«وَ اِنَّها لَکَبیرَه اِلاَّ عَلَی الْخاشِعینَ»(۴)

آری نماز گزاردن، کاری دشوار است، مگر برای کسانی که نیاز خود را به نماز و بی نیازی خالق را از آن باور کرده باشـند و بداننـد نمـاز، مشـکل گشـا و یـاری رسـان است و آنـان را برای نیـل به مقاصـد و تعالی کمک می دهـد: «و اِستَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلوه»(۵).

با گشودن این زاویه ی جدیـد در نگرش به نماز و عبادات دیگر، طعم این غـذای سازنده ی روح در ذایقه ما قرار می گیرد و دیگر از انجام آن احساس خستگی و ملامت نمی کنیم.

اینک کارکرد نماز را در آیات و روایاتِ اسلامی بررسی می کنیم.

ص:۱۵

۱- [۱] . صافات / ۱۸۰.

۲- [۲] . همان / ۱۵۴.

۳- [۳] . لقمان / ۱۲. آیاتی فراوان، انسان را به شـکر نعمت های الهی فرا می خوانـد؛ همانند: وَ اشْـکُروا لی وَ لاتَکفُرُونَ (بقره /۱۵۲) کُلُوا مِنَ طَیباتِ مارَزَقْناکُمْ وَ اشْکُروا لِلّه (همان / ۱۷۲) وَ اشْکُرُوا نِعمه اللهِ (نحل /۱۱۴) و... اما هیچ کدام منافاتی با این آیه ندارد : «من شکر فانما یشکر لنفسه» (نساء / ۱۴۷) بلکه شکر درباره ی خدا، نمی تواند مفهومی جز این داشته باشد.

۴- [۴] . بقره / ۴۵.

۵- [۵] . بقره / ۴۵.

۱. تأمین نیاز درونی و روانی انسان

بـدون شک، انسان، برای راهیابی به زندگی انسانی و حیات طیّبه و گریز از توّحش، همچنین تخلّق به اخلاق و رهایی از یأس و افسـردگی، به عاملی مهار کننده نیازمند است، که روح او را در کنترل و تسخیر خود قرار دهد، پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام نمایـد، و روح تعـاون و نوع دوستی، عـاطفه و محبّت را بر وی الهام کنـد و هنگامی که پژمرده و افسـرده می گردد، بدو طراوت بخشد.

روان شـناسان، جـامعه شـناسان و کارشـناسان تربیتی ــ جملگی ــ اتفّاق نظر دارنـد که این نیرو از منبع اعتقاد دینی نشأت می گیرد.

روان شناس معروف امریکایی «هنری لنک» پس از تحقیقات گسترده ی بالینی، روی بیش از هفتاد و سه هزار انسان افسرده ی تبهکار، می گوید:

«اینک بخوبی اهمّیّت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می کنم و از میان تمام آزمایش ها، این نتیجه ی مهم را یافته ام، که هرکس به دین و باور های مذهبی، گردن سپارد، یا با عبادتکده ای در ارتباط باشد، از شخصیّت انسانی والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد.»(۱)

دانشمندی روسی نیز می گوید:

«مشـکل مـا، حقّـانیّت کاپیتـالیسم یا کمونیسم نیست، بلکه بایـد درباره ی جانشـینی یک فرهنگ بشـری به جای فرهنگ مادّی فکری کرد.»(۲)

یک مرکز بهداشت روانی در دانشـگاه «سـنت لویی» آمریکا کتابی را با عنوان «عوامل فراموش شده در بهداشت روانی» منتشر کرده است. در این کتاب، که مـذهب را، مهم ترین و مؤثر ترین عامل بهداشت روحی، و حفظ سـلامت جامعه بر شـمرده، می خوانیم:

«کسانی که هفته ای یک روز به کلیسا می روند، مشکلات روانی کمتری

۱- ۱. روح الصّلاه فی الاسلام ۲۹؛ به نقل از: بازگشت به ایمان تألیف دکتر هنری لنک.

۲- [۲] . سیمای تمدّن غرب / ص ۸۸.

دارند.»

کارل گوستاو یونگ، روان شناس معروف سوییسی می گوید:

«من صدها بیمار را معالجه کرده ام و از میان تمام بیمارانم، یکی پیدا نشد که مشکل روانی اش مربوط به پیدا کردن عقیده ی دینی به زندگی باشد. با اطمینان خاطر می گویم: هر یک از آن ها از آن جهت مریض شده بودند، که آنچه را مذاهب زنده ی هر عصر به پیروان خود عطا کرده اند، از دست داده بودند و آنان که عقیده ی مذهبی خود را باز نیافتند، واقعاً درمان نشدند.»(۱)

بنابراین: آنچه دنیای برخوردار از فن آوری و صنعت را رنج می دهد، خلأ روانی و نداشتن اطمینان روحی است. بیش از پنجاه درصد از تخت های بیمارستان های امریکا اختصاص به بیماران روانی دارد و بیش ازهفتادوپنج درصد از دانش آموزان دبیرستان های این کشور، مواد مخدّر مصرف می کنند. (۲)

رهبران غرب و شرق در سال ۱۹۶۲ ازنبودنِ عنصر دینی در هموطنانشان اظهار نگرانی داشتند و آینده ای نگران کننده را برای کشور خود پیش بینی می کردند.

کندی می گوید:

«امریکا آینده ای دردناک پیدا خواهد کرد، چرا که جوانان، غرق شهواتند و حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محوّل می گردد، به خوبی انجام دهند. از هرهفت جوان که به سربازی اعزام می شود، شش تن نالایق و سست از آب در می آیند.»

خروشچف نیز در اعتراف های خود درباره ی نبودنِ عنصر دینی و پیامدهای آن می گوید:

«آینده ی شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه ای امیدبخش ندارند؛ چه، بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند.»(۳)

ص:۱۷

۱- [۱] . انسان مدرن در جست وجوی معنا.

۲- [۲] . سخنرانی دکتر افروز در سمینار نماز.

۳- ۳. سیمای تمدن غرب / ۶۱

استاد مطهّری رحمه الله می فرماید:

نهرو، مَردی است که از سنین جوانی لامذهب شده است. در اواخر عمر، تغییر حالی در او پیدا شده بود. خودش می گوید: »من، در روح خودم، خلائی را احساس می کنم، که هیچ چیز نمی تواند جای آن را پر کند، مگر یک معنویّت!

علّت این اضطراب در جهان صنعتی، آن است که نیروهای معنوی‌اش تضعیف گردیده است، شوروی، اینک به سختی از این خلأ رنج می برد. تا وقتی که مردم گرسنه بودند، گرسنگی به ایشان اجازه نمی داد درباره ی چیز دیگری بیندیشند، هم اکنون که یک زندگی عادی پیدا کردند، یک ناراحتی روحی در میان آنان موج می زند. هنگامی که ساعات کار تمام می شود، اوّل مصیبت آن هاست که این ساعت فراغت و بیکاری را با چه چیز پُر کنند؟ وی می افزاید: «من گمان نمی کنم این ها بتوانند آن ساعات را جز با امور معنوی، با چیزی دیگر پُر کنند. واین همان خلائی است که من دارم. پس معلوم می شود واقعاً انسان به عبادت و پرستش احتیاج دارد. امروز که در دنیا بیماری های روانی زیاد شده، بر اثر این است که مردم از عبادت و پرستش رو بر گردانده اند. ما این را حساب نکرده بودیم، ولی بدانید هست. نماز، قطع نظر از هر چیزی، طبیبِ سَیِرخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامت مفید است، آبِ تصفیه شده برای هر خانه ای ضروری و هوای پاک و غذای سالم برای انسان لازم است، نماز هم برای سلامت روحی انسان ضروت دارد. شما نمی دانید اگر انسان در شبانه روز، ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار، اختصاص بدهد، چه قدر روحش را پاک می کند! عنصرهای موذی به وسیله ی نماز از روح انسان بیرون می روند.»(۱)

برایِ فرو نشاندن تمامِ امواج خروشان نگرانی و اضطراب، قرآن کریم «ذکر خدا» را برترین داروی آرام بخش و شفادهنده ی قلبها می خوانَد و «نمازِ» را مصداق برتر یاد خدا می داند. همه ی آشوب ها، تشویش ها، و ناآرامی ها، با استمرارِ یاد خدا در فواصل گوناگون

۱- ۱ . اسلام و مقتضیات زمان /۲۹۲

شبانه روز، مهار می گردنـد. نهادِ ناآرام، آرام می گیرد؛ طغیان هواها و هوس ها فرو می نشینند. قلب مأیوس، امید می یابـد و هنوز آثار حاصل شده از این معدن فیض به کاستی نگراییده، که مؤذن، دیگر بار، بانگی دیگر سر می دهد و رمقی دوباره رقم می زند.

چگونگی دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب ها

به هر پزشکی و برای هر بیماری مراجعه کنید، معمولاً ـ می گویند این بیماری ریشه عصبه دارد؛ چه قلب‌هایی از طمأنینه و آرامش بیشتری بهره مند است؟ شما چه تجربه و یا مشاهده ای در این مورد دارید؟

آیا می توانید مهم ترین راه های کاهش و کنترل اضطراب های روحی را در چند بند، خلاصه و کوتاه در جدول زیر بنویسید؟

جدول ۲. راه های کنترل اضطراب

۱.

۲.

۳.

اگر در بین این عوامل راه هایی وجود دارد که به تلقین درمانی ارتباط می یابد، روی آن را با ماژیک برجسته کننده علامت بگذارید.

قرآن، نماز را ذکر خدا می شمرد: «اَقِمِ الصَّلوه لِذِکْری» و در جای دیگر می فرماید: «اَلا بِذِکْرِاللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبِ»:

نماز یاد خداست + یاد خدا موجب آرامش دل هاست = نماز به انسان آرامش می دهد. آیا مایل نیستید یک بار به هنگام هجوم اضطراب، این مسکّن را تجربه کنید؟

احساس بی ثَباتی و بی اعتباری در جهان طبیعت و فناپذیری و ختم زندگی در دنیا از سویی و پاسخگو نبودنِ طبیعت مادی به احساس نیاز نامتناهی انسان از دیگر سو، نوعی اضطراب و غربت را بر روح انسان، چیره می گردانَد. او چیزی (جاودانگی) را می جوید که

در این جهان نمی یابـد. نماز، انسان را با ذاتی فنا ناپـذیر، پیونـد و به وی جاودانگی را نویـد می دهـد. لـذا انسان، هنگام نماز، آرامش خود را بـاز می یابـد و به زنـد گی و حیـات خویش امیـدوار می گردد؛ مشـروط بر آن که در این سـیر روحی، رابط و واسطِ اصلی (روح) غایب نباشد.

اقامه ی نماز با شـرایط مزبور، منزلت خالق و میعاد مخلوق را با او یادآور می شود. از این رو، هر گاه که نفس و شیطان، او را به مخالفت با خدا دعوت کنند، در پاسخ با الهام از حضـرت یوسف علیه السـلام می گوید: «مَعاذَ اللّهِ اِنَّهُ رَبّی اَحْسَنَ مَثْوای اِنَّهُ لا یُفْلِحُ الظّالِمُونَ»(۱)

همچنـان که نگهبـان در صورتی می توانـد حراست کنـد که جسم و هم فکر و مشـاعر او در محـل حاضـر باشـد، نمـاز اگر با حضور قلب همراه شود، انسـان را از فحشـا و منکر باز می دارد(۲) و هواها را در آدمی کنترل و مهار می کنـد و بـدون حضور قلب، بازدارنـده از فحشـاء و منکر نیست، زیرا انسانی که در نماز با همه ی وجود، پویایی راه صالحان و دوری و تَبَرّی از مسـیر گمراهان را از خداوند تبارک و تعالی خواسـته و بر عبادت و استعانتِ از او پیمان سپرده، چگونه ممکن است با گذشتِ زمانی اندک، پیمان او را نقض کند؟!

نماز، جامه ی پاکی است، و کسـی که لباس سپید می پوشد، می کوشد که خویش را از مکان های آلوده و تماس با آلودگی ها حفظ کند.

نظریّات دیگران برای کنترل اضطراب

برخی، آزادی جنسـی یا تأمین اقتصادی، امنیّت و سلامت را به عنوان راه کنترل ناآرامی های روحی دانسته و معتقدند: چگونه ممکن است با یاد خدا، فَوَران شـهوت و فشار گرسنگی را مهار کرد، جز آن که به تأمین خاص و مناسب هر یک از این ها تن داد؟! در پاسخ می گوییم: اسلام، لزوم تأمین هیچ یک از نیازهای انسان را از نظر دور نداشته است.

ص:۲۰

۱- ۱ . یوسف / ۲۳؛ حضـرت یوسف، در پاسخ به پیشـنهاد گناه گفت، پناه بر خدا چگونه معصیتِ او را انجام دهم، در حالی که او پروردگار من است و جایگاهی ممتاز به من داده است؟

۲- [۲] . عنکبوت / ۴۵.

برای اطفای غریزه و نیاز جنسی، ازدواج سالم را در شکل های دائم و موقّت پیشنهاد کرده، آن را عامل آرامش بر شمرده، و از نشانه های حکمت الهی می داند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«وَ مِنْ اياتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْواجاً لِتَسْكُنُوا اِلَيْها؛(۱)

از نشانه های او، آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید، تا موجب آرامش شما گردند.»

امّا آیا بی بند و باری جنسی می تواند سکون و آرامش را به ارمغان آوَرَد؟! دراین باره باید آمار طلاق و مشکلات روحی و جسمی مردان وزنانی را که در پرتو آزادی جنسی، دست به هرگونه ارضاء و بهره ی بی حد و مرز زده اند، مورد توجه قرار دهیم.

اسلام، برازدواج به عنوان یک ضرورت و نیاز طبیعی و متناسب با فطرت تأکید کرده است. ما معتقدیم اگر روش اسلام برای برقراری روابط سالم در پرتو ازدواج در جامعه ای مورد توجّه قرار گیرد، به هیچ وجه تنش و اضطراب جنسی، مشکلی نگران کننده برای جامعه نخواهد بود.

ازدواج چندان مهم است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اَحْرَزَ شَطْرَ دينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّه فِى الشَّطْرِ الثّانى؛(۲)

هرکه ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده، پس مراقب نیم دیگر باشد.»

و در روایتی دیگر از حضرتش می خوانیم:

«اَيَّما شابٍّ تَزَوَّجَ فى حِداثَه سِنِّهِ عَجَّ شَيْطانُهُ: يا ويله عصم منى دينه؛(۳)

هر جوانی که در عنفوان جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد: ای وای! دینش را از من حفظ کرد.»

ص:۲۱

۱- ۳. رُوم / ۲۱.

۲- ۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

۳- ۲. محجه البیضاء، ج ۳، ص۵۴.

درباره ی ترغیب به ازدواج، روایاتی فراوان وارد شده:

«مَنْ اَحَبَّ اَنْ یَلْقِی اللّهَ طاهِراً مُطَهَّراً فَلْیَلْقِهِ بِزَوْجَه:(۱)

هرکه می خواهد خدا را پاک ملاقات کند، هنگام مرگ، بدون همسر نباشد.»

در حدیثی دیگر می خوانیم:

«رَکْعَتانِ یُصَلیّهما مُتَزوّج اَفْضَلُ مِنْ سَبْعینَ رَکعه یُصَلّیهما غَیْرُ مُتَزَوجٍ؛(۲)

دو رکعت نمازِ همسردار، بهتر از هفتاد رکعت نمازِ فردِ بدون همسر است.»

این امر، واضح و ملموس است که بی بند و باری اخلاقی و آزادی جنسی نتوانسته آرامش و امنیت را به دنبال داشته و دلپذیر و مبارک باشد. گرچه پژوهش ها و نمونه های عینی تحقّق یافته نیز، همین امر را ثابت می کنند.

درباره ی تأمین نیازهای اقتصادی نیز اسلام به نقش خلأ مالی در اضطراب روحی توجّه کرده است. روایات، فقر را چنین وصف کرده اند:

«اَلْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الاَکْبر؛(۳) مصیبتِ فقر از مصیبتِ مرگ بدتر است.»

«اِنَّ الْفَقْرَ مُذْهِلَه لِلنَّفْسِ، مُدْهِشَه لِلْعَقْلِ، جالِبٌ لِلْهُمُومِ؛(۴) فقر، جانکاه، عقل ستیز و غم بر انگیز است.»

امام صادق علیه السلام برخی عواملِ گوناگون اضطراب را چنین بر می شمارد:

«خَمْسُ خِصالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ واحِده لَمْ یَزَلْ ناقِصَ الْعَیْشِ زائِلَ الْعَقْلِ مَشغُولَ الْقَلْبِ فَاَوَّلُها صِحَّه الْبَدَنِ وَ الثّانیه اَلْاَمَنُ وَ الثّالِثَه السِّعَه فِی الرِّزْقِ وَ الرّابِعَه اَلاَنیسُ الْمُوافِقُ قُلْتُ: وَ مَا الْاَنیسُ الْموافقْ؟ قالَ: اَلزَّوْجَه الصّالِحَه وَ الوَلَدُ الصّالِح و الخلیط الصالِح و الخامِسَه و هِی تجمع هذِهِ الخِصال: الدّعه؛

پنج چیز است که هر کس، یکی از آن ها را از دست دهد، زندگی اش با

۱- ۳. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص۲۱۹.
۲- ۱. همان / ۲۲۰.
۳- ۲. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۸.
۴- ۳. غررالحکم و دررالکلم.

تنگنا مواجه، عقلش مختل و قلبش مشغول خواهد بود. اوّل: سلامت، دوم: امنیّت، سوم: رفاه مالی، چهارم: همنشین موافق...، راوی می گوید: پرسیدم: انیس موافق کیست؟ فرمود: زن، فرزند و همنشین صالح و پنجم: که همه ی این ها در گروِ آن است: فراغت.»

بنابراین، مکتب ما، درباره ی نقش عوامل گوناگون، در کاهش وکنترل ناآرامی ها و اضطراب ها هیچ گونه انکاری ندارد و هرگز نمی گوید: نماز بخوان تا نیاز جنسی ات بر طرف شود! یا به گرسنه نمی گوید: نماز بخوان، سیر می شوی! یا از بیمار نمی خواهد بیماری خود را با نماز مداوا کند. هر کدام، راه خاصّ خود رامی طلبد و در پیمودن هر یک از آن ها الزام هایی از سوی خدا و پیامبر وجود دارد. امّا آنچه می گوییم، این است که:

۱. خواسته های نامحدود انسان، با امکانات دنیا قابل پاسخگویی نیست.

۲. ارضاء جنسی نمی تواند بی نیاز کننده از کنترل و مدیریت آن باشد، همانگونه که مهار کردن ویروس، با از بین بردن یک نمونه از آن تفاوت دارد و ارضای موردی و مقطعی، حتی ارضاء کثیر، اطمینان‌بخش نیست. بعضی دچار هاری جنسی هستند و مانند گرگی که به گله حمله می کند، حاضر نیستند هیچ جنس مخالفی را از هجوم خود در امان دارند. همانگونه که گرگ، شاید حتی یک گوسفند را نخورد ولی صدها گوسفند را پاره می کند. مدیریت شهوت با اهرم معنویت در کنار ارضاء منطقی، نتیجه می دهد.

۳. آنچه یوسف صِدّیق علیه السلام را در مواجهه با صحنه ی شهوت انگیز، همانند کوه، استوار و مطمئن نگاه داشت، یاد خدا بود(۱)؛ نیرویی که می تواند هر گونه خلل مؤثّر در عزم نیازمندان را از میان بردارد. آری، ایمان به خدا، گرسنگانی چند را وا می دارد، تا غذای خویش را به مسکین، یتیم و اسیر، بخشند.(۲)

۴. هیچ نمونه ای تاکنون ارائه نشده که بی بند و باری های جنسی، یا وفور ثروت توانسته باشد طمأنینه را در ملتی ایجاد کند، بلکه در درونِ کاخ های آهنین، اضطراب هایی مشاهده

۱- ۱ . یوسف / ۲۱.

۲- [۲] . انسان / ۷.

می شود که در کوخ ها، دیده نمی شود. چنان که دراعتراف های پیشگفته مبرهن شد هیچ یک از سردمداران کشورهایی که به آزادی مطلق جنسی قائلند، از بهداشت روحی ملّت خود خشنود نیستند!

ص:۲۴

آزمون

۱. مقام معظّم رهبری ـ مدّظلّه العالی ـ در منشور نماز، به چه اولویّت ها و نکات مهمّی اشاره فرمودند؟

۲. تفاوت سیمای نماز را در نگرش سطحی و نیز بینش عمیق به آن، ترسیم کنید.

۳. تشکّر از خدا، با قدردانی از مردم، چه تفاوتی دارد؟ استدلالی قرآنی ارائه کنید.

۴. چرا نماز برای برخی مردم، همراه با دشواری است و مراد از آیه ی «وانها لکبیره الا علی الخاشعین» چیست؟

۵. «هنری لنک» چه تحقیقی درباره ی شناسایی ریشه های تبهکاری انجام داد و به چه نتایجی دست یافت؟

۶. یونگ در زمینه ی تحقیقات خود درباره ی بیماران روانی، چه می گوید؟

۷. پیش بینیِ رهبران امریکا و شوروی درباره ی جامعه ی خویش را بنویسید.

۸. نهرو، احساسات و شرایط روحی خود را چگونه وصف می کند؟

۹. چگونگی کسب آرامش از طریق نماز را توضیح دهید.

۱۰. چرا آزادی جنسی و غنای اقتصادی بدون اعتقاد دینی نمی تواند سلامت جامعه را تضمین کند؟ به خلاصه ی موارد ارائه شده، در قالب چهار بند اشاره کنید؟

درس دوم

چرا نماز بخوانیم؟

(۲)

حرکت در جاده زندگی بدون حادثه و خسارت نیست. پذیرش حادثه جزئی از عقل معاش است. اما مهم آن است که مکانیزم های جبرانی و تطبیقی پیش بینی شود و به وسیله آن، ضرر و حادثه جبران گردد.و انسان به وامادنگی و پس رفتگی، تن ندهد.

ضررها و کمبود های زندگی را از چه راه هایی می توان جبران کرد؟ بیمه، بازسازی، کار مضاعف، تغییر فضا. آیا در این مورد تجربه ای دارید؟ برای هریک از خسارت های مادی و معنوی، راه های جبرانی را در جدول زیر پیشنهاد کنید.

جدول ۳. جبران ضرر و ورشکستگی

.۱

.۲

.۳

.۴

.۵

الف. در زندگی دنیا انسان ها از نظر سوخت و ساز، خرج و دخل و کامیابی در معاملات متفاوت اند! برخی اصلاً خرجی ندارند، یا به عبارت دیگر: خرجِ آنان توسّط دیگران تامین

ص:۲۶

درس دوم

چرا نماز بخوانیم؟

(۲)

حرکت در جاده زندگی بدون حادثه و خسارت نیست. پذیرش حادثه جزئی از عقل معاش است. اما مهم آن است که مکانیزم های جبرانی و تطبیقی پیش بینی شود و به وسیله آن، ضرر و حادثه جبران گردد.و انسان به وامادنگی و پس رفتگی، تن ندهد.

ضررها و کمبود های زندگی را از چه راه هایی می توان جبران کرد؟ بیمه، بازسازی، کار مضاعف، تغییر فضا. آیا در این مورد تجربه ای دارید؟ برای هریک از خسارت های مادی و معنوی، راه های جبرانی را در جدول زیر پیشنهاد کنید.

جدول ۳. جبران ضرر و ورشکستگی

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

الف. در زندگی دنیا انسان ها از نظر سوخت و ساز، خرج و دخل و کامیابی در معاملات متفاوت اند! برخی اصلاً خرجی ندارند، یا به عبارت دیگر: خرجِ آنان توسّط دیگران تامین

می شود! آیا در بازار محاسبات معنویِ اعمال نیز کسانی هستند که هزینه ی آنان به وسیله ی دیگران تامین گردد؟ چه کسانی؟

ب. در دنیا برخی خرج و دخل مساوی دارند! حقوقی ثابت دریافت می کنند و هزینه های آنان نیز کاملا مشخّص و تقسیم بندی شده است. نمونه ی آن، در جهان آخرت چه کسانی هستند؟

ج. چه کسانی در آخرت به کسانی در دنیا می مانند که هزینه ی آنان ۱۰ و درآمدِ آنان ۱۰۰ است؟ عکس این گروه، چه کسانی هستند و باید چگونه رفتار کنند؟

د. هماهنگی بین خرج و دخل، یا افزایش درآمد و کنترل هزینه ها در محاسبات اخروی چگونه صورت می گیرد؟ اگر هزینه افزایش یافت، اضافه کاری که بتواند به این هزینه ی افزوده، پوشش دهد چیست؟ درس دوم را با این نگرش، مرور کنید.

۲. جبران خطایا

هجوم شیطان و نَفْس و جاذبه های گوناگون دنیای مادی و تسویلاتی که برای او پدید می آید، مایه ی اشتباه ها و گناهان پیاپی وی می شود. حوادث و خساراتی را در حیات روحی انسان پیش می آورد، به گونه ای که امام سجّاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ی ثمالی، عرض حال بندگان به پیشگاه خداوند را چنین شرح می دهد:

«خَیْرُکَ اِلَیْنا نازِلٌ وَ شَرُّنا اِلَیْکَ صاعِدٌ وَ لَمْ یَزَلْ وَ لا یَزالُ مَلَکٌ کَریمٌ یَأتیکَ عَنّا بِعَمَلٍ قَبیحٍ؛(۱)

[خدایا!] خیر و احسان تو، به سوی ما فرو فرستاده، و شر و بدکاری ما، پیوسته، به پیشگاه والایت عرضه می گردد؛ به گونه ای که ملایک، همواره، در حال گزارش بدی هایمان در پیشگاه تواند.»

این نحوه ی ارتباط بین خالق ومخلوق و طغیان بنده ای که به رغم ضعف و نیاز، با آفریدگار مهربان خود به مخالفت بر می خیزد، اگر بدون تدارک و انعطاف ادامه یابد،

۱- ۱ . مفاتیح الجِنان ، دعای ابوحمزه ثُمالی.

هرگونه امیدی را به آینده منتفی، فاصله ها را، لحظه به لحظه بیش تر می گرداند و انسان را مستحقِّ عذاب و خشم خداوند متعال می سازد.

اگر چه انسان، جاهلانه و بی اعتنا، دوری از دریای رحمت حق را انتخاب می کند، خدای کریم و حکیم که به یکایک بندگانش محبّتی فراتراز محبّت پدر به فرزندان دارد، هرگز به چنین جدایی قهرآمیزی رضایت نمی دهد و او را برای حضور بر سر سفره ی آشتی، در نجوای نماز فرا می خواند و با دعوت نامه ای سراسر مهر در قرآن کریم می فرماید:

«وَاَقِمِ الصِّلاه طَرَفَی النِّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ اِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَیِّئاتِ ذلِکَ ذِکْری لِلذّاکِرینَ؛(۱)

دو طرف روز را با نماز تزیین نما و شبانگاه نیز به اقامه ی آن برخیز؛ چرا که [این] کار نیکو، گناهان را از بین می بَرَد.»

آری، نماز، خصوصیت جبرانی و ترمیمی دارد و خسارت حوادث روحی و معنوی جاده زندگی را جبران و ترمیم می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اِذا قُمْتَ اِلی الصَّلاه وَ تَوَجَّهْتَ وَ قَرَأتَ اُمَّ الْکِتابِ وَ ما تَیَسَّرَ مِنَ السُّوَر ثُمَّ رَکَعْتَ فَاَتْمَمْتَ رُکُوعَها وَ سُجُودَها وَ تَشَهَّدْتَ وَ سَلَّمْتَ، غُفِرَلَکَ کُلُ ذَنْبٍ فیما بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الصَّلاه الَّتی قَدَّمْتَها اِلَی الصَّلاه الْمُؤَخَّرَه؛(۲)

آنگاه که نماز را اقامه کردی و به سوی خدا توجّه یافتی و سوره ی حمد یا سوره ای دیگر را قرائت کردی، رکوع و سجود را کامل به جا آوردی و تشّهد و سلام را انجام دادی، خداوند گناهانِ بین نماز قبلی و این نمازت را می بخشد.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمازهای پنج گانه ی یومیّه را به نهری تشبیه می فرمایند که بر درِ خانه ی فردی باشد و روزانه پنج بار در آن خود را شست شو دهد، بی تردید، هیچ اثری از چرک و

۱- ۱ . هود / ۱۱۴.

۲- ۲ . بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۵.

کثیفی در بدن او باقی نمی ماند؛ همین گونه روح آدمی بوسیله ی نماز هر روز پنج نوبت از نا پاکیِ گناه شست وشو داده می شود.

در روایتی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آیه فوق را به امید بخش ترین آیه ی قرآن وصف فرموده، می افزایند: «قَسَم به کسی که مرا به پیامبری برگزیده، از وقتی که انسان وضو گرفتن را می آغازد، گناهان او فرو می ریزد و آن گاه که به نماز می ایستد و آگاهانه، با خدای خود سخن می گوید، همانند روزی که از مادر متولّد گردیده، از گناه بیرون می آید.» (۱)

در حدیثی دیگر پیامبر فرمود: «شنیدم مَلَکی به هنگامِ هر یک از نمازهای یومیّه چنین ندا می داد: ای فرزندان آدم! برای خاموش کردن آتش هایی که خود، بر اثر اعمال ناشایسته، بر افروخته اید، قیام کنید. گروهی از شما برمی خیزند، وضو می گیرند، نماز می گزارند و گناهان آنان بخشیده می شود. سپس تا فاصله ی نماز بعدی مرتکب گناه می شوند و آتش هایی را بر می افروزند و هنگام نمازی دیگر فرا می رسد و منادی الهی، دیگر بار آن ها را به خاموش کردن آتش فرا می خوانَد و... همین عمل تکرار می شود، تا آن که می خوابند، درحالی که گناهان شان بخشیده شده است.» (۲)

امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین می فرماید:

«الصَّلَواتُ الْخَمسِ کَفَّارَه لِما بَیْنَهُنَّ مَا اجْتَنَبَ الْکُبائِرَ وَهِی الَّتی قَالَ اللَّه تَعالی اِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ(۳)

نمازهای پنج گانه کفّاره ی گناهان بینِ آنها است، مادامی که نمازگزار از گناهان بزرگ بپرهیزد و این، تفسیر همان سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: نیکوکاری ها، جبران کننده ی بدی هاست.

حضرت علی در گفتاری دیگر، فرو ریختن گناهان نمازگزار را به ریختن برگ درختان

۱- ۱. بحارالانوار ، ج ۸۲، ص ۲۲۰.

۲- ۲ . همان /ص۲۲۴.

۳- ۳ . بحارالانوار ، ج ۸۲، ص۲۳۳.

تشبیه کند(۱) و در روایاتی دیگر، نماز، به عنوان ثَمَن بهشت(۲)، کلید بهشت، جواز عبور از گذرگاه قیامت، مانعِ آتش و عذاب الهی، توشه ی مؤمن، مونس او در خانه ی قبر و تاج افتخارش در قیامت، سخنگوی وی در پاسخ به نکیر و منکر و عامل درخشش چهره اش در محشر، نردبان ترقّی او در درجات برتر و سبب روسیاهی شیطان(۳)، معرفی شده است، که هر یک از این تعبیرات بر تأثیر نماز در محو گناهان و جبران خطایا، همچنین آسان سازی حسابرسی نماز گزارن دلالت دارد. ناگفته پیداست که این مکانیزم جبرانی در مورد حوادث پیش بینی نشده معقول است، نه آنکه انسان دائماً عمداً بر خود خدشه وارد کند و سپس آن را جبران کند. و ما نمی گوییم بین دو نماز هر غلطی را مرتکب شو و نماز آن را جبران می کند.

نماز، نه تنها در محو و جبران گناه، بلکه در جلوگیری از ارتکاب گناهان، نقش دارد. سخن استاد مطهّری رحمه الله را در این باره می خوانیم:

«ذکر و یاد خدا، دل را جلا می دهد و صفا می بخشد و آن را آماده ی تجلّیّات الهی قرار می دهد. حضرت علی درباره ی یاد حق، که روح و هدف عبادت است، چنین می فرماید:

«اِنَّ اللَّهَ تَعالی جَعَلَ الذِّکْرَ جَلاءً لِلْقُلوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقَرَه وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَالْعَشوَه وَ تَنْقادُ بِهِ الْمُعانَدَه وَ ما بَرَحَ اللَّهُ عَزَّتْ آلائُهُ فی الْبُرْهَه بَعْدَ الْبُرْهَه وَ فی زَمانِ الْفَتَراتِ عِباداً ناجاهُمْ فی فِکْرِ هِمْ وَ کَلَّمَهُمْ فی ذاتِ عُقُولِهِمْ ؛(۴)

خداوند، یاد خود را صیقل دل ها قرار داده است، دل ها بدین وسیله از پس کری، شنوا، پس از نابینایی، بینا و در پیِ سرکشی و عناد، رام می گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه ای از زمان و در زمان هایی که پیامبری در میان مردم نبوده، بندگانی داشته و دارد که در سرّ ضمیرشان با آن ها راز می گوید و از راه عقل هایشان با آنان تکلّم می کند.»

ص:۳۱

۱- ۱. همان /ص۲۴۴.

۲- ۲ . همان /ص۲۳۲.

۳- ۳ . کنزالعّمال ، ج۷، ص۲۸۴.

۴- ۴. نهج البلاغه صبحی صالح / خطبه ی ۲۲۲.

در آن کلمات، خاصیّتِ عجیب و تأثیر شگرف یاد حق بر دل ها بیان شده، تا جایی که دل، قابل الهام گیری و مکالمه با خدا می گردد.(۱)

عبادت برای تجدید و طراوت حیات ایمانی انسان است و نیز قوّت و شکوفایی آن.

«به هر اندازه انسان به یاد خدا باشد، کم تر معصیت می کند. معصیت کردن و نکردن، دائر مدار علم نیست، دائر مدار غفلت و تذکّر است. به هر اندازه انسان، غافل باشد، یعنی خدا را فراموش کرده باشد، بیش تر معصیت می کند. به هر اندازه خدا بیش تر به یادش بیاید، کمتر معصیت می کند.»(۲)

۳. پرورش تمرکز ذهن

کسانی که ضریب هوشی بالا‌یی ندارند، چه کاستی هایی در مکانیزم بدن آنان وجود دارد؟ وزنِ مخچه یا مغز آنان کمتر است؟ فقدان یا کوچکی یک عضو اِدراکی موجب پایین آمدن ضریب هوشش است؟ آیا اصولاً مشکل آنان سخت افزاری است، یا نرم افزاری؟ توضیح دهید.

جدول ۴. عوامل کاهش ضریب هوش

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

نگاه ما به نماز و کارکرد آن، از منظر تأثیر و تأثّرات مادّی نیست و در پیِ آن نیستیم که بگوییم باید نماز بخوانیم؛ زیرا نماز در پرورش تمرکز ذهن و پرورش آمادگی های ذهنی

۱- ۱ . سیری در نهج البلاغه / ۸۷.

۲- ۲. گفتارهای معنوی / ۷۹.

مؤثّر است، بلکه معتقدیم این عمل عبادی که برای انجام فرمان خدا انجام می شود، در حاشیه و سایه و همراه با خود، کارکردهایی را از جنس مادّی نیز دارد. به دیگر سخن: نماز را به جا می آوریم؛ چون خدا به آن فرمان داده است؛ اما مسلّما این عبادت که جزء برنامه روزانه زندگی مسلمانان قرار گرفته نمی تواند خالی از آثار مادّی باشد که در این کتاب به آنها اشاره می شود.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، اضطراب های فکری و تنِش های روانی از بیماری های مهلکی است که مدرن قرن بیستم راتهدید می کند. روان کاوان و دانشمندان می کوشند با پیش بینیِ راه های کاهش بار فکری، برای مقطعی به اندیشه و روان انسان استراحت داده، وی را از دگرگونی های روحی نجات بخشند. مهار این پراکندگی های فکری، شرط نخست دست یابی به نبوغ، درایت و فهم مسایل است. به همین جهت می کوشند مکان های مطالعه و تحقیق را، از آرام ترین و مطبوع ترین و دل انگیزترین مکان ها بر گزینند، تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم سازند.

روان شناس معروف، ویلیام مولتون مارستن در مجلّه ی انگلیسی «ریدرز دایجست(۱)» نگاشته است:

«اغلب مردم از حیث قدرت تمرکز حواس در زمینه ی مسایلی که تصمیم گیری درباره ی آن ها به عهده ی آنان نهاده شده، عاجز هستند و همین تشتّت و پراکندگی، موجب خطا و سرگردانی شان می شود. در حالی که اگر عقل انسانی به امری، تمرکز قوی و شدید پیدا کند، به صورت یک ابزار حیران کننده ایفای نقش خواهد کرد.»

سپس با استناد به سخن پدر روان شناسی می افزاید:

«فرق نوابغ وافراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است، نَه در توانمندی و سایر صفات فکری.»(۲)

ص:۳۳

۱- ۱ . مجلّه ی انگلیسی readers dijest مجلّه ای سیاسی اجتماعی است، که با بیش از بیست و یک زبان از سال ۱۹۲۲ در لندن و دیگر کشورهای اروپایی و امریکایی منتشر می شود.

۲- ۲ . روح الصّلاه فی الاسلام / ص ۳۱.

نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می دهد و پرورش تمرکز آن را آسان می کند؛ برای همین به منظور رسیدن به تمامیّت این تمرکز، در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکندگی و گریز ذهن از این مدار می شود، در نماز پرهیز شود؛ همچون: ایستادن در برابر در و پنجره گشوده، آینه، و هرگونه تصویر و تابلو، و نماز خواندن در حال محصور بودن و... .

حال اگر با قوّت و تسلّط، ذهن خود را در مسیر معنویّت سوق دهیم، تمام نقش و آثار تمرکز در یافته های معنوی و رشد روحی انسان، ظاهر گردیده، انضباطِ قرار یافتن در مدار مشخّص را در خارج از نماز، ملکه می کند و آرامش و قراری به ذهن در سایر ساعات شبانه روز می دهد.

۴. برقراری عدالت اجتماعی

در زندگی دنیوی به دلیل محدودیت منابع و نامحدود بودن تقاضا، همواره نگرانی از رعایت نشدن عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و امتیازهای دنیایی وجود دارد.

چه مکانیزم و سیستمی می تواند زیاده خواهیِ بشر را در این مورد به گونه ای اطمینان بخش کنترل و مهار سازد؟ سرعت گیر و کنترل کننده ای که بتواند سرعت و حرکت بشر را در این عرصه محدود کند، چیست؟

اگر شهرداری بخواهد از افزایش ساخت و سازهای بی رویّه و تراکم های خارج از قواره و استاندارد جلوگیری کند، یا دولت در نظر داشته باشد مالیات بگیرد، یا ناهنجاری را به هنجار بدل سازد، برخورد مستقیم، واپسین و کم اثرترین راه آن است و معمولا راهکاری را تعریف می کنند که در فرآیند انجام یکی از ضرورت ها و نیازهای قطعی، همه ی افراد به رعایت یا انجام و تأدیه ی آنچه دولت بر آن اهتمام دارد، ملزم گردند. همانند پایان کار، خرید و فروش و انجام معاملات و خروج از کشور و امثال آن، بر این اساس آیا می توانید بگویید چه مکانیزم های معتبری می توانند در جریان حیات روز مرّه ی آدمیان تعبیه گردد که آنان را به رعایت عدالت اجتماعی ملزم کند؟ نام آنها را در جدول زیر بنویسید.

مثال: هرکس می خواهد انتقال سند وی در سیستم سند دولتی ثبت شود، باید واحد مسکونی خود را با نقشه جامع تطبیق دهد.

جدول ۵. عوامل مؤثّر در رعایت عدالت اجتماعی

۱.

۲.

۳.

اینک به کارکرد نماز در این زمینه توجّه کنید.

نمازگزار، باید شرایطی را درباره ی لباس و مکان نماز، پرداخت واجبات مالی همچون خمس و زکات، پرهیز از غیبت و توجّه به حقوق دیگران را در نظر گیرد، تا نماز او مقبول درگاه خداوند تبارک و تعالی شود. این الزام ها که تمام بخش های زندگی انسان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می دهد، نماز را از یک عمل فردی، خارج و به صورت جریانی اصلاحی و پدیده ای اجتماعی در متن زندگی ظاهر کرده و خود، عاملی در مسیر ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی می شود. در حقیقت چنین گفته شده است: هرکس می خواهد عبادت واجب روزانه او قبول شود، باید حقوق مردم را ضایع نکرده باشد و هر وعده هنگام نماز، شارع همه را ملزم به تسویه حساب کامل می کند تا بتواند نماز مقبول ارائه کند.

استاد مطهّری رحمه الله می نگارد:

«مسأله ی دیگر: مسأله ی حقوق است. باز از نظر روح عبادت واقعاً فرق نمی کند که ما روی یک فرش غصبی باشیم، یا روی یک فرش مباح. این ها قراردادهای اجتماعی است که این فرش مال شما باشد و آن فرش مال من؛ من در مال شما تصرّف نکنم و شما در مال من تصرّف نکنید. این ها هر یک، دستورهایی است که برای زندگی اجتماعی مفید است، وگرنه یک واقعیت و حقیقتی نیست که مثلاً اگر این فرش مال من باشد، یک کیفیّت واقعی داشته باشد و اگر مال شما باشد، یک کیفیّت واقعی دیگر... . مسأله ی عبادت، یک امر واقعی است؛ یعنی از نظر حالت و رابطه ی روحی که میان انسان و خدا برقرار می شود، این امور نمی توانند واقعاً اثری در عبادت داشته باشند. بعضی چیزها اثر دارند؛ مثلاً: اگر انسان دچار برخی عوارض جسمی و روحی باشد، اصلاً عبادت بر هم می خورد، و این عوارض، مانع حضور قلب و توجّه

می شونـد، ولی امور مـذکور چنین اثری ندارنـد. مع ذلـک اسـلام می گویـد: جـایی که در آن نماز می خوانی، آبی که با آن وضو می گیری، حتّی آن محلّی که آب وضویت در آن ریخته می شود، لباسـی که بـا آن نمـاز می خوانی، تمـام آنچه بـا این عمل تو ارتباط دارد، بایـد مباح باشـد، یعنی نبایـد حرام باشـد، اگر یک نـخ غصبی هم در لباس تو باشـد، این عبادت پـذیرفته نیست.»(۱)

«یعنی اسـلام می گویـد: من پرستشـی را که در آن حقوق اجتمـاعی محترم نباشـد، اساساً قبول نـدارم. آن وقت یک نمازگزار وقتی می خواهد نماز بخواند، اوّل فکر می کند خانه ای که من در آن هستم، به زور از مردم گرفته ام، یا نه؟ اگر به زور گرفته ام، نمازم باطل است. پس مجبور است خانه ای ترتیب دهـد که برایش حلال باشد، یعنی از صاحب اصـلی اش خریده باشد، یا صـاحب او را راضـی نگه دارد. فرش زیر پـا و لباسـی که به تن دارد، همینطور. اگر خمس یـا زکـات بایـد بدهـد و ندهـد، باز نمازش باطل است.»(۲)

همان گونه که در فقه، نماز با لباسـی که از درآمد غیر مشـروع تهیّه گردیده، یا در مکانی که صاحب آن راضی نیست، باطل شمرده شده است، در روایات نیز نماز کسی که پدر و مادر از او راضی نباشند، (۳) کسی که غیبت مسلمانی را کرده باشد(۴)، زنی که همسـرش از او ناراضـی باشد، آن که حقوق مستمندان را ندهد، امام جماعتی که مردم از او ناراضی باشند(۵) و کسی که لب به مسکرات بیالاید(۶)، غیر قابل قبول شمرده شده است.

اینک به دستاوردی دیگر از آثار نماز توّجه کنید:

۵. دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیّتی

بی تردید برخی از پدیده ها، تاثیری عمیق در رفتار و شخصیّت انسان باقی می گذارند و

۱- ۱ . تعلیم و تربیت / ۱۸۸- ۱۸۷.

۲- ۲ . گفتارهای معنوی / ۸۴-۸۳.

۳- ۳. بحارالانوار ، ج ۷۴، ص ۶۱.

۴- ۴. همان، ج۷۷، ص ۵۰.

۵- ۵ . همان، ج ۷۵، ص ۲۵۷.

۶- ۶. همان ، ج ۸۴، ص۳۱۷.

آینده ی زندگی وی را به کلّی دگرگون می کنند. هر کس به خوبی می داند از چه زمانی و چگونه شیوه ای را ترک گفته و روشی دیگری را پس از مواجهه با خاطره ای و فصلی در زندگی خود، برگزیده است.

به گفته ی قرآن: یکی از اعمالی که اخلاق و شخصیّت انسان را شدیداً تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می دهد، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است. پروردگارحکیم، ساختار شخصیّتی همه ی انسان ها را چنین ترسیم می کند:

«اِنَّ الاِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً اِذامَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ اِذامَسَّهُ الْخَیْرُ مَنوُعَاً الاَّ الْمُصَلّینَ اَلذَّینَ هُمْ عَلی صَلاتِهِمْ دائِمُونَ؛(۱)

انسان، بی طاقت و حریص آفریده شده است. هنگام رویارویی با مشکل، بی تابی می کند و آن گاه که به امکانی دست یابد، از یاریِ دیگران دریغ می ورزد؛ مگر نمازگزارانی که هیچ گاه از انجام این عبادت فروگذار نمی کنند.»

نمازگزار، با در نظر گرفتنِ مفاهیم والا و بلندی که همواره در نماز به خود الهام و تلقین می کند و آرامشی که در پرتو ذکر خدا فراهم می آوَرَد، به وقار و شخصیّتی دست می یابد که می تواند نوسانات روحی او را مهار سازد.

حضرت زهرا در خطبه ای شیوا، فلسفه ی اعمال عبادی را، وا رسیده، و در جمع زنان مدینه چنین می فرماید: «[خداوند] نماز را واجب گردانید، تا انسان ها را به وسیله ی آن از تکبّر، منزّه فرماید.»(۲)

شهید مطهّری رحمه الله نیز فرمود:

علی علیه السلام در خطبه ی ۱۹۲ نهج البلاغه پس از اشاره به پاره ای اخلاق نکوهیده از قبیل سرکشی، ظلم و کبر می فرماید:

«وَ عَنْ ذلِکَ ما حَرَسَ اللَّهُ عِبادَهُ الْمُؤمِنینْ بِالصَّلَواتِ وَ الزَّکَواتِ وَ مُجاهَدَه

ص:۳۷

۱- ۱ . معارج / ۱۹ _ ۲۳.

۲- ۲. «فَرَضَ اللهُ الصَّلا ه تَنزیهًا لَکُم عَنِ الکِبرِ». بحارالانوار ، ج ۸۲، ص۲۰۹.

الصِّیام فِی الایّامِ الْمَفْرُوضاتِ تَسْکیناً لِاطْرافِهِمْ وَ تَخْشیعاً لاَبْصارِهِمْ وَ تَذْلیلاً لِنُفُوسِهِمْ، وَ تَخْفیضاً لِقُلُوبِهِمْ وَ اِزالَه لِلْخَیْلاءِ عَنْهُمْ؛

(چون بشر در معرض بیماریهای اخلاقی و روحی است)، خداوند به وسیله ی نماز، زکات و روزه بندگان مؤمن را از آفاتی چنین، نگهبانی کرد. این عبادات، دست و پاها را از گناه باز می دارند، چشم ها را از خیرگی باز داشته، به آن ها خشوع می بخشند، نفوس را، رام، دل ها را فروتن و خودخواهی را از آنان دور می سازد.»(۱)

علّت تأثیر نماز در شخصیّت انسان این است که نمازگزار قلبی مطمئن دارد؛ اطمینان به بزرگ تر بودن خداوند از همه ی جاذبه ها، شخصیّتها، قدرت ها و امکانات. نمازگزار خود را وابسته به چنین قادری یکتا می داند که جهانیان در قبضه ی قدرت اویند و پرورش یافته او؛ همو که در عین قدرت، رحمان و رحیم است و حکومتش به دنیا محدود نمی گردد، بلکه مالک روز قیامت نیز هست. این طمانینه قلبی که در قالب اذکار نماز از نهاد نمازگزار برمی خیزد، وقار شخصیّتی و آسودگی روحی اش را تضمین می کند.

نمازگزار با یادآوری منظره ی آینده ی زندگی انسان ها و حیات اخروی خود، شخصیّتی آینده نگر و اندیشه ای والا و نامحدود می یابد.(۲) او با گره زدن تعلّقات روحی خود با خداوند هستی و استعانت از او(۳) نَفْسی با کرامت، قلبی آرام و آزاد از هر گونه دلهره، اضطراب، توقّع و امید به دیگران می یابد. او لزوم پیروی از صالحان، گام نهادن در مسیر هدایت(۴)، موضع گیری در برابر گمراهان(۵) را هر روز در قالب اذکار نماز به خود تلقین می کند.

۱- ۱. سیری در نهج البلاغه / ۹۷.

۲- ۲. مالک یوم الدّین.

۳- ۳. ایاکَ نَعْبُدُ وَ اِیاکَ نَسْتَعین.

۴- ۴ . صِراطَ الّذینَ انعَمْتِ عَلیهِمْ.

۵- ۵. غَیرِ المَغْضُوبِ عَلَیهم وَ لَا الضّالینَ.

۶. پذیرش انضباط و نظم

آیا تاکنون در قالب برنامه های گروهی مثلا: اردوهای سیاحتی یا زیارتی به سفر رفته اید؟ وساعت های اعلام شده برای حرکت از مبدء و حرکت های بعدی را، با ساعت هایی که عملاً حرکت ها را انجام داده اید، مقایسه کرده اید؟ آن ها را در جدول وارد کنید.

جدول ۶. پیش بینی و چگونگی انجام برنامه های گروهی

ردیف

مبدأ

مقصد

هدف برنامه

ساعت اعلامی

ساعت انجام

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

آیا تاکنون با کسی قرار ملاقات تنظیم کرده اید، که از قبل بدانید او در برنامه خیلی دقیق و بهنگام است و در صورت تخلف، ناراحت می شود؟

آیا تاکنون به پزشکی مراجعه کرده اید که دقیقاً در لحظه ی تنظیم وقت پذیرش، خودش در را بگشاید و از شما استقبال کند؟ اگر چنین اتّفاقی برای بیماری بیفتد چه احساسی در او ایجاد می گردد؟

اگر سر و کار همیشگی ما با افراد منظّم و سخت گیر در مورد ساعت دقیق برنامه ها باشد، چه خصلت و مَنِشی در ما به این وسیله رشد می یابد؟

معمولاً در کشورهای پیشرفته، اگر یک برنامه ی اردو یا بازدید جمعی تنظیم کنند، برای ساعت حرکت به جای ساعت ۱۵/۷ دقیقه مثلاـ اعلام می کنند ۱۷/۷ دقیقه و بسیار مقیّدند رأس دقیقه اعلام شده حرکت کنند، نَه زودتر و نَه دیرتر! مثلاـ رأسِ ساعت ۳۳/۱۱ دقیقه، خودروی آنان در نقطه ی بازگشت توقّف کند؛ زیرا معتقدند این دقّت نظر باعث می شود

ص:۳۹

کـارآموزان یـا همکـاران، یا مشتریان، نظم و انضـباط را در خود نهادینه سازنـد. اینک به نماز و تأثیر و کاربرد آن در پرورش نظم و انضـباط توجّه کنید. نماز صبح ۰۳/۴، نماز ظهر ۱۱/۱۳، نماز عصر ۴۱/۱۵، نماز مغرب ۵۷/۱۹، نماز عشاء ۰۹/۲۱، چنین جدول برنامه ای چه رفتاری را نهادینه می کند؟

زیباترین و چشـمگیرترین تصویر از شخصـیّت، خدمات و امتیازهای هر فرد یا مجموعه، تصویر نظم و انضـباط است. انسان در هر یـک از فعّالیّت ها و مقاطع زنـدگی به شـرطی درخور تحسـین تلقّی می گردد، که کتاب زنـدگی و رفتار خود را به زینت «انضـباط» مزیَّن گردانَـد. بهترین خدمات بدون نظم یا بی برنامگی و بدقولی بی ارزش است. آدمی در جریان زندگی و برنامه هـایش بایـد خـود را بـه رعـایت نظـم مجبـور سـاخته، و الزام هـایی در برنـامه، بر خـویش تحمیـل کنـد، تـا به مرور زمـان این خصوصیّت به صورت ملکه در سایر بخش های زندگی او جریان یابد. استاد مطهری رحمه الله چنین می نگارد:

«عبـادت، یـک وقت مشـخّص و معیّنی دارد و دقیقه اش هم حساب می شود. وقت نماز صـبح از اوّل طلوع صـبح تا اوّل طلوع آفتاب است و اگر عمداً یک دقیقه قبل از طلوع صـبح یا بعد از طلوع آفتاب شروع کنی، نمازت باطل است، باید بین این دو تا باشـد. اگر بگویی: آقا! من فعلاً خوابم می آیـد! من دیشب بیـداری کشـیده ام، الان یک ساعت به طلوع صـبح مانده، خدا که خواب و بیـداری نـدارد، مگر خدا در بین الطّلوعین (العیاذ بالله) لباس رسـمی اش را می پوشد و برای قبول کردن نمازها آماده می شود؟ برای خدا که تمام ساعات و لحظات یکسان است: «لاتَأْخُذُهُ سِنَه وَلانَوْمٌ»(۱) من امشب بیداری کشیده ام و خوابم می آید، می خواهم نیم ساعت زودتر نمازم را بخوانم و بخوابم.

ابـداً! انضـباط و وقت را بایـد بشناسـی، جز در وقت خودش در وقت دیگر نبایـد نماز بخوانی. آیا از نظر خدا فرق می کند که این وقت یـا آن وقت باشـد؟ نَه، از نظر تو فرق می کنـد، تو بایـد با این نماز تربیت شَوی، اگر شب تا دوِیِ نیمه شب هم بیـدار بودی، باید بین الطلوعین بیدار شَوی و نمازت را بخوانی و نماز

۱- ۱. بقره / ۲۵۵؛ جمله ای از « آیه الکرسی»

ظهر و عصر هم همین طور است، قبل از وقت، قبول نیست. بعد از وقت، هم قبول نیست. مغرب و عشا نیز همین طور است.»(۱)

نمازهـای یومیّه که در اوقات معیّن و به صورت یک الزام دینی در برنامه ی زنـدگی روزمرّه قرار می گیرد، صـفحه ی فعّالیّت های انسان را، چدول بندی و روح انضـباط و تقیّد به وقت را در وی احیا می کند. با بررسی دقیقِ نمودهای برنامه ریزی و نظم نمـاز، در می یـابیم این عبـادت والا، در آغاز و فرجام، دارای نظمی لطیف و زیباست. اسـلام عزیز از جهت مقـدّمات و ترتیب منطقی انجامِ آن بر حسبِ شرایط گوناگون غسل، وضو، تیمّم، از حیث جهت ایستادن (قبله)، حرکت دست و اندام بدن، تعداد رکعت ها در هر نوبت، لباس نمازگزار و نوع آن، محلّی که برای اقامه ی نماز یا سـجده برمی گزیند، و تمام این جهات، طرح و برنـامه دارد. برای تون صـدا و نحوه ی ادای قرائت، در زیر و بم کردن صـدا، نحوه ی ادای قرائت، تبیین سـمت و سوی نگاه نماز گزار، آب وضو، باقی مانـده ی آن، خاک، یا محلّ سـجده، آرایش ظاهری، حتّی تعقیبات نماز و... در مرحله ای فراتر در نماز جماعت، برای تنظیم صـفوف جماعت، گزینش امام، و... دسـتورهایی خاص و الگوهایی بی بدیل، ارائه کرده است. الزام به این برنامه ها در هر روز یعنی؛ احیای روح تقیّدپذیری که آهنگ انضباط را در نهادِ انسان، نهادینه می گردانَد.

۷. استواری ایمان و استقامت

خواندن سـرودهای دسـته جمعی خصوصاً در مراکز آموزشـی چه نقشـی می تواند در تربیت داشـته باشد؟ لطفاً این آثار را در جدول زیر فهرست فرمایید.

جدول ۷. آثار سرودهای جمعی

.۱

.۲

.۳

۱- ۱. گفتارهای معنوی / ۸۵_۸۶.

و اینک به بررسی آثار سروش عبودیت می پردازیم:

هر سپاه و سازمانی برای الهام استقامت و ثَبات، سروشی را به سربازان و پیروان خود می آموزد، که هر صبحگاه و شامگاه، با سرودن آن، روحیه ی مقاومت را در جان هایشان به هیجان آوَرَنـد و عزم و اراده خویش را آهنین سازند. سپاه هستی و ذرّاتی که به ظاهر خاموش و بی صدا می نمایند، سرود پایداری در فرمانبرداری از آفریننده را هر صبح و شام می سرایند:

«اِنْ مِنْ شَی ءٍ الاّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ(۱)»

جمله ی ذرّات عالَم، در نهان

با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هُشیم

با شما نامحرمان، ما خامُشیم

چه، شما سوی جمادی می رَوید

مَحرمِ جانِ خداداان، کِی شَوید؟

انسان ها نیز به عنوان محور نظام خلقت، همنوا با سایر ذرّات وجود، صبح و شام خود را با سـرودن سروش ستایش و سپاس و اعلام وفاداری در اطاعت از خالق هستی آفری، سپری می کننـد. این سـرود که در آن، تقیّد به مهم ترین نکـاتِ عقیـدتی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی و.... دیده می شود، روح سازش ناپذیری با طاغوت ها و گمراهان، و پایبندی به نظام اخلاقی مشخّص را در انسان تقویت می کند.

۱- ۱. اسراء / ۲۴.

آزمون

۱. عملکرد انسان در دنیا چگونه در سخن امام سجّاد علیه السلام بیان شده است؟ این عمل به طور طبیعی، چه پیامدی دارد؟

۲. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سخنی از امیر مؤمنان علیه السلام چگونگی تأثیر نماز در محو گناهان را بیان کنید.

۳. استاد مطهّری رحمه الله ، رابطه ی یاد خدا و پرهیز از گناهان را چگونه تبیین می کند؟

۴. چگونگی تأثیر نماز بر پرورش تمرکز ذهن را با رویکردی روان شناسانه توضیح دهید.

۵. رابطه ی نماز با عدالت اجتماعی چیست؟

۶. علت تأثیر نماز در شخصیّت نمازگزار چیست؟

۷. چگونه نماز به زندگی انسان نظم و انضباط می دهد؟

۸. استاد مطهّری رحمه الله در زمینه ی فلسفه ی تعیین وقت نمازها، چه می فرماید؟

۹. ادامه ی آیه ی «ان الانسان خلق هلوعاً» چیست؟ و بر چه مطلبی دلالت دارد؟

۱۰. چگونگی استواری ایمان و استقامت را از طریق نماز، شرح دهید.

ص:۴۳

درس سوم

چرا نماز بخوانیم؟

ص:۴۴

(۳)

آیا هیچگاه دلگیر یا افسرده شده اید؟ به هنگام افسردگی چه عواملی در رفع آن مؤثر است؟ انسان به چه کاری در هنگام افسردگی تمایل دارد؟ لطفاً این عوامل و راهکارها را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۸. تجویزهایی برای درمان دوره افسردگی:

.۱

.۲

.۳

.۴

غریزه ها و نیازها اگر اشباع نشوند تأثیرات نا مطلوبی در جسم و روح باقی می گذارد. مثلا گرسنگی، تشنگی موجب رخوت و بی تحرکی می شوند. نوزادان به هنگام مواجهه با چنین وضعیتی این کمبود را از راه گریه اظهار می نمایند. آیا با نوزادان یا کودکانی مواجه شده اید که کمبود آنان مربوط به حسّ انس و دلتنگی آنان باشد؟ آنرا چگونه بر طرف نموده اید. بزرگترها این حسّ را چگونه ارضاء می کنند؟

۸. اُنس فطری انسان با پرستش

تاریخ آفرینش، گونه هایی گوناگون از عبادت های انتخابی انسان ها را در خود ثبت

کرده است؛ از پرستش موجودات و اشیایی مختلف، همچون: چوب، سنگ، خورشید، ماه، آب، آتش و دلباختگی هایی مثل شاه پرستی، شهوت پرستی به اشکال زشت، نام پرستی، هوا پرستی و وطن پرستی که همگی از مسیرهای منحرف پاسخ به نیاز انس و پرستش بوده ولی در همه ی دوره ها طرفدارانی داشته است.

مجموع این ها از وجود یک نیاز به پرستشگری در انسان خبر می دهد، که تأمین نکردن آن، روح را مواجه با خلأ می سازد. استاد مطهّری در این باره می فرماید:

«یکی از پایدارترین و قدیم ترین تجلّیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود انسان ها، حسّ نیایش و پرستش است. مطالعه ی آثار زندگی بشر، نشان می دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته، نیایش و پرستش هم وجود داشته است؛ چیزی که هست، شکلِ کار و شخص معبود، متفاوت شده است. از نظر شکل از رقص ها و حرکات دسته جمعی موزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته، تا عالی ترین خضوع ها و خشوع ها و راقی ترین اذکار و ستایش ها و از نظر معبود، از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیّومِ ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان. پیامبران، پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی را که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه: از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.»

سپس می افزاید:

«از نظر برخی دانشمندان(۱)، بشر ابتدا موّحد و یگانه پرست بود و خدای واقعی خویش را می پرستید پرستش بت یا ماه یا ستاره یا انسان از جنس انحراف هایی است، که بعداً رخ داده است، یعنی بشر چنین نبوده که پرستش را از بت یا از انسان مخلوقی دیگر آغاز کرده است و تدریجاً با تکامل تمدّن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حسّ پرستش که احیاناً به حسّ دینی تعبیر می شود،

۱- ۱. استاد، در نوشتارش از «ماکس مولر» نام بُرده است.

در عموم افراد بشر وجود دارد.»(۱)

عمق و اصالت این گرایش را می توان از استواری و عظمت بناهایی که در طول تاریخ برای پرستشگری بنیان گردیده، دریافت. آن جا که بشر ــ خود ــ در خانه ای کلوخین می زیست، ولی کلیساها، کنیسه ها و مساجد، یا هر عمارت دینی را به بهترین وجه معمور می داشت، و سخت ترین جنگ ها را در حمایت از معبود و مسجود خویش تحمّل می کرد.

اکنون، انسان از خود می پرسد: چه چیز را بپرستد؟ و چگونه پرستش کند؟ بالتَّبَع بررسی قابلیّت پرستش موجودات مختلف، به عقل سپرده می شود. همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام رویارویی با ماه پرستان، با آنان همزبانی کرد، ولی پس از نا پدید شدن ماه، آن را عقلاً فاقد قابلیّت خواند. سپس به خورشید، روی آورد و ظاهراً به آن، اظهار علاقه نمود؛ زیرا بزرگ تر و درخشنده تر بود و وقتی خورشید غروب کرد، بی ثَباتی اش را دلیل روی گردانی از آن برشمرد.(۲)

قرآن کریم با معادله ای عقلانی، بر پرستش همه اشیای بی اراده و ناتوان، خطّ بطلان می کشد:

«وَ مالِی لا اَعْبُدُ الَّذی فَطَرَنی وَ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ؛(۳)

چرا آن کس را که آغاز، و انجامم از او و به سوی اوست، پرستش نکنم؟»

آری! تنها او سزاوار پرستش است و عبادت غیر او، عقلانی نیست.

«قُلْ اَفَغَیْرَ اللّهِ تأْمُرُونّی اَعْبُدُ اَیُّهَا الْجاهِلوُنَ»(۴)

«بگو: آیا امر می کنید، غیر خدا را بپرستم، ای نادانان! [پرستش ضعیف، ناتوان، نیازمند و وابسته ازروی نادانی است و اگر این کاستی ها را نداشته باشد، خداست و غیر او واجد این مشخّصات نیست.]»

ص:۴۷

۱- ۱. احیای فکر دینی / ۱۰۵.

۲- ۲. انعام / ۷۶ ــ ۷۹.

۳- ۳. یس، ۲۲.

۴- ۴ . زمر ، ۶۴.

به گفته ی استاد مطهّری رحمه الله :

«پیام قرآن این است که ای انسان! ؛ رَبّ خود، پروردگار خود و صاحب اختیار خود را بپرست؛ آن صاحب اختیاری که تمام هستی به اراده ی او وابسته است و اگر یک لحظه غافل گردد«دَر هم ریزند قالب ها.»

«الذی خلقکم و الذین من قبلکم»(۱) [بپرستید] آن کس که شما و پیشینیان تان را آفرید.»(۲)

تمرکز هر گونه قدرت و توان در خداوند متعال، امر به پرستش غیر او را جدّاً جاهلانه می نماید و اگر پرستش، عقلاً سزاوار اوست، ادب پرستشگری را باید از همو الهام گرفت و هیچ شیوه ای جز آن، در خور تحسین و قبول نیست. تجربه ثابت کرده که هر گاه بشر، خود، خواسته تا مبتکر نحوه ی اظهار عبودیّت باشد [همچون مناجاتی که در نیایش شبان قوم بنی اسرائیل آمده] نتوانسته ادب مقبولی در این زمینه پدید آوَرَد.

۹. عام نگری

تفاوت بین کسانی که از روحّیه ی جمعی برخوردارند و همیشه دوست دارند شادی ها و نعمت های خود را تقسیم کنند و کسانی که همه چیز را برای خود می پسندند و دوست ندارند کسی در کنار آنان باشد و چیزی به کسی داده شود ناشی از چه عواملی است و راه درمان آن چیست؟

امروزه که بحث گسترش مرزهای دانش و راهکارهای آن مطرح است، از دیدگاه شما، گسترش مرزهای بینش از چه ضرورت و اولویّتی برخوردار است و چه الزام هایی دارد؟ دید وسیع و گسترده چگونه حاصل می گردد؟ موضوع عام نگری را به عنوان کارکرد نماز، مطالعه و بررسی کنید. آیا ممکن است چنین اثری به صورت محسوس از نماز دریافت گردد؟

حیات بشر در گرو بینش و نگرش وسیع و روحیّه ی سازگاری با محیط و موافقت با جمع

۱- ۱. بقره ، ۲۱.

۲- ۲ . آشنایی با قرآن ، ۱۳۲.

است، بـا آن که نمـاز ــ ظاهراً ــ به دور از فعّالیّت های جمعی و نوعی عمل فردی می نمایـد، امّا حضور در جمع و همنوایی و مسـالمت با جماعت در جای جای آن تعبیه گردیـده است. از نخستین جمله ای که به عنوان آغاز با نام خـدا به صـفت شـمول رحمت وی آغـاز می گردد و سپس به صـفت تربیتِ عموم جهانیان توسّط او اشاره می گردد، تا آن جا که نمازگزار، هر چند به تنهایی نماز می خوانـد، با زبان جمع، انحصار عبادت و اسـتعانت را در خدا اعلام می نماید، و سـر انجام: وقتی که در سـلام نمـاز، نوای مسـالمت و صـلح و صـفا را با نسل حاضـر و بنـدگان صالـح خـدا، سـر می دهـد، همه و همه، آهنگ صـمیمیّت و همزیستی مسـالمت آمیز را در روح او می دمنـد. معمولاًـ تمـام الفـاظ، یـا عام و مطلقنـد، و یا متکلّم مع الغیر و ظرفیّت عمومی دارنـد، ماننـد «اللّه اکبر». خـدا بزرگ تر است از چه چیز؟ از همه چیز، او پرورش دهنده است! پرورش دهنده همه ی جهانیان، [همگی ما] تنها تو را عبادت می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم.

در نماز، اَعمال واجب بصورت جمعی انجام می شود و در صورتی که نمازگزار مأموم باشد، حمد و سوره نمی خواند و صرفاً با استماع قرائت امام جماعت، با او همدل می شود و با او به رکوع می رود و...

در نمـاز، حقوق جمع، منظور شـده است، از لباس و محلّ نماز، گرفته، تا سایر توصـیه های حقوقی که در روایات، رعایت آن هـا شـرط قبولی نمـاز دانسـته شـده است، همه و همه مجسم کننـده ی عـدالت اجتمـاعی در نمـاز هسـتند، همان گونه که روح مسالمت و صـلح در زوایای دستوری آن نهفته است، آن جا که در آداب نماز می خوانیم: شمشیر و سلاح خود را جلو سجّاده نگذار، یا....

نمـازگزار، گـاهی در قنوت نماز، آمرزشِ گناهان همه ی همسایگان، حقـداران، نیاکان و مؤمنان و مؤمنات و خادمان جامعه و کسانی که از او غیبت کرده اند، یا او از آنان غیبت نموده، از خداوند تبارک و تعالی مسألت می کند.

قانونگـذار اسـلام تأکیـد دارد تمـام این موارد در قـالب نمـاز جمـاعت و در هیـأت گروهی، ادا گردد و برای ترغیب به انجـام جمعی آن، ثواب هـایی فراوان بر شـمرده است. بنـابراین: همزیستی مسـالمت آمیز و بازیافت روح موافقت با جمع می توانـد به عنوان یکی دیگر از

آثار و اسرار نماز مورد توجّه قرار گیرد؛ چرا که مضامین و آداب آن، ناخواسته انسان را به این خصلت و باور سوق می دهد.

۱۰. زنگ هشدار

سپید گشتنِ مو، ترجمان این سخن است

به پای خیز زخواب گران، سپیده دمید

انسانها به جای آنکه از صدای جرس ساعت ها، زنگ بیداری را برداشت کنند، از آن به جای نوای لالائی استفاده می نمایند. هیچ سرمایه ای گران بهاتر از عمر نیست و ارزان تر از آن هیچ چیز به طور دائم و لا ینقطع مصرف نمی گردد. هیچ امری به اندازه گذر عمر قطعی نیست و هیچ گزاره ای به میزان آن مورد تردید عملی انسانها قرار نگرفته است. آیا می دانید چرا؟ شاید به این دلیل که:

فرصت از دست می رود هشدار   عمر چون کاروانِ بی جَرَس است

پس لازم است زنگ هایی از نوع دیگر در زندگی انسان تعبیه گردد. اینک به نقش نماز در این مورد توجه فرمایید:

فرو رفتن در دنیا و گرفتاری های زندگی، حساب شب و روز و چگونگی گذشت عمر را از خاطر انسان می بَرد و در این میان انسان، نیازمند مُذَکِّر است، تا گذشتِ ساعات و ایام را به او یادآور شود.

رهبر معظّم انقلاب اسلامی مدّ ظّله العالی، این نقش نماز را، ژرف بینانه ترسیم می فرماید:

«انسان از لابلای مشغولیت های فکری که او را احاطه کرده است، به ندرت می تواند به خود و هدف زندگی و گذشتِ لحظات و ساعات و روزها بیندیشد. چه بسا روزها که شب می گردد و روزهای دیگری آغاز می شود و هفته ها و ماه ها که می گذرد و انسان به آغاز و پایان آن توجّه نمی یابد و گذشت زندگی و معنا، یا بطالت آن را احساس نمی کند. نماز، یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است، که به انسان برنامه می دهد و از او تعهّد می خواهد. به روز و شبش معنا می دهد و از گذشت

ص:۵۰

لحظه ها حساب می کشد. در زمانی که انسان، مشغول و بی خبر از طی زمان و انقضای عمر است، او را می خواند و به او می فهماند که: روزی گذشت و روزی دیگر آغاز شد.»(۱)

غفلت از گذشتِ عمر، نمودی از بُعد حیوانی انسان است. قرآن کریم، پس از تشبیه برخی آدمیان به چهارپایان می فرماید: «اُولٰئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ؛(۲) اینان غافلانند.»

آری! نماز انسان را از غفلت دور کرده، و در مدار توّجه می نهد. انسانی که:

آفرینشِ خود را در حافظه ندارد؛ «نَسِیَ خَلقَهُ»(۳)

عملکرد گذشته را از خاطر برده؛ «نَسِیَ ما قَدَّمَتْ یَداهُ»(۴)

و خدای خود را فراموش کرده است. «نَسُوا اللَّه»(۵)

نوشتاری از آیت اللَّه مطهّری را مرور می کنیم:

«به همان نسبت که وابستگی و غرق شدن در مادیّات، انسان را از خود جدا و با خود بیگانه می سازد، عبادت انسان را به خویشتن باز می گرداند. عبادت، به هوش آورنده و بیدار کننده ی انسان است. عبادت، انسانِ غرق و محو شده در اشیا را، مانند نجات غریق از اعماق دریای غفلت ها بیرون می کشد. در عبادت و پرتو یاد خداوند، انسان خود را آنچنان که هست می بیند؛ به نقص ها و کسری های خود آگاه می گردد، از بالا به هستی و حیات و زمان و مکان می نگرد، و در عبادت است که انسان به حقارت و پَستی آمال و آرزوهای محدود مادّی پی می برد و می خواهد خود را به قلب هستی برساند.

من همیشه به این سخن دانشمند معروف عصر خودمان «اینشتاین» به دیده ی اعجاب می نگرم. این دانشمند، متخصّص در فیزیک و ریاضی است، نَه در

۱- [۱] . از ژرفای نماز / ۸۰.

۲- ۲ . اعراف / ۱۷۹.

۳- ۳ . یس / ۷۸.

۴- ۴ . کهف / ۵۷.

۵- ۵. حشر / ۱۹.

مسایل روانی و انسانی و مـذهبی و فلسـفی. او پس از تقسـیم مـذهب به سه نوع، نوع سوم را که مـذهب حقیقی است، «مذهبِ وجود» یا «مذهبِ هستی» می نامد و احساسی را که انسان در مذهب حقیقی دارد، این چنین شرح می دهد:

در این مـذهب، فرد، کوچکی آمال و هـدف های بشـر و عظمت و جلالی که در ماورای پدیـده ها در طبیعت و افکار، تظاهر می نمایـد، حس می کنـد. او وجود خود را یـک نوع زنـدان می پنـدارد، چنـان که می خواهـد از قفس تَن پرواز کنـد و تمـام هستی را یک باره به عنوان یک حقیقت واحد دریابد.»(۱)

۱۱. همراهی با هستی

آیـا تـاکنون فهرسـتی از خصوصّـیات یـا کـارکرد مشـترک همه ی اجزای هسـتی را تهّیه کرده ایـد؟ از خصوصّـیات مشـترک جانداران چطور؟

به نظر شـما خصوصّـیات یـا کـارکرد مشترک انسـان هـا که به میزان های متفاوت و گونه گون، هر یک از انسان ها واجـد آن هستند، کدام است؟

در جدول زیر حدّاقل سه مورد از خصوصیّات مشترک هر کدام را بنویسید.

جدول ۹. خصوصیّات مشترک موجودات

۱.مشترکات تمام موجودات؛

الف:

ب:

ج:

۲. مشترکات جانداران؛

الف:

ب:

ج:

۳. مشترکات انسان ها؛

الف:

ب:

ج:

ص:۵۲

۱- ۱ . احیای فکر دینی / ۱۰۵.

۱.مشترکات تمام موجودات؛

الف:

ب:

ج:

۲. مشترکات جانداران؛

الف:

ب:

ج:

۳. مشترکات انسان ها؛

الف:

ب:

ج:

همه موجودات هستی، همواره هستی آفرین را می ستایند؛ قرآن کریم می فرماید:

«اِنْ مِنْ شَی ءٍ اِلّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ؛(۱)

هیچ چیز در دایره ی وجود نیست، مگر آن که خدا را تسبیح می گوید.»(۲)

حتّی غرّش ابرها پیام آور تسبیح الهی اند(۳) آن ها که فاقد شعور و ادراکند، خدای را می ستایند، چگونه ممکن است انسان شعورمند و با ادراک در برابر عظمت خداوند کرنش نکند؟! آنها که برای وجودی دیگر آفریده شده اند، در پی سپاس خالقند، پس چرا انسان که وجودش مستقل و بهره مندترین موجودات هستی است با آن ها همراهی نکند! آیا این از انصاف، دور نیست؟!

نماز، برترین، زیباترین و پسندیده ترین کرنش ها را در بردارد و انسان در قالب نماز، همراه با هستی، هستی بخش را تقدیس می کند.

۱۲. بهداشت جسم و نظافت لباس

آیا برای شما امکان دارد یک گزارش مقایسه ای از وضع بهداشت در پنج کشور اسلامی و پنج کشور غیر اسلامی تهیّه و ارائه کنید.

چرا مسلمانان، موضوعِ بهداشت و نظافت را جدّی نمی گیرند؟

ص:۵۳

۱- ۱ . اسراء / ۴۴.

۲- ۲ . برای آگاهی بیشتر، ر. ك : فلسفه ی اخلاق / ۱۲۳؛ فطرت / ۱۸۰ و طهارت روح ۳۵_۴۰؛ استاد مطهّری.

۳- ۳ . رعد / ۱۳(وَ یسَبِّحُ الرَّعد بِحَمدِه).

فهرستی از رفتارهای غیر بهداشتی موجود در کشورهای اسلامی خصوصاً در مجامع دینی را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۱۰. رفتارهای غیر بهداشتی در مجامع اسلامی و دینی

۱.

۲.

۳.

آیا هیچ مکتبی را سراغ دارید که روزانه پنج نوبت شست شوی دست ها و صورت و پاکیزگی لباس را برای مراسمی عبادی، واجب کرده باشد؟

این تکلیف، چه نقشی در بهداشت فردی دارد؟

بی تردید، وضو و غسل، مقدّمه ی نماز هستند و به طفیل ذی المقدّمه به عرصه ی الزام و وجوب راه یافته اند و هرگز نمی توان چنین گفت که: نماز، واجب و مفید است؛ زیرا مقدّمه ی آن موجب بهداشت جسم می شود! ولی می توان در کنار سلامت روح و بهداشت روانی نمازگزار به این درآمد نیز اشاره کرد، که نمازگزار از نوعی مواهب تبعی و جسمی نیز برخوردار می گردد؛ چرا که جسم او روزانه چندین بار در قالب وضو و غسل شست شو می شود و مجبور است مواضع وضو را از هر گونه آلودگی و مانعی پاک سازد. همچنین باید لباس های خود را پاکیزه و زینت ظاهری آن ها را فراهم نماید(۱) و هنگام نماز در حدّ توان، آراسته و معطّر باشد(۲). تأثیر نظافت که شرطی برای عبادت روزانه است در سایر بخش های زندگی نمازگزار نیز باقی می ماند و او را شخصیّتی آراسته و منظّم تربیت می کند.

۱- ۱ . اعراف / ۳۱؛«یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکم عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ».

۲- [۲] . توضیح المسائل ، مسأله ی ۸۶۸؛ حضرت امام خمینی رحمه الله پوشیدن پاکیزه ترین لباس ها و جامه ی سپید و استعمال بوی خوش را از مستحّبات لباس نماز گزار، بر شمرده اند.

یک پزشک متخصّص می گوید:

«قبض و بسطی که عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آن ها می یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط مبادلات جسمی می گردد و حرکات تنفّسی، جذب اکسیژن و دفع کربن را آسان می نماید و سبب تمدّد اعصاب می شود. همچنین او را از ابتلا به بیماری های مختلف مصون می دارد. همان گونه که شست شوی اجباری دست ها برای وضو، روزانه حدّاقل پنج بار، عامل نظافت دستها و پیشگیری از ورود میکروب های مختلف به دهان و ابتلا به بیماری گوارشی و سایر بیماری ها صعب العلاج می شود.»(۱)

یکی از استادان دانشکده ی پزشکی دانشگاه قاهره، پایان نامه ی دکترای خود را به بررسی تأثیر شگفت انگیز نماز در صیانت از بیماری های عضلانی از جمله فراخی رگ های پا، اختصاص داده و کتابی در این زمینه تدوین و در آن به طور مبسوط آثار طبّی نماز بر عضلات پا را، بررسی کرده است.(۲)

و دیگر بار، باید گفت: نماز، یک عبادت است، و یک امر روحانی و عبادی اصولاً نیازی به چنین توجیهاتی ندارد.

۱۳. احساس قدرت و عزّت

نماز، احساس تواضع را در انسان برمی انگیزد، امّا هرگز به نمازگزار اجازه نمی دهد در خود احساس فرومایگی کند.

نماز، انسان را به قدرت لایزال الهی متّصل می گرداند و از این جهت، احساس قدرت و

۱- ۱ . روح الصَّلاه فی الاسلام / ۸۲.

۲- ۲ . معجزه الصَّلاه فی الوقایه من مرض دوالی الساقین، عنوان کتاب فوق و دارالنشر للجامعات المصرّیه - مکتبهالوفاء آن را چاپ کرده است. دانشمندی دیگر به نام دکتر فارس علوان از دانشگاه جدّه، کتابی با عنوان «و فی الصَّلاه صحه و وقایه» تدوین کرده است. این کتاب از سری کتاب های «صحتک فی عبادتک» از«دارالمجتمع» است، که به بررسی آثار نماز در سلامت جسم و بدن پرداخته و پژوهشی نسبتاً جامع در این باره ارائه کرده است.

عزّت را در نهادش پدید می آوَرَد. امام علی علیه السلام در مناجات با خدای متعال از راز رسیدن به عزّت، پرده برمی دارد:

«اِلهی کَفی بی فَخْراً اَنْ اَکُونَ لَکَ عَبْداً وَ کَفی بی عِزّاً اَنْ تَکُونَ لی رَبّاً:(۱)

خدایا! این افتخار مرا بس، که بنده ات باشم و این عزّت، مرا کافی که تو پروردگار من باشی!

نماز، سندی است بر عبودیّت برترین مخلوق، در پیشگاه پروردگاری خالق، و شاهدِ صدقی بر این پیوند عاشقانه و سرافرازانه.

ص:۵۶

۱- ۱ . بحارالانوار ج ۷۷/ ص۴۰۰ ؛ خصال ج۲/ ص۴۵۲.

آزمون

۱. استاد مطهّری رحمه الله فطری بودن پرستش را چگونه تبیین می کند؟

۲. معادله ی عقلانی قرآن کریم را در باره ی قابلیّت نداشتنِ غیر خدا برای پرستش را توضیح دهید.

۳. پیام قرآن در زمینه ی پرستش چیست؟ معیار معبود بودن در قرآن را، با ذکر آیه، بنویسید.

۴. چگونه نماز بینش وسیع و روحیه ی سازگاری با جمع را به انسان می آموزد؟

۵. کلام مقام معظم رهبری را در خاصیّت هشداری نماز، شرح دهید.

۶. قرآن، در کدام آیه و چگونه غفلت را ناشی از حیوانیّت می داند؟

۷. مراد از همراهی انسان با هستی در نماز چیست؟

۸. درباره ی تأثیر جریان آب وضو بر بدن انسان، چه تحقیقی و از سوی چه کسانی ارائه شده است؟

۹. چند مورد از مستحبّات مربوط به بدن و لباس نمازگزار را ذکر کنید؟

۱۰. چگونه نماز در انسان، احساس قدرت و عزّت را برمی انگیزد؟ سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام را در این زمینه بنویسید.

درس چهارم

سابقه ی تاریخی نماز

کهن ترین عبادتی که در تمام ادیان گذشته، سابقه ی حضور دارد، نماز است. اینک به فهرستی از این تاریخ کهن اشاره می کنیم:

۱. نماز حضرت آدم علیه السلام : از صُحُف حضرت ادریس نقل شده که خداوند در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حوا در زمین، نماز عصر و مغرب و عشا را مجموعاً ۵۰ رکعت به حضرت آدم واجب کرد.(۱)

۲. نماز حضرت شیث علیه السلام : وقتی حضرت آدم وفات یافت حضرت شیث او را غسل داد و بر وی نماز خواند.(۲)

۳. نماز حضرت ادریس علیه السلام : امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود سفارش فرمود: وقتی به مسجد کوفه شرفیاب شدی، به مسجد سهله نیز برو و در آن جا نماز بخوان و از خدا، حاجت بخواه؛ زیرا مسجد سهله، خانه ی حضرت ادریس است، که در آن خیّاطی می کرد و نماز می خواند.(۳)

۴. نماز حضرت نوح علیه السلام : کشتی حضرت نوح، دارای پنجره ها و سوراخ هایی بود، که نور خورشید از آن ها به درون می تابید و از این طریق، وقتِ نماز را تشخیص می دادند.(۴)

۱- ۱ . بحارالانوار، ج ۱۱، ص۱۹۶.

۲- ۲ . همان /۲۶۳.

۳- ۳ . همان /۲۸۰.

۴- ۴ . بحارالانوار ج ۱۱/ ص۳۳۳.

۵. نماز حضرت صالح علیه السلام : وقتی قوم صالح از او خواستند به عنوان نشانه ی پیامبری ناقه ای را از کوه بیرون آوَرَد، حضرتش فرمود: آنچه از من خواستید، کاری دشوار، ولی نزد خداوند آسان است. سپس به پا خاست؛ دو رکعت نماز خواند و سر به سجده نهاد: آن گاه تضرّع کرد، و قبل از آن که سر از سجده بردارد، کوه به فرمان خداوند شکافته شد و صدایی از آن به گوش رسید که جمعی را مدهوش کرد و ناقه ای با همان خصوصیّات ظاهر گشت.(۱)

۶. نماز حضرت ابراهیم : حضرت ابراهیم آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه ی نوبنیاد نهاد، دست به دعا برداشت: «خدایا! من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصلخیز و کنار خانه ات ترک نمودم، تا نماز را به پا دارند؛ پس دل های مردم را در هوای (گروِ) آنان قراردِه.»(۲)

۷. نماز حضرت اسماعیل: قرآن کریم، او را از این جهت ستوده، که خاندان خود را به نماز توصیه می فرمود.(۳)

۸. قرآن کریم، پس از اشاراتی به تاریخ حضرت اسحاق، یعقوب و لوط علیهم السلام می فرماید: ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به مکتب مان هدایت می کنند و به آن ها انجام نیکی ها، اقامه ی نماز و ادای زکات را الهام کردیم.(۴)

۹. نماز حضرت شعیب : بت پرستان در برابر دعوت آن حضرت به پرستش خداوند یکتا می گفتند: آیا نماز تو، فرمان می دهد که ما آنچه را پدرانمان می پرستیدند، رها کنیم؟(۵)

۱۰. نماز حضرت موسی : وقتی حضرت موسی به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت داشت، خداوند متعال به او فرمود: من خدای یکتایم؛ پس مرا عبادت کن و نماز را

۱- ۱ . همان /۳۸۳.

۲- ۲ . ابراهیم / ۳۷؛« رَبَّنا اِنّی اَسْکَنتُ مِنْ ذُرّیَتی بِوادٍ غَیْرَ ذی زَرُع عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ ربَّنا لِیُقیموُا الُصّلو ه .... »

۳- ۳. مریم / ۵۵.

۴- ۴ . انبیا / ۷۳.

۵- ۵ . هود / ۸۷.

به پادار!(۱)

۱۱. نماز حضرت لقمان : حضرت لقمان ضمن وصایای حکیمانه ی خود به فرزندش می فرماید: ای فرزندم! نماز را به پا دار.(۲)

۱۲. نماز حضرت داوود: حضرتش روزی را جهت رسیدگی به امور مردم و داوری در میان آنان و روزی دیگر را به عبادت می گذارد، که در آن، به دور از همه ی مردم در محراب خود به نماز می ایستاد.(۳)

۱۳. نماز حضرت سلیمان: نماز صبح را در شهر شام و نماز ظهر همان روز را در فارس می گزارد.(۴)

۱۴. نماز حضرت یونس : در تفسیر آیه ی «فَلَولا اَنَّهُ کانَ مِنَ المُسَبَّحینَ»(۵) گفته شده: مراد آن است که اگر حضرت یونس از نمازگزاران نبود، زمانی بیشتردر شکم ماهی باقی بماند.(۶)

۱۵. نماز حضرت زکریا: در حالی که زکریا در محراب عبادت خود به نماز مشغول بود ملایک بشارت تولد یحیی را به او دادند.(۷)

۱۶. نماز حضرت عیسی: آن گاه که در میان گهواره به امر خداوند، سخن آغاز کرد خود را اینگونه معرفی نمود: من بنده ی خدا هستم، که مرا پیامبر قرار داد و در هر جا که باشم مرا مایه ی برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی جان در بدن دارم مرا توصیه نمود.(۸)

۱- ۱. طه / ۱۴.

۲- ۲ . لقمان / ۱۷.

۳- ۳ . بحارالانوار / ج ۱۴/ ص ۲۰.

۴- ۴. همان /۹۹.

۵- ۵ . صافّات / ۱۴۴- ۱۴۳.

۶- ۶ . مجمع البیان ، ج ۸/ص۴۵۹ ذیل آیه ی مذکور.

۷- ۷ . آل عمران / ۳۹.

۸- ۸ . مریم / ۳۰ _ ۳۱.

۱۷. نماز حضرت ایّوب: وقتی خداوند روحیّه ی بندگی حضرت ایّوب را ستود، شیطان حسادت کرد و گفت: خدایا! اموال او را از وی بستان و ببین آیا باز هم چنین روحیه ای خواهد داشت؟! خداوند، همه ی احشام ایّوب را نابود کرد. شیطان در لباس چوپانی، نزدِ حضرتش آمد و وی را به نماز ایستاده، دید. پس از نماز به او گفت: آیا می دانی خدایی که تو برای او عبادت می کنی، با شترهایت چه کرد؟ حضرت ایّوب فرمود: مال من نبوده؛ مال خود او بوده و به عاریه داده بود و او صاحب اختیار است که هر وقت بخواهد بستاند...(۱)

۱۸. نماز حضرت خضر: علی بن ابراهیم گوید: پدرم در مسجد کوفه، حضرت خضر را زیارت کرد که در جای جای مسجد نماز می خواند.(۲)

درمورد سابقه نماز در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم:

«هِی آخَرُ وَصایَا الاَنبِیاءِ»(۳)

آری تمام پیامبران الهی، با نماز مأنوس و سفارش کننده به آن بودند.

تاریخ تشریع نماز

مشهور چنین است که حُکم وجوب نماز را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفر معراج دریافت و به مسلمانان ابلاغ کرد. از سویی دیگر: صفحات نخستین روزشمار تاریخ اسلام، تصویرهایی از نماز پیامبر اکرم؛ امام علی و حضرت خدیجه علیهم السلام را فرا روی قریش و در کنار کعبه در خود جای داده است.(۴)

در این جا این سوال مطرح می گردد که: اگر نماز در لیله الاسراء تشریع گردید، آیا مسلمانانِ نخستین، نماز نمی گزاردند؟

۱- ۱ . بحار الانوار / ج ۱۲/ ص ۳۵۸.
۲- ۲ . همان / ج ۱۳/ ص ۳۳۰.
۳- ۳ . وسائل الشیعه ، ج ۳، ص۲۰۶.
۴- ۴ . بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۷۹.

علاّمه طباطبایی رحمه الله می فرماید:

بر اساس روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز مغرب را در مسجدالحرام خواند و سپس سفر به مسجدالاقصی را آغاز کرد و این مطلب با روایاتی که می گوید: نمازهای پنج گانه در لیله الاسراء واجب شد، منافاتی ندارد. زیرا اصل نماز، پیش از این تاریخ نیز واجب بود، چنانکه آیات نُهُم و دهم سوره ی علق: (اَرَاَیْتَ الَّذی یَنْهی، عَبْداً اِذا صَلّی) بر نماز رسول خدا، پیش از هجرت و در اوایل بعثت، دلالت دارد؛ آن دوران که ابوجهل و مردمان نااهل، نماز پیامبر و اصحابش را به تمسخر میگرفتند، امّا تعیین رکعت ها و نظام کنونی نمازها در آن سفر آسمانی صورت گرفت.

از اخبار چنین بر می آید که: نماز در همه ی شرایع و ادیان، سابقه داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز که قبل از اسلام از «دین حنیف» پیروی می کردند، حتّی پیش از بعثت، در اقامت های طولانی در غار حرا به این عبادت اشتغال داشته و پس از بعثت نیز نماز، نخستین مراسم دینی مسلمانان بوده است، امّا در شب معراج و نخستین سال های تشکیل حکومت در مدینه، شکل و تعداد رکعات آن تعیین گردید.

قبله

آیا تاکنون از خود پرسیده اید که چرا باید نماز را رو به قبله بخوانیم؟ مگر خدا درون کعبه است؟ او که مکانی خاص ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه و مکان خاص رو کنیم؟

ابتدا خوب است بدانیم قبله کنونی مسلمانان در چه زمانی تعیین شد، سپس به پاسخ پرسش ها بپردازیم.

شانزده ماه از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گذشت، در کنار هجمه ها و عملیّات نظامی، نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی، پیوسته نهادِ پیامبرِ رحمت را به خود مشغول می داشت؛ چرا که یهودیانِ یثرب همواره مسلمانان را به دلیل نداشتن قبله ای مستقل، و روی آوردن آنان به بیت المقدس، برای عبادت، سرزنش می کردند و رهبر جامعه ی اسلامی بی صبرانه نزول پیک الهی را در امر تغییر قبله انتظار می کشید، تا آن که

روز دوشنبه نیمه ی رجب سال دوم هجرت، این آیه نازل شد:

«قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَه تَرضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ:(۱)

ما، توجّه تو را به سوی آسمان _ به انتظارِ وَحی و تغییرِ قبله _ بنگریم و البّته، رویت را به قبله ای بگردانیم که بِدان خرسند شَوی. پس: روی کُن به مسجد الحرام. و شما مسلمانان نیز هر کجا بودید، به آن سو رو کنید...»

با این پیام، قبله ی مسلمانان یک نیم دایره تغییرکرد و از شمال به سمت جنوب، جهت گرفت. محلّ نزول این آیه، «ذوقبلتین» نام گرفت و مسلمانان از آن پس، با خشنودی و افتخار، به سوی کعبه نماز گزاردند.

اینک نوبت پاسخ به پرسش های فوق می رسد. خدا مکانی خاص ندارد و مکان نمی پذیرد. قرآن با صراحت در این باره می فرماید:

فَاَیْنَما تُوَلّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّه(۲)؛ به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده اید.

اما بیت، نشانی از صاحب بیت دارد. اگرچه صاحب خانه در خانه نباشد، خطابها، نامه ها و توجهات به سوی خانه گسیل می شود. همچنانکه خانه منسوب به یک فرد، ضرورتاً نباید محل سکونت او باشد تا نگویند خانه اوست. لذا جهت گیری جسم ها به سوی کعبه است که بیت الله نام گرفته است و جهت گیری جان ها به سوی صاحب خانه! خانه ای که مقدّس ترین مکان های زمین بوده، نشانه هایی از پیامبران بزرگ خدا دارد و کتاب مجسّم خاطرات توحیدی است. آری! آن جا که پایگاه توحید است، قبله ی موحّدان قرار گرفته، تا با توجّه به این مرکز معنوی که از هر آلایشی به دور است، تمام آلایش ها را از دل، دور و قلب را بسوی او پرواز دهیم.(۳)

۱- ۱ . بقره / ۱۴۴؛.

۲- ۲ . بقره / ۱۱۵.

۳- ۳. برای آگاهی از مشخصات و سابقه ی تاریخی کعبه، بنگرید به : تاریخ و آثار اسلامی مکّه ی مکرّمه و مدینه منوّره: انتشارات مشعر: اخبار مکّه و ما جاء فیها: تألیف ابوالولید ازرقی، الغرام باخبار البلاد الحرام؛ تألیف دکتر عمر عبدالسّلام و اخبار مکّه فی قدیم الدّهر و حدیثه: تألیف عبدالملک بن عبدالله بن وهیش.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«آن گـاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شؤون دنیایی و خلایق و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سرگرم کننده ای پاک کن و در درون، عظمت خدا را مجسّم دار و به یادآور وقوف خود را در پیشگاه خدا، آن زمان که اعمال گذشته ی هر یک از انسان ها پیش روی آنان نهاده می شود. . .»(۱)

در هر سجده ای که دل به سوی حق می نهد، جسم نیز به سمت و سویی است، پس چه بهتر که جسم همه ی موّحدان، جهتی واحد داشته باشند و در برابر خانه ای بایستند، که برای عبادت بر پا شده است. نظمی یکسان و ترکیبی هماهنگ را بپذیرند و نه تنها در عبادت، بلکه در همه ی فعّالیت ها و تلاش ها، همانند ذبح حیوانات، خواب، خوراک، پوشیدن لباس و.... بصورت هایی الزامی و ترجیحی، پیرو همین نظم و صبغه و آهنگ معنوی باشند.

معنای واقعی اقامه ی نماز

قرآن، بیش از صد و دو بار، از نماز و احکام و آثار گوناگون آن سخن رانده، امّا معمولاً «اقامه ی نماز» محور سخن و تأکید بوده است. اینک باید پرسید: چه فرقی است بین گزاردن نماز و به پاداشتن آن؟ برای درک تفاوت بین این دو مفهوم، گفتاری زیبا از مقام معظّم رهبری ـ مدّ ظلّه العالی ـ را مرور می کنیم:

«به نظر می رسد که اقامه ی نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است؛ یعنی: فقط همین نیست که کسی خود، به عمل نماز قیام کند، بلکه این نیز هست که در جهت و سمتی که نماز بدان فرا می خواند، به راه افتد و دیگران را نیز به راه اندازد. گویا برپاداشتن نماز، آن است که انسان با کوششی بایسته، جَو و فضای زندگی خود و دیگران را جوّی نماز گزارانه یعنی خداجویانه و

۱- ۱ . محجّه البیضاء، ج ۱، ص۳۸۲.

خداپرستانه بسازد و همه رادر خط و جهت نماز به راه افکند.»(۱)

استاد مطهّری نیز می نگارد:

«به پا داشتن نماز، آن است که حقّ نماز ادا شود؛ یعنی: نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگردد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجّه خالق و آفریننده ی خویش سازد.»(۲)

یکی از استادان دانشگاه دمشق برای توجیه دانشجویان، چنین نگاشته است:

«اقامه ی نماز، یعنی ادای آن به بهترین وجه ممکن، که از طریقِ:

۱. دقّت در تحصیل طهارت، شادابی و صحّت وضو، پاکی بدن، لباس و مکان نماز، و پاکی از آلودگی های اخلاق زشت به وسیله ی توبه و پشیمانی؛ چرا که وضو و نظافت ظاهری باید همراه با صفا و طهارت قلب باشد؛

۲. دقّت در انجام واجبات و مستحبّات نماز و ارائه ی صحیح اذکار آن به عنوان ساختار و ارکان نماز؛

۳. مواظبت بر روح نماز (اخلاص و حضور قلب) به وسیله ی خشوع و فروتنی و آرامش بدن، در نماز امکان پذیر خواهد بود.»(۳)

خداوند متعال می فرماید: «قَد اَفْلَحَ المُؤمِنونَ اَلّذینَ هُمْ فی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ»(۴)

هدف ازنماز، خشوع قلبی است، نه فقط خضوع بدنی؛ بنابراین: خداوند هرگز نمی پذیرد که نمازگزار به زبان بگوید: «الله اکبر»، ولی در قلب او چیزی دیگر بزرگ تر باشد، یا بگوید: «وَجَّهْتُ وَجْهِی» در حالی که جانش متوجّه غیر خدا و مشاغل دنیایی و بهره های ناپایدار آن باشد.

۱- ۲ . از ژرفای نماز / ۱۵.

۲- ۱ . آشنایی با قرآن / ۶۸.

۳- ۲ . الصَّلاه / ۳۲.

۴- ۳ . مؤمنون / ۱.

آزمون

۱. سابقه ی تاریخی نماز را، با ذکر خاطره ی ارتباط شش تن از انبیای الهی با نماز بنویسید.

۲. آیه ی «فلولا انه کان من المسبّحین» چه معنایی را در باره ی کدام یک از انبیای الهی بیان می کند؟

۳. کدام پیامبر، در گهواره، زبان به سخن گشود و چه مطالبی را بیان فرمود؟

۴. سرگذشت گفت گوی شیطان با حضرت ایّوب علیه السلام را بیان کنید.

۵. یک روایت از امام صادق علیه السلام درباره ی ارتباط تمام انبیای الهی با نماز، ذکر کنید.

۶. حُکم وجوب نماز در چه زمانی و چگونه نازل شد؟

۷. قبله ی مسلمانان در چه تاریخی و به دنبال چه حوادثی تغییر کرد؟

۸. چرا مسلمانان، هنگام نماز، روی به جهتی خاص دارند؟

۹. مقام معظّم رهبری ـ مدّظلّه العالی ـ در تحقّق مفهوم اقامه ی نماز، چه شرایطی را دخیل می دانند؟

۱۰. شرایط سه گانه ی نویسنده ی عرب زبان را، در تحقّق معنای اقامه ی نماز، بنویسید؟

درس پنجم

اهتمام به نماز

به رغم اهمّیّت فراوانی که فریضه ی مهّم نماز در میان عبادات و احکام شرعی دارد، اهتمام مسلمانان به آن و ابعاد گوناگونش اندک است. ابلیس و تمام شیطان صفتان در طول تاریخ بر آن بوده اند که محتوای این عبادت بزرگ را از جوامع اسلامی محو کنند، اگر چه صورت آن باقی بمانَد و در این طریق، دست به هر اقدامی آلوده اند. چرا که سلطه ی خود را در گرو از میان برداشتن این عزیمت می دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لا یَزالُ الشَّیْطانُ یَرْعَبُ مِنْ بَنی ادَمْ ما حافَظَ عَلَی الصَّلَواتِ الْخَمْسِ فَاِذا ضَیَّعَهُنَّ تَجَرَّاَ عَلَیْهِ وَ اَوْقَعَهُ فِی الْعَظائِمِ؛(۱)

همواره شیطان از فرزند آدم در ترس و وحشت است، مادام که او بر انجام نمازهای پنج گانه دقّت دارد. پس: آن گاه که آن را تضییع کند، شیطان جرأت می یابد و او را به گناهان بزرگ می افکند.»

و حضرت علی علیه السلام نماز را به سنگری در برابر وسوسه های شیطان تشبیه می فرماید.(۲) بنابراین از آن جهت که نماز، مزاحم نفوذ و سلطه ی شیاطین است، آنان نیز به جدّ با اقامه و برپایی آن در ستیزند. درک این حسّاسیّت باید درجه ی اهتمام به این فریضه را افزایش دهد؛ هر چند باید با تأسف گفت: در جوامع اسلامی و بین ملّت های مسلمان، شاهد آن نیستیم.

ص:۶۹

۱- [۱] . بحار الانوار، ج ۲۲، ص۲۰۲.

۲- ۲ . «اَلصَّلو ه حِصْنٌ مِن ْ سَطَواتِ الشَّیطانِ» غررالحکم و دررالکلم.

می دانیم پس ازتحکیم پایه های اعتقادی (اصول دین) نخستین گام عملی، در حوزه ی شریعت، به سوی نماز برداشته می شود(۱) و نماز باعناوینی همچون: مایه ی خشنودی خدا(۲)، رأس الاسلام(۳)، سنگری در برابر حمله های شیطان(۴)، واپسین وصیّت پیامبران(۵)، محبوب ترین عمل نزد خداوند متعال(۶) نور چشم پیامبر(۷)، پایه ی دین(۸) و تعابیری ازاین قبیل ستوده شده است. اولیای الهی شب و روز خود را همچون گرسنه ای در پی طعام و تشنه ای در جست جوی آب، با یاد و در انتظار نماز وقت ملاقات با خدا سپری می کردند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از تشریح عطش و اشتیاق خود به نماز فرمود:

«وَ اَنَا لا اَشْبَعُ مِنَ الصَّلاه:(۹) هر گرسنه ای با غذا سیر می شود و با آب، سیراب؛ امّا من از نماز سیر نمی شوم.»

ایشان، هنگام نماز، کسی را نمی شناخت و با همگان جز خدا بیگانه بود.(۱۰)

چرا چنین به نماز نگریسته شده است و آن را این اندازه مهم دانسته اند؟ به عبارت دیگر، این عبادت چه امتیازی بر عبادات دیگر دارد؟

آیا می توانید حدس بزنید چرا اسلام این قدر به نماز اهمّیت داده و تعابیری همانند تعبیرات پیشگفته را درباره ی نماز به کار برده است که در زمینه ی سایر وظایف به کار نگرفته است؟ این موارد را در جدول زیر بنویسید.

۱- ۱ . کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اَسلم الرَّجُل، عَلَّمَهُ الصَّلا ه »؛ الصّلاه / ۱۲۵.

۲- ۲ . «فیها مرْضا ه الرَّبَ. » : بحار الانوار / ج ۸۲، ص ۲۳۱.

۳- ۳ . «فانها راس الاسلام بعد الاقرار بالدین. » همان، ج ۷۷، ص ۱۳۷.

۴- ۴ . «اَلصَّلا ه حِصْنُ مِن سَطَواتِ الشَّیْطانِ. » غرر الحکم و دررالکلم.

۵- ۵. «و هی اخر وصایا الانبیاء. »؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۶، ص۳.

۶- ۶ . «اَحَبُّ الاَعْمال اِلی اللهِ عَزَّ وَ جَل الصَّلوه...» همان.

۷- ۷ . «قُرَّ ه عَیْنی فِی الصَّلا ه . »؛ بحارالانوار ص۷۷ / ج ۷۷.

۸- ۸. «ما مِنْ شَیءٍ بَعدَ اَلمَعْرِفَه یعْدلُ هذَا الصَّلا ه . »؛ همان، ج ۹۹، ص ۱۴.

۹- ۹ . بحار الانوار ، ج ۸۲، ص۲۳۳.

۱۰- ۱۰. «کانَ رَسُول الله صلی الله علیه و آله اِذَا دَخَلَ وَقتها کَأَنَّه لایعرف اَهلا وَ لا حَمیماً»؛ تنبیه الخواطر / ۳۲۳.

جدول ۱۱. ادلّه ی اهمّیّت نماز در مقایسه با سایر تکالیف

.۱

.۲

.۳

.۴

وجوه اهمّیت نماز

۱. نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی

ادیان آسمانی که همگی در دعوت به عبادت خدا و دوری از طاغوت با هم متحد بودند، در جدول تکالیف، وظایفی گوناگون را بر عهده ی بندگان می نهادند، ولی قدرِ مشترکِ تمام آن ها، اقامه ی نماز بود و همان گونه که در درس پیشین گفته شد، این عبادت، در عرصه ی هر یک از ادیان الهی، سابقه ی حضور داشته است، چنان که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله از آن به عنوان «نَهجُ الانبیاء» و شیوه ی تمام پیامبران یاد کرده است.(۱)

۲. نماز، سیمای دین

هر یک از ادیان برای اعلام موجودیت از وسیله و ابزاری خاص استفاده می کنند؛ همانند آتش، بوق، ناقوس و... . این وسیله ی اعلام، نوعی ابزار دعوت همگانی به انجام مراسم دینی نیز تلقّی می شود. در اسلام، اذان به‌عنوان این وسیله ی عمومی پیش بینی شده است، که در قالب دعوت به نماز، نقش دعوت به اسلام را ایفا می کند. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ی: «وَ مَنْ اَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا اِلی اللَّهِ»(۲) فرمودند: مراد از دعوت کننده به سوی خدا، مؤذّن است.(۳)

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج ۸۴، ص ۲۳۱.
۲- ۲. فُصّلت / ۳۴.
۳- ۳. تفسیر ابن کثیر ، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳. نماز، فریضه ای همیشگی و همگانی

روزه بر کسانی که سلامت جسمی دارند؛ خمس، زکات و حج بر کسانی که تمکّن مالی دارند، واجب است. همچنین زنان و پیرمردان از حضور در صحنه جهاد معافند، اما نماز، فریضه ای همیشگی و همگانی است. همه مردان و زنان در همه شرایط، در ناامنی و امنیت، روز و شب، تمام ماههای سال، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر باید نماز بگزارند. قرآن می فرماید: اگر شرایط، چنان سخت بود که مجال پیاده شدن از مَرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید به انجام این فریضه اقدام گردد.(۱)

آیا تاکنون فکر کرده اید به چه دلیل در بدو تولد، کودک را با صلای نماز، آشنا می کنند و اذان و اقامه درگوش او می دمند و پس از مرگ و قبل از دفن بر پیکر بی جان انسان نماز می خوانند؟! چرا نخستین گام درعرصه ی تکلیف، به سوی نماز برداشته می شود و چرا اولیای الهی در واپسین لحظات عمر معمولاً اجازه ی دو رکعت نماز خواندن را می خواستند؟ آیا پاسخ این چراها نمی تواند از اهّمّیتِ این فریضه ی بزرگ که باید سراسر عمر را فراگیرد، خبر دهد؟

۴. نماز، امداد الهی

استعانت از غیر خدا، امری است که هر روزه و در هر نماز به عنوان یک ضدّ ارزش تلقی گردیده و در نمازهای یومیّه تأکید می شود که «ایّاك نعبد و ایّاك نستعین». قرآن نیز به دو امر به عنوان ابزار استعانت اشاره کرده است: «صبر و صلاه»(۲) و پیشوایان دین برای رفع مشکلات زندگی و دستیابی به خواسته ها، نمازهایی گوناگون را توصیه کرده اند. شکی نیست که نظام جهان، بر اسباب و علل مادّی تکیه دارد، ولی جریان اسباب نیز به فرمان خداوند متعال است و نیروی غیبی را برای هماهنگی این عوامل به کمک می خواند که این امداد غیبی در پرتو نماز فراهم می آید.

ص:۷۲

---

۱ - ۱ . بقره / ۲۳۹. فقط زنان در زمان عذر ماهیانه از نماز معافند که به آنان نیز توصیه شده به هنگام نماز در مصلای خود بنشینند و به ذکر خدا مشغول شوند.

۲ - ۲. بقره / ۴۵.

در روایتی چنین می خوانیم:

«کانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اِذا حَزَنَهُ اَمرٌ فَزَعٌ اِلَی الصَّلاه؛(۱)

پیامبر اکرم هر گاه از امری نگران می گردید به نماز پناه می برد.»

بنا براین: نماز از آن جهت که نقشی مؤثر در پیشبرد امور زندگی انسان ها دارد، عبادتی مهّم و تعیین کننده تلقّی می گردد.

۵. نماز و مسجد

یکی دیگر از وجوهی که اهّمیت و عظمت نماز را مبرهن می سازد، برپایی بنایی خاص برای انجام این فریضه است. مساجد، پایگاه مسلمین برای اقامه نماز به جماعت اند و عنوان این بنا، بر انگیزه ی ایجاد آن دلالت دارد.(۲)

اجرای این طرح عظیم در تمام نقاط دنیای اسلام و در طول اعصار و قرون که با کمک های مالی عموم مسلمانان صورت گرفته است، حکایت از تکریم و تعظیم این وظیفه، در نزدِ آنان دارد که اولین پروژه موردعنایت مسلمانان در شهرها، روستاها و قریه ها بنای مسجد بوده است. قرآن کریم می فرماید: «اِنَّما یَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ امَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ آلْاخِرِ» (۳)

۶. تکرار نماز در هر روز

انعطاف مکرّر توجّه و درخواست انجام پیاپیِ یک وظیفه، انسان را از اهّمیت و عظمت آن آگاه می کند. اگر به کسی تکلیف شود که باید روزانه پنج بار با شخصیتی ملاقات کند، بدون شک این سؤال پیش می آید که: او کیست؟ و چه اندازه اهّمیت دارد، که باید هر روز، چندین بار به سراغ او رفت؟ نماز، عبادتی است که هر روزه چند نوبت تمام مسلمانان به سوی آن سوق داده می شوند. غیر از ملاقات های الزامی که در قالب نمازهای

۱- ۱ . بحارالانوار، ج ۸۲/ ص ۱۹۲.

۲- ۲. مسجد: محلّ سجده.

۳- ۳. توبه /۱۸.

واجب، سامان یافته، ملاقات های آزاد نیز برای بندگان، با نماز، پیش بینی گردیده است، که همه و همه، به نیکی از اهّمیت این عمل خبر می دهد. آری، رکعات نماز، که ظاهراً تکراری می نماید پلّکانی است، که انسان را به مقامی برتر عروج می دهد.(۱)

۷. انواع نماز

هر چند، اصول و ارکان این عبادت بزرگ، در شکل های مختلف آن یکسان هستند، تفاوتهایی بسیار در مقارنات آن دیده می شود؛ مثلاًـ از حیث رکعات و رکوع ها، قرائات و سُوَر، اذکار و دعاهای مستحب، در قیاس با ظرف زمانی و نیّت اقامه ی نماز، و.... . برای هر بلا و رخایی نماز های پیش بینی شده است؛ نماز استسقا، شکر، خوف، حاجت، زیارت، عید فطر و قربان، جمعه، لیلهالدّفن، گرسنه، وسوسه، استعاذه، رفع عسرت و سختی، زیاد شدن روزی، استغاثه، امامان معصوم ــ علیهم السلام ــ وصیّت، افزونی حافظه، عفو، هر یک از روزهای هفته، نافله ی شب و از این دست نمازهایی که برشماری و احاطه بر آن ها از حوصله ی بحث خارج است. چگونگی اقامه ی بیش از سیصد نوع نماز در کتاب های ادعیه، زیارات و.... ما دیده می شود. این گوناگونی به خوبی می تواند دلیلی دیگر بر اهّمیّت این عبادت، تلقّی گردد.

۸. تکفیر تارک نماز

همان گونه که قبلًا اشاره گردید، در صدر اسلام، نوگروندگان پس از اقرار به توحید، از باب نماز به سرای دین، راه می یافتند. با استناد به روایات اسلامی این نکته نیز مستدل می گردد که خط قرمز دین، ترک نماز بوده است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مابَیْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَیْنَ اَنْ یَکْفُرِ اِلاّ اَنْ یَتْرُکَ الصَّلاه الْفَریضَه مُتَعَمِّداً اَوْ یَتَهاوَنَ بِها فَلایُصَلّیها؛(۲)

فاصله ای بین مسلمان و کافر نیست، جز آن که نماز را از روی عمد، ترک، یا در انجام آن سستی کند و نماز نخواند.»

۱- ۱. قال علی علیه السلام : الصلاه قربان کل تقی. تفسیر نورالثقلین ج ۴ / ص ۲۰۵.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج۸۲، ص۲۱۶.

در گفتاری دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«لا حَظَّ فِی الاِسْلامِ لِمَنْ تَرَکَ الصَّلاه(۱) آن کس که نماز نگزارد، چه سان خود را مسلمان می داند؟»

۹. نخستین پرسش در قیامت

در منابع اسلامی به نوعی اولویّت در رسیدگی به پرونده ی انسان ها در قیامت اشاره شده است. نماز، به عنوان نخستین عمل، وقبولی آن شرط رسیدگی به سایر اعمال معرفی شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ اَوَّلَ ما یُحاسَبُ بِهِ الْعَبد الصَّلاه، فَاِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ ما سِواها وَ اِنْ رُدَّتْ رُدَّ ماسِواها(۲)؛

نماز، نخستین عملی است که محاسبه می شود: پس اگر قبول گردید، سایر اعمال نیز قبول می شوند، و اگر رد شد، اعمال دیگر نیز پذیرفته نمی شوند.»

و در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«اَوّل ما یُنْظَرُ فی عَمَلِ الْعَبْد فی یَوْمِ الْقِیمه فی صَلاتِهِ فَاِنْ قُبِلَتْ نُظِرَ فی غَیْرِها وَ اِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ یُنْظَر فی عَمَلِهِ بِشَی ءٍ:(۳)

نماز نخستین مسأله است که پرونده ی آن را، روز قیامت بررسی می کنند...»

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ کُلَّ شَی ءٍ مِنْ عَمَلِکَ تَبَعٌ لِصَلاتِکَ:(۴) همه ی اعمال تو، تابع نماز تو است.»

۱۰. برابری نماز با ایمان

از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حدود شانزده ماه، مسلمانان، نمازهای خود را به سوی

۱- ۱ . همان / ۲۳۲؛

۲- [۲] . همان / ج۲۵، ص ۸۳

۳- [۳] . همان / ج۲۲۷، ص ۸۲ ؛

۴- ۴. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۱.

بیت المقدس انجام می دادند، ولی بنا به مصلحتی خاص و با هدف رهایی از سرزنش های یهود، قبله ی مسلمانان به سوی کعبه تغییر یافت. به همین جهت، مسلمانان با این سؤال مواجه شدند: حکم نمازهایی که به سوی بیت المقدس گزارده اند، چیست؟ آیا آنها مورد قبول قرار می گیرد یا نیاز به قضا و تکرار دارد؟ آن گاه این آیه نازل گردید:

«وَ ما کانَ اللّهُ لِیُضیعَ ایمانَکُمْ؛(۱) خداوند، ایمان شما (نمازهای پیشین تان) را ضایع نمی کند و آن ها را بی پاداش نمی گذارد.»(۲)

۱۱. نقش نماز در اصلاح جامعه

در روایاتی فراوان، اظهار امیدواری شده که نمازخوان، اگر مبتلا به فساد اخلاقی باشد، به تدریج تحت تأثیر معنویّت نماز، اصلاح می گردد و این دو با هم قابل ادامه نیستند. در روایتی چنین می خوانیم: «جوانی از انصار که در صف جماعت با پیامبر نماز می خواند، مبتلاـ به فساد اخلاق بود. یاران پیامبر با شنیدن این آیه که: نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد،(۳) احوال این جوان را گزارش کردند، حضرت فرمودند:

«اِنَّ صلاتَهُ تَنْهاهُ یَوْماً ما: در آینده، نماز بر او تأثیر می گذارد و به صلاحش وامی دارد.» دیری نپایید که توبه کرد و روی به نیکی آورد.(۴)

آری، به فرموده ی قرآن، تارکان نماز، همان گنهکارانند که وقتی از آنان می پرسند: چه چیز، شما را اهل دوزخ گردانید؟ می گویند: ما نماز نمی خواندیم.(۵) آنان، در آن جهان، حسرتِ خویش را چنین عیان می سازند: «رَبَّ ارجَعُون: خدایا! مرا بازگردان، تا نمازهایی که نخواندم، بخوانم! امّا به او پاسخ منفی داده می شود.(۶) و چه نیکو فرمود رهبر کبیر

۱- ۱ . بقره / ۱۴۳.

۲- ۲ . مجمع البیان، ج۱/ ص۲۲۵.

۳- ۳ . عنکبوت / ۴۵.

۴- ۴. بحارالانوار ، ج ۸۲/ ص۱۹۸.

۵- ۵ . المدثر / ۴۳.

۶- ۶ . بحارالانوار، ج۷۷/ ص۵۸.

انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینیI :

«هر چه پرونده [جُرم و جنایت] پیدا کنید، پرونده ی بی نمازهاست.(1)»

ص:77

1- 1 . سخنرانی در تاریخ، 14/3/59.

آزمون

۱. شیطان، چه هنگام از انسان بیمناک می شود؟ روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این بنویسید؟

۲. روایت «اَلصَّلاه حِصنٌ مِن سَطَواتِ الشَّیطانِ» از کیست و به چه معناست؟

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره ی اشتیاق خود به نماز، چه فرمود؟

۴. چگونه تمام دین در نماز تجلّی می یابد؟

۵. خداوند در آیه ی **۲۳۹** سوره ی بقره در زمینه ی لزوم توجّه به نماز، چه فرموده است؟

۶. ابزار استعانت ازنظر قرآن چیست؟ به آیه ی مربوط اشاره کنید.

۷. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی تعیین مرز های ایمان و کفر را بنویسید.

۸. نخستین پرسش در قیامت از چه عملی است؟ در این باره، روایتی از امام باقر علیه السلام ذکر کنید.

۹. آیه ی «وَ ما کانَ اللَّه لیضیع ایمانکم» به چه معناست؟ و شأن نزول آن چیست؟

۱۰. دوزخیان روز قیامت، چه چیز را دلیل عذاب و گرفتاری خود می دانند؟ به آیه ی مربوط اشاره کنید؟

ص:۷۸

درس ششم

محراب سخن

اذان و اقامه

اذان، فریـاد بیـداری، صـلای رحمت و ترانه ی عبودیّت و عشق مخلوق به خـالق است. نغمه ی جانبخشِ اذانِ بِلال، آرامش و صفـا را بر قلب ملکوتی پیـامبرِ والهان و وارسـتگان حاکم می ساخت. چه زیباست این سـرود مُسـجّع آزادی و ایمان، که خالق مطلق را می ستاید و سرگشتگان را به سرای امن او می خواند. با نام «اللّه» آغاز و با نام او ختم می گردد. نخستین آوای آشنایِ نوزادان و مونس تنهـاییِ آدمیان.(۱) هشـداری به تمـام جهانیـان، که: خـدا از هر شاغلی برتر و از هر وصـفی فراتر است. رو به سوی او آرید که او بزرگ تر است و جز او کسـی شایسـته ی توجّه نیست. همو که سفیرانش را در هیأت پیامبران به سوی تان فرسـتاد، تا راهنماتان باشـند، همو که اینک هنگام نماز شـما را به خود فرامی خوانـد. می خواند تا رسـتگار کند. می خواند، تا برترین پـاداش هـا را در برابر بهترین اعمال به شـما ارزانی دارد. به راستی، برتر و فراتر از او کیست؟ و نهادِ انسان واله و حیران را پاسخگویی جز او کیست؟

فقیه عارف، آیت الله مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله می گوید:

«آن گـاه کـه «اللّه اکـبر» را شـنیدی، قلب را متـوّجه عظمت و بزرگـواری ذات اقـدس حـق نمـا و دنیـا و آنچه را در آن است، کوچک شمار، تا در تکبیرت

۱- ۱ .سفارش شده در صحرا برای ایمنی از گزند حیوانات اذان گفته شود. (عروه الوثقی، کتاب الصلوه)

دروغگو نباشی و هرگاه «لااله الاالله» را شنیدی، هر معبودی غیر از او را از لوح دل محو کن.»(۱)

ثواب مؤذّن

آری، هیچ شعاری شکننده تر از نغمه ی توحیدی اذان نیست و هیچ شعوری سازنده تر از تبیین موضع فکری و سیاسی بر فراز تریبون های سنتی، تصور نمی گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«یُغْفَرُ لِلْمُؤَذِّن مَدَّ صَوْتِهِ وَ بَصَرِهِ وَ یُصَدِّقُهُ کُلُّ رَطْبٍ وَ یابِسٍ وَ لَهُ مِنْ کُلِّ مَنْ یُصَلّی بَاَذانِهِ حَسَنَه؛(۲)

بخشیده می شود برای مؤذن به مقداری که صدایش برسد و چشمش کارکند و هر تر و خشکی او را تصدیق می کنند و برای او در برابر هر کسی که با اذان او به نماز می ایستد حسنه ای منظور می گردد.»

در حدیثی نبوی می خوانیم:

«گوشت و خون اذان گویان بر آتش حرام است و هر مؤذنی، هفت سال با نیّت خالص، اذان سر دهد، از آتش دوزخ برهد.»(۳)

حضرتش در گهر گفتاری دیگر، سرافرازترین کسان را، روز قیامت، مؤذنان، بر می شمارد(۴) و در روایت دیگر می فرماید:

«پس از انبیا و شهیدان، مؤذّنان وارد بهشت می شوند و هیچ عملی برتر از اذان نیست، مگر جهاد در راه خدا»(۵).

۱- ۱ . اسرار الصّلوه / ۲۹۲.
۲- ۲ . بحارالانوار ، ج۸۴، ص۱۰۴.
۳- ۳ . کنزالعمّال، ج ۸، ص ۳۳۸.
۴- ۴. بحارالانوار ، ج ۸۴، ص۱۰۶.
۵- ۵ . کنزالعمّال ، ج ۸، ص۳۴۳.

شرایط مؤذّن و کیفیّت اذان

مؤذّن بایـد دارای صـفات و ویژگی هایی خاص باشـد. امیرمؤمنان علیه السـلام فرمود: «مؤذّن بایـد فصیـح ترین افراد باشد»(۱) پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله شـخصاً مؤذّن خود را انتخاب کردند و همانند یک سِـمَت رسـمی، برای سایر مساجد مهم مثل مسجد قبا، مؤذّن منصوب می فرمودندو معمولاً کسانی را براین مقام می گماشتند، که صدایی زیبا و رسا داشتند(۲). حضرتش چنـدان در شـأن مؤذّن و ثواب اذان، سـخن گفت و بر آنان دعا فرمود، که یکی از یارانش چنین لب به سـخن گشود: یا رسول الله! خوف این هست که افراد، در آینـده بخاطر سبقت در اذان و احراز سـمت مؤذنی با یکدیگر بستیزند! حضـرت فرمود: خیر (متأسفانه) درآینده این سمت به طبقات پایین و ضعفاء جامعه سپرده می شود.(۳)

استاد مطهّری رحمه الله در این باره، خاطره ای نقل می کند:

«در یکی از مجالس پیرمردی را دیدم، که از مردم می خواست صـلوات بفرستند نمی دانم بیچاره مفلوج بود؛ زبان نداشت، چه طور بود که یک کلمه که می خواست بگوید، خودش هم تکان می خورد، با یک وضع مسخره و خنده آور. پیش خود گفتم سبحان اللَّه! فرد دیگری نیست تا شعار صلوات بدهد؟ آیا باید بَد صداترین افراد را در این موارد انتخاب بکنیم؟

سعدی داستانی ذکر می کند ومی گوید:

مؤذّنی بدصـدا ، بـا صـدایی بلنـد، اذان می گفت. روزی، یک یهودی برایش هـدیه ای آورد و گفت: آیا این هـدیه ی ناقابل راقبول می کنی؟ مؤذن پرسـید: چرا؟ یهودی گفت: برای خـدمت بزرگی که به من کردی! مردِ اذان گو، دیگر بار پرسـید: چه خدمتی؟ من که خدمتی به شما نکرده ام! هدیه آورنده پاسخ داد: من دختری دارم که مدّتی است به اسلام متمایل شده، امّا از وقتی که تو اذان می گویی و «اللَّه اکبر» را از تو می شنود، دیگر از

۱- ۱ . اسرار الصّلاه / ۲۹۲.

۲- [۲] . کنز العمّال، ج ۸، ص ۳۴۱.

۳- ۳ . همان / ۳۴.

مسلمانی بیزار شده، حال این هدیه را آورده ام برای خدمتی که به من کردی و نگذاشتی دخترم مسلمان بشود.(۱)

استاد مطهّری، خوش صدا بودن مؤذن را، مهم بر می شمارد و چنین می نگارد:

«در فقه اسلامی آمده: مستحب است مؤذّن خوش صدا باشد؛ زیرا طبع آدمی وقتی اذان را از یک خوش صدا می شنود، جمله های آن، جور دیگری بر قلبش اثر می گذارد. همین طور است قرآن خواندن و تبلیغ کردن؛ که اگر بالحنِ خوش باشد، بهتر بر شنونده اثر می گذارد.»(۲)

مؤذّن پیامبر، «بلال حبشی» بر خلاف پوست تیره اش دارای نورانیّت درونی، فضیلت های اخلاقی و سوابق انقلابی همچون: حضور در جبهه های نبردِ بَدر، اُحُد و احزاب بود و تا پایان عمر آن بزرگوار در همین سمت حضور داشت. او دست ها را بر گوش می گذاشت و به جوانب گوناگون روی می کرد،(۳) ولی در بیش تر حالات، هنگام اذان، روی بر قبله داشت.

وضو

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید مهّیای ملاقات شد. صورت و دست های خود را شست وشو داد و آماده ی دیدار گردید. دلیل انجام این امر چیست؟ آیا نمی شود هر کس، هر طور تمایل دارد دست و صورتش را بشویَد و رعایت آداب و دستور خاصی لازم نباشد؟ در روایات اسلامی به چند مورد به عنوان اسرار و آثار وضو اشاره گردیده که تلفیقی است از نتایج مادی و معنوی و تحقق هر کدام در گرو انجام آن منطبق با دستور الهی است:

۱. آراستگی ظاهر: امام باقر علیه السلام در حدیثی زیبا به یکی از شاگردان خود چنین فرمود: اگر

۱- ۱ . حماسه حسینی ، ج ۱، ص ۲۲۱.
۲- ۲ . حکایتها و هدایتها / ۱۷۸.
۳- ۳ . کنزالعمّال ، ج ۸، ص ۲۴۴.

کسی بپرسد: چرا خداوند، فرمان به وضو داد؟ پاسخ می گوییم: زیرا عبد در مقام مناجات و گفت وگو و هنگام ملاقات با خالق، پاک و آراسته باشد و اطاعت خود را در برابر او به اثبات رساند.(۱)

۲. نشاط و رفع کسالت: در همین روایت امام علیه السلام به عنوان دلیل دیگر وجوب وضو می فرماید: «مَعَ مافیهِ مِنْ ذِهابِ الْکَسَلِ وَ طَرْدِ النُّعاس؛ وضو، سبب رفع کسالت، خواب آلودگی و سستی می گردد.»

۳. روسفیدی در قیامت: مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: روز قیامت از میان انبوه مردمان که از عصر حضرت نوح تا روزگارِ شما گرد آمده اند، چگونه امّت خود را می شناسید؟ حضرت فرمود: امت من چهره های تابنده و درخشانی دارند که بر اثر وضو این زیبائی در سیمای آنان دیده می شود و هیچکس دیگر چنین ویژگی و نشانی ندارد.(۲)

۴. طولانی شدن عمر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«اَکْثِرْ مِنَ الطَّهُورِ یَزِدِ اللّه فی عُمْرِکْ:(۳)

هر چه بیشتر طاهر و باوضو باش تا خداوند عمرت را زیادتر کند.»

این وعده به حق خداوند متعال توجیه علمی و پزشکی نیز دارد که به طور طبیعی افرادی که جهات بهداشتی خصوصاً نظافت پوست بدن را رعایت کنند از سلامت جسمی و دوام عمر بیشتری برخوردار خواهند بود.

۵. درک ثواب شهیدان: در روایات، تأکیدی فراوان بر دائم الوضوء بودن شده است، دائم الوضوء بودن یعنی یک رشته دائمی عبادی با خدا داشتن، یعنی صیقل دادن منظم روح، یعنی زدودن غبار از دل. در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن تأکید بر حفظ این امتیاز در تمامی حالات می فرمایند:

«وَ اِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَکُونَ اَبَداً عَلی وُضُوءٍ فَافْعَلْ فَاِنَّ مَلَکَ الْمَوْتِ اِذا قَبَضَ

۱- ۱ . علل الشرایع /۲۵۷.

۲- ۲ . وسائل الشّیعه، ج۱، ۲۶۷.

۳- ۳ . بحارالانوار ، ج ۸۰، ص ۳۰۵.

رُوحَ الْعَبْدِ وَ هُوَ عَلی وُضُوءٍ کُتِبَ لَهُ شَهادَه؛(۱)

اگر می توانی همیشه بـا وضو باشـی این عمـل را ترک نکن؛ زیرا ملـك الموت آن گاه که روح بنـده ای با وضو را قبض می کند او را شهید محسوب خواهد نمود.»

تکرار وضو

نشـاط نو و تجدیـد روحیه، خواست طبیعی انسان و همساز با فطرت بشـری است، تکرار وضو، به عنوان یک عامل نشاط مورد ستایش و توجه خاص اسـلام قرار گرفته است. امام صادق علیه السـلام می فرماید: «تجدید وضو بدون آنکه وضوی قبلی باطل شـده باشد موجب تجدید توبه انسان قبل از اسـتغفار و درخواست او می گردد»(۲) و در روایت دیگری حضـرتش می فرماید: «اَلْوُضُـوءُ عَلَی الْوُضُوءِ نُورٌ عَلی نُورٍ»(۳) یعنی: «وضـو گرفتن برای کسـی که وضودار است نوری است افزون بر نورانیت قبلی.» شایـد رمز این تأکیـدات در مورد دوام و تکرار وضو این باشد که اکثر فعالیتهای انسان الزاماً یا ترجیحاً مقید به وضو است. غیر از نماز و طواف که الزاماً مقید به وضو است، دست زدن به متن قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السـلام ، بدون وضو ممنوع است.

در موارد زیر نیز وضو گرفتن مسـتحب است: نماز میت، قرائت و کتابت قرآن، مسـح حواشـی قرآن، انجام کارهای مهم، موقع صرف غـذا، هنگام خوابیدن، تماس با همسـر، بازگشت از سـفر و ورود به منزل، تجدید وضوی سابق برای بجای آوردن نماز، پس از بذله گویی، بدنبال دروغ یا غیبت، و...

ص:۸۴

۱- ۱ . کنزالعمّال، ج ۹، ص۲۹۳.
۲- ۲ . وسائل الشّیعه، ج۱، ص ۲۶۴.
۳- ۳ . همان /۲۶۵.

آزمون

۱. غیر از وقت نماز، در چه زمان هایی اذان گفتن مستحب است؟

۲. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، چه دستوری را هنگام شنیدن تکبیر به ما آموخت؟

۳. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم علیه السلام ثواب مؤذّن را مشخّص کنید؟

۴. شرایط مؤذّن را بنویسید؟

۵. حکایتی از سعدی درباره ی مؤذّن بد صدا ذکر کنید؟

۶. چهار مورد از اسرار و آثار وضو را بنویسید؟

۷. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثواب دائم الوضوء را بیان کنید؟

۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب کسی که پرسید: «شما در قیامت در میان آن جمعیت انبوه چگونه امت خودرا شناسائی می کنید» چه فرمود؟

۹. بلال، مؤذن رسمی پیامبر، چه ویژگی هایی داشت؟

۱۰. تکرار وضو، چه آثاری دارد؟

ص:۸۵

درس هفتم

پایه ی ارزش ها

نیّت

نخستین رکن هر عمل، بلکه تعیین کننده ی هویّت هر عمل، نیّت است.

امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

«لا عَمَلَ اِلاّ بالنِّیّه؛(۱) قوام هر عمل به نیت است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اِنَّمَا الاَعْمالُ بِالنِّیات؛(۲) تمام اعمال با توجّه به نیّت انسانی سنجیده می شوند.»

تعابیرِ دیگرِ منابع اسلامی درباره ی نیّت عبارت اند از:

«لِکُلِّ امْرِءٍ ما نَوی؛(۳) هر انسانی به اندازه ی پاکی نیّت خود اَجر می برد.»

«یُحْشَرُ النّاسُ عَلی نِیّاتِهِمْ یَوْمَ الْقِیمَه؛(۴) انسان ها با نیّت خود محشور می شوند.»

«لا دینَ لِمَنْ لانِیّه لَه؛(۵) آن که نیّت صحیح ندارد، دین ندارد»

۱- ۱ . وسائل الشّیعه ، ج۱، ص۳۳.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج۷۰، ص ۲۱۰.

۳- ۳ . همان .

۴- ۴ . وسائل الشّیعه ، ج۱، ص۳۴.

۵- ۵ . قصار الجمل.

«وَلْتَكَنْ لَكَ فى كُلِّ شَى ءٍ نِيَّه حَتّى فى النَّومِ وَ الْاَكْلِ؛(۱) در تمامی کارها نیت (اخلاص) داشته باش حتی در خوابیدن و خوردن.»

روشن است که مراد از نیت در عبادت، بازگو کردن الفاظ خاص نیست بلکه نیت امری قلبی و هویتی عینی در ارتباط باعمل است. نیت یعنی سلامت و استمرار انگیزه و انحصار آن در اطاعت و رضایت خدا. نیت یعنی عمل آگاهانه و عاشقانه در رابطه با معبود.

در نماز و عبادت های دینی باید چه نیّتی داشته باشیم؟ با آن که بسیاری از عبادتگران و نمازگزاران، نیّت خالص دارند، امّا نیّت آنان، ناب نیست. یعنی به جهت شایستگی خدا، او را عبادت نمی کنند بلکه شوق رسیدن به بهشت و هراس از جهنم، آنان را به خضوع در برابر «رَبّ» کشانیده است.

سخنی از استاد مطهّری را بخوانیم:

«عارف از نظر هدف، «موحّد» است، تنها خدا را می خواهد؛ امّا او خدا را به واسطه ی نعمت های دنیوی، یا اخروی اش نمی خواهد؛ زیرا اگر چنین باشد، مطلوب بالذات او این نعمت ها است و خدا مقدّمه و وسیله است و در حقیقت معبود و مطلوب حقیقی او نَفْس است؛ زیرا آن نعمت ها را برای ارضای نَفْس می خواهد.

عارف هر چه را بخواهد به خاطر خدا می خواهد، او اگر نعمت های خدا را می خواهد از آن جهت می خواهد که آن نعمت ها از ناحیه ی او وعنایت اوست، کرامت و لطف اوست. پس غیر عارف، خدا را به خاطر نعمت هایش می خواهد و عارف، نعمت های خدا را به خاطر خدا می خواهد.

این جا پرسشی پیش می آید، که اگر عارف، خدا را برای چیزی نمی خواهد، پس چرا او را عبادت می کند؟ مگر نه این است که هر عبادتی برای منظوری است؟ پاسخ آن است که هدف عارف و انگیزه عارف بر عبادت یکی از دو چیز است؛ یکی شایستگی ذاتی معبود برای عبادت یعنی از آن جهت او را عبادت می کند که او شایسته ی عبادت است، نظیر این

۱- ۱ . وسائل الشّیعه ، ج ۱، ص۳۵.

که انسان، کمالی در شخص یا شیئی می بیند و او را مدح و ستایش می کند، اگر بپرسند انگیزه ی تو از این ستایش چیست؟ این ستایش برای تو چه فایده ای دارد؟ می گوید: من به طمع فایده ای از این شخص یا از این شی ء ستایش نکردم، فقط از آن جهت ستایشش کردم که او را به حق، لایق ستایش دیدم، همه ی تحسین های قهرمانان در هر رشته ای از این قبیل است.

هدف دیگر عارف از عبادت، شایستگی خودعبادت یعنی شرافت و حُسن ذاتی آن است. عبادت از آن جهت که نسبت و ارتباطی است میان بنده و خدا، کاری است در خورِ انجام دادن، پس لازم نیست الزاماً هر عبادتی به خاطر طمعی یا ترسی باشد.

جمله ای معروف از علی علیه السلام نقل شده است که: «اِلهی ما عَبَدْتُکَ خَوفًا مِن نارِکَ وَ لا طَمَعاً فی جَنَّتِکَ بَلْ وَجَدتُکَ اَهلاً لِلعِبادَه فَعَبَدْتُکَ» عبادت به خاطر شایستگی معبود را بیان می کند.

عارفان بر این مطلب زیاد تکیه می کنند که اگر هدف و مطلوب انسان در زندگی، یا در خصوص عبادات، چیزی غیر از ذات حق باشد، نوعی شرک است، عرفان صد در صد بر ضدّ این شرک است. در این زمینه سخن های لطیف فراوان گفته اند. ما، در این جا به تمثیلی عالی و لطیف که «سعدی» در «بوستان» ضمن داستانی از«محمود غزنوی» و «ایاز» آورده، بسنده می کنیم:

یکی، خُرده بر شاه غزنین گرفت

که حسنی ندارد «ایاز» ای شگفت!

گُلی را که نَه رنگ باشد، نَه بو

دریغ است سودای بلبل، بر او

به محمود گفت این حکایت کسی

بپیچید زَ اندیشه بر خود بسی

که عشق من ای خواجه! برخوی اوست

نَه بر قَدّ وبالای دلجوی اوست!

شنیدم که در تنگنایی شتر

بیفتاد و بشکست صندوق دُر

به یغما، ملک آستین بر فشاند

وز آنجا به تعجیل، مَرکب براند

سواران، پی دُرّ و مرجان شدند

ز سلطان به یغما پریشان شدند

نماند از وشاقانِ گردن فراز

کسی در قفای مَلِک، جز «ایاز»

چو سلطان، نظر کرد، او را بدید

ز دیدار او، همچو گل بشکفید

ص:۸۹

بگفتا که: ای سُنبلت پیچْ پیچ

ز یغما، چه آورده ای؟ گفت: هیچ!

من اندر قفای تو می تاختم

ز «خدمت» به «نعمت» نپرداختم

سعدی پس از آوردن این داستان، منظور اصلی خود را چنین بیان می کند:

گَر ازدوست، چشمت به احسان اوست

تو در بند خویشی، نه دربندِ دوست

خ‍‍‍‍ـــــلافِ ط‍ـــــریق‍ــــــت بُ‍ـــــوَد ک‍ـــــاولیاء

ت‍ــمن‍ّــا کن‍ــن‍ــد از خ‍ــدا، ج‍ــز خ‍ــــــــدا

بر اساس این تلقّی، مسأله ی کارگر و کارفرما و مزد به شکلی که میان کارگر و کارفرما متداول است مطرح نیست و نمی تواند باشد. برحسب این برداشت، عبادت: نردبان قرب، معراج انسان، تعالی روان، پرواز روح به سوی کانون نامرئی هستی، پرورش استعدادهای روحی و ورزش نیروهای ملکوتی آنان، پیروزی روح بر بدن، عالی ترین عکس العمل سپاسگزارانه ی انسان از پدید آورنده ی خلقت، اظهار شیفتگی و عشق انسان به کمال مطلق و جمیل علی الاطلاق، و سرانجام: سلوک و سیرالی الله است.

برمبنای این دریافت، عبادت پیکری دارد و روحی، ظاهری دارد و معنایی، آنچه وسیله ی زبان و سایر اعضای بدن انجام می شود، پیکره و قالب عبادت است، روح و معنای عبادت چیز دیگر است، روح عبادت وابستگی کامل دارد به مفهومی که عابد از عبادت، دارد و به نوع تلقّی او از عبادت و به انگیزه ای که او را به عبادت برانگیخته است و بهره و حظّی که عملاً از عبادت می بَرد و این که عبادت تا چه اندازه سلوک الی اللّه و گام برداشتن در بساط قرب باشد.»(۱)

در برابر این همه توصیه به نیّت خالص و ناب، امروزه چنان زمینه این کارهای ارزشمند کم شده است که استاد مطهری رحمه الله می نگارد:

«مرحوم شیخ جعفر شوشتری، آن سال ها که آمده بود تهران و منبرهای معروف را می رفت، یک روز گفت: ایّها النّاس! همه ی پیغمبران شما را به توحید دعوت کرده اند، اما من آمده ام شما را به شرک دعوت کنم! همه تعجّب کردند، که شیخ چه می گوید؟! گفت: همه ی پیامبران آمدند و گفتند:

۱- ۱ . سیری در نهج البلاغه / ۸۳.

فقط خدا را بپرستید، فقط برای خدا کار کنید؛ ولی من می گویم: کمی هم برای خدا کار کنید!»(۱)

نقش و جایگاه نیّت خالص

۱. عامل رستگاری: اخلاص، در گفتار امیرمؤمنان علیه السلام به «فوز»(۲) یعنی: رستگاری و پیروزی تعبیر شده است. حضرتش در حدیثی دیگر، فرمود: «فِی الْاِخْلاصِ یَکُونَ الْخَلاص؛(۳) آسودگی و آرامش در پرتو اخلاص میسّر گردد.»

۲. هدف ادیان و شرایع: امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: اخلاص، هدف دین و مقصد شرایع آسمانی است.

«اَلاِخْلاصُ غایَه الدّینْ ؛(۴) همه ی پیامبران آمدند تا انسان را به قلّه ی اخلاص صعود دهند.»

۳. ملاک برتری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: «بِالاخْلاصِ تَتَفاضَلُ مَراتِبُ الْمُؤمنین؛(۵) مقام مؤمنان با اخلاص سنجیده می شود.»

۴. برترین نعمت ها: امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ما اَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلّ عَلی عَبْدٍ اَجَلّ مِنْ اَلّایَکُونَ فی قَلْبِهِ مَعَ اللَّه غَیْرُهُ؛(۶)

هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که درقلب بنده غیرازخدا چیزی نباشد.»

در یک حدیث قدسی خداوند متعال می فرماید: نیت خالص سرّی از اسرار من است که آن را در قلب آنکس که بخواهم قرار می دهم.(۷)

۱- ۱ . فطرت، ۱۹۴.

۲- ۲ . الاخلاص فوز؛ غرر الحکم ، فهرست، واژه ی اخلاص.

۳- ۳ . تنبیه الخواطر / ۳۹۰.

۴- ۴ . غررالحکم و دررالکلم .

۵- ۵ . تنبیه الخواطر / ۳۶.

۶- ۶ . مستدرک الوسائل ، ۱ج/ ص۱۰.

۷- ۷ . بحارالانوار، ج۷۰/ ص۲۴۹.

۵. راه دستیابی به محبوبیت: یکی از آرزوهای دیرینه ی بشر دستیابی به محبوبیت اجتماعی است و همه ی تلاش ها برای راضی کردن عناصر و افراد گوناگون در جامعه و کسب محبوبیت بسیج می شود. قرآن کریم می فرماید:

«اِنَّ الذّینَ امَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحات سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحمنُ وُدّا؛(۱)

آنان که ایمان و عمل صالح انجام دادند خداوند رحمان بر ایشان محبوبیت عمومی راتقدیر خواهد کرد.»

و بنا به مقتضای روایات و تفاسیر، عمل صالح، عملی است که در آن غیر خدا نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی چنین می فرماید:

«اِعْمَلْ لِوَجْهٍ واحِدٍ یَکْفیکَ الْوُجُوهَ کُلَّها؛(۲)

«برای خدای یکتا کار کن تا او [قلب] دیگران را در اختیار تو قرار دهد.»

۶. معیار شرافت و کرامت انسانی: خداوندی که همه چیز را مسخّر بنی آدم قرار داده است(۳) از او توقع ویژه ای دارد که برتری او از دیگر موجودات را مبرهن نماید و الاـ این کرامت و امتیاز بیهوده خواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: باید بندگان در هر حرکت و سکونی، نیّت خالص داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت غافل خواهند بود و غافلان را قرآن چنین معرفی فرموده:

«اُولئِکَ کَالاَنعامِ بَل هُم اَضَلُّ اُولئِکَ هُمُ الغافِلُونَ ؛(۴) انسان های غافل و پند ناپذیر، مانندِ چهارپایانند، بلکه پست ترند.»

بنابراین، نیّت خالص، تنها معیار شناسائی و جدایی انسان از حیوان است.

۷. کارآمدترین ابزار نیکوکاری: انسان می تواند از امکانات مالی و مادّی خدادادی عمر و زندگی و از فرصت ها و نشاط کاری خود، برای انجام طاعات و ارائه ی عبادات بهره

۱- ۱ . مریم /۹۶.
۲- ۲ . کنزالعُمّال ، ج۳/ ص۲۳.
۳- ۳ . حج / ۶۵؛ (اَلَمْ تر انَّ اللهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی الْاَرضِ)
۴- ۴ . اَعراف، ۱۷۹.

گیرد. هر کدام ازاین ابزارها مواجه با محدودیت هایی است که استفاده از آن ها نمی تواند مطلق و بی پایان باشد. بخشی از اموالش را می توانـد صَرفِ تعاون وخدمت نمایـد. سالیانی از عمرش را به انجام عبادت و طاعت و خدمت مَردم، اختصاص دهد. اما تنها ابزاری که بهره ی انسان از آن نامحدود و جاودانه است، نیّت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مؤمنی که از خداونـد امکانـات مـالی درخواست کنـد برای انجـام کارهـای خیر، خداونـد پاداش همه ی این خیرات را که او تصمیم داشته آن ها را در آینده انجام دهد در صورتی که نیّت خالص داشته باشد، به او عطا می فرماید.»(۱)

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«هر کس تصـمیم به کار خیری بگیرد ولی جامه ی عمل به آن نپوشانَد، پاداش آن برایش منظور می شود و اگر انجام دهد، تا هفتصد برابر برایش نوشته می شود.»

۸. مایه ی قوام دین: تمام کنش ها و واکنش های بشـر در پرتوِ نیّت معنا می یابد و همگون با نیّتی که از عمل داشته با اورفتار می شود. چاقوی جراح و چاقوی اشـرار بظاهر یک کار را انجام می دهند اما با توجه به نیّت، با هر یک برخوردی کاملاً غیر از آنچه با دیگری انجام می گیرد اِعمال می شود. یکی را جریمه می کنند و دیه از او می گیرند، به دیگری مزد می دهند و از او تشکر می کننـد بـا ایـن‌کـه هردو شـکم پـاره کرده انـد. دیـن و کُنش روحی و اعتقـاد انسـان نیز بر عمـودِ نیّـت اسـتوار اسـت. امیرمؤمنان علی علیه السـلام می فرماید: همان گونه که جسم انسان بدون حیات، ضایع و متلاشی می گردد همچنین دین جز با نیّت صادق استوار نمی گردد.

آری، در هر یـک از اَعمال خصوصاً در عبادات، نه تنها نیّت الهی و خیر ضـرورت دارد، بلکه این نیت، بایـد ناب و خالص نیز باشد و هر گونه نا خالصی، هر چند اندک، ارزش معنوی اش را ضایع خواهد کرد و خداوند آن را نخواهد پذیرفت.

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج ۷۰/ ص۱۹۹.

در روایتی قدسی، خداونـد متعال می فرمایـد: من بهترین شـریک هسـتم. هر کس مرا در عملی با دیگری شـریک گرداند، هر چند سهم او اندك و سهم من زیاد باشد، سهم خود را به او می بخشم و جز آنچه را خالص باشد نمی پذیرم.(۱)

همـان گونه که قبلاًـ اشـاره شـد نیّت، امری قلبی است و تنها به گذرانـدن لفظ از زبان بسـنده نمی شود و قربت الی الله با لفظ محقق نمی گردد، بلکه در عمل و در اعماق دل باید تقرب به خدا تنها عامل و محرك به سوی عمل باشد و چگونگی ارائه ی عمل طوری باشد که انسان را به خدا نزدیک سازد. نیت زبانی در آغاز نماز و یا هر عمل دیگر، نه واجب است و نه مسـتحب. اینکه مـا می گوییم دو رکعت نمـاز صـبح می خوانم قربه الی الله، اگر سـبب حضور نیت قلـبی شود، خوب است و اگر موجب غفلت از توجه قلبی و معنایی گردد، مذموم است.

راه های دستیابی به نیّت خالص

هشـدارها و تأکیـدهایی فراوان در روایـات برنـاب سـازی و اخلاـص نیّت، فرا می خوانـد. در عین حـال نفـوذ شـرک خفی و شراکت غیر خـدا در عمـل عبـادی را در روایات به حرکت مورچه در دل شب، بر روی سـنگ سـیاه تشبیه کرده انـد. بنابراین؛ دستیـابی به مقام اخلاص و رهایی از نفوذ شـرك خفی، کار آسانی نیست و بایسـته ی دقّت و تأمل است. اکنون با پژوهش در منابع معرفتی به جست جوی راه های دست یابی به نیت خالص می پردازیم.

۱. یقین به مبدأ و معاد

همه ی ما به خدا و روز قیامت ایمان داریم، ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسـیده است، صـرفاً پذیرفته ایم که خداو بازگشت به او، حق است. می دانیم خـدا، عـادل است و به پرونـده اعمـال تمـام بنـدگان در قیـامت رسـیدگی می کنـد. می دانیم که همه امکانـات دنیوی ما از ابتـدای خلقت تاکنون مرهون فیض مبـدأ هستی، و او پرورش دهنـده ی ما و رحمان و رحیم است و همه قدرت های دیگر، شعاعی بسیار ضعیف از قدرت اویند و مقهور اراده او

ص:۹۴

۱– ۱ . مستدرك الوسائل ، ج۱، ص۱۰.

خواهند بود. می دانیم که نَفَس های ما، ما را به سوی دروازه ی مرگ پیش می بَرد، امّا به هیچ یک از این ها یقین نداریم؛ لذا به غیر خدا امید می بندیم و متّکی بر این امید، آنان را در عمل خود شریک می کنیم. پیشوایان دین علیهم السلام به این واقعیّت با تعابیری گوناگون در سخنان خویش پرداخته اند. امام علی علیه السلام می فرماید: «سَبَبُ اْلاِخْلاصِ اَلْیقَینُ؛ اخلاص، ره آورد یقین است.»

و در سخن دیگری می فرماید: «عَلی قَدْرِ قُوَّه الدّین یَکُونُ خُلوُصُ النِّیَّه؛(۱) اخلاصِ آدمی به میزان استحکام دینداری اوست.»

۲. یأس از مردم

باآن که در بینش اسلامی، جامعه و مردم مورد توجّهند، امّا هیچ گاه، تکیه گاهی مناسب و مقام برای روح برای انسان به شمار نمی روند؛ چرا که جایگاه انسان در نظام خلقت به هیچ وجه توجیه کننده ی وابستگی روحی فردی از افراد بشر به او نیست! زیرا با آن که انسان، خلیفه ی خدا در زمین محسوب می گردد، وپروردگار حکیم، سایر موجودات را به طفیل او، آفریده، ولی انسان موجودی ناتوان و تکیه گاهی نا استوار است، که: «لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً وَلَو اجْتَمَعُوا لَهُ وَاِنْ یَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَیْئاً لا یَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ؛(۲) اگر تمام انسان ها جمع شوند نمی توانند مگسی خلق کنند و چنانکه مگسی از آنان چیزی بستاند و بگریزد، نمی توانند آن را از وی بازگیرند.»

با آنکه هر چه دارند داده الهی است و هر چه در راه خدا بدهند خداوند آن را به آنان برمی گرداند امّا: «اذا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعَاً؛(۳) وقتی توانگرند، تعاونگر نیستند.»

بنا براین باید از این خیل ناتوانان مُمسک، قطع امید کرد و این ناامیدی، گام پیشینِ وابستگی به خدا و اخلاص عمل برای او و حرّیت انسان است.

۱- ۱ . غررالحکم و دررالکلم.

۲- ۲ . حج / ۷۳.

۳- ۳ . معارج / ۲۱.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اَوَّلُ الْاِخلاْصِ اَلْیَأسُ مِمَّا فی اَیْدِی النَّاس؛(۱)

ناامید بودن از مردم، نخستین شرط اخلاص است.»

۳. دوری از پرورش و پرستش هواها

آنچه انسان را وادار به خضوع و زانو زدن بر درِ خانه ی خلایق می کند، آرزوها، هواها و محبّت دنیاست. اگر آرزوها محدود گردند و هواها سرکوب و محبت دنیا مهار گردد چگونه حریت انسان به او اجازه می دهد که به دنیا وابسته شود و پرستشگری را که افضل اعمال انسانی است به شراکت نالایق مشوب گرداند. غزالی در بیان حقیقت اخلاص چنین می گوید:

«آن کس که حبّ دنیا بر قلب او غالب گردد، تمام حرکاتش چنین صفت و نشان غیر خدایی را به خود می گیرد؛ پس: جز اندکی از عبادات و نماز و روزه او، ره به سلامت نمی برد. بنا براین راه رسیدن به اخلاص، بریدن از دنیا و آخرتی شدن است. تا قلب، صبغه ی الهی را بپذیرد و به اعمال، منتقل کند.»(۲)

۴. به کارگیری عقل

اندیشه مندی که به توان وضعف مردم و میزان کارآیی آنان در یاریِ افراد جامعه توجّه کند و آن را با قدرت، محبّت و کرامت الهی بسنجد، هیچ گاه حاضر نیست عمل خود را به دیگران بفروشد؛ زیرا یا نمی خرند، یا کم می خرند، و یا با منّت می پذیرند و...هزار قید و شرط دارند، زیادند و آراء و اهواء مختلف دارند، دیر راضی می شوند و پرتوقعند و اگر کم باشد قهر می کنند و جسارت به خود می دانند، امّا خدای سبحان یکی است و «سریع الرّضا»، «کم» را می پذیرد و «زیاد» پاداش می دهد، بی نیاز است و با محبت، بی منّت است و نزدیک ترین وجود به انسان، پس آیا عاقلانه است که به غیر او رو آوریم و از او گریزیم؟!

ص:۹۶

۱- ۱ . غرر الحکم و دررالکلم.

۲- ۲ . محجّه البیضاء ، ج ۸، ص۱۳۸.

او کجا اجری از پاداشهای ما را کم گذاشته است؟ کجا به ما بی مهری و بی توجهی نموده، کجا ما را از یاد برده است؟ کدامین نعمت را از ما دریغ کرده است؟ سزاوار است که قرآن از انسانی چنین با عنوان «ظلوم و جهول»(۱) یاد کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: انسانی که عمل عبادی خویش را برای دیگران و با نیّت غیر الهی انجام می دهد، دچار کم عقلی است؛ زیرا اگر همان کار را برای خدا انجام دهد، سریع تر و نیکوتر به نیّت و خواستِ خود نایل می شود.(۲)

در روایتی دیگر، انجام عمل برای غیر خدا، به: «خسران در دنیا و آخرت» و «شقاوت عظیم»، تعبیر شده است؛ چرا که از دنیا، مایه گذاشته و به اجری در آخرت نیز، دست نیافته است.(۳)

ص:۹۷

۱- ۱. احزاب / ۷۲.

۲- ۲ . بحارالانوار، ج ۷۲ (۶۹) / ص۲۹۹. مابین الحق و الباطل الا قله العقل...

۳- ۳ . همان، ص۳۰۰. سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن عظیم الشقاق.

آزمون

۱. «یُحشِرَ النَّاسُ عَلی نِیَّاتِهِمْ یَوْمَ الْقِیمَه» به چه معناست و بر چه چیز دلالت دارد؟

۲. فرق نیّت «خالص» و «ناب» چیست؟

۳. عبادت عبید و تجّار و احرار چه تفاوتی با هم دارد؟

۴. مرحوم شیخ جعفر شوشتری، در باره ی نیّت، چه سفارشی به مردم کرد؟ چرا؟

۵. جایگاه نیّت خالص در آموزه های اسلامی چیست؟ به سه مورد اشاره کنید.

۶. راه دستیابی به محبوبیت بر مبنای آیات قرآن کریم چیست؟

۷. چگونه انسان می تواند به نیّت خالص، دست یابد؟

۸. قرآن کریم در وصفِ ناتوانی مردم، چه می گوید؟

۹. سخن غزالی در بیانِ حقیقت اخلاص چیست؟

۱۰. نخستین شرط اخلاص از نظر حضرت علی علیه السلام چیست؟

درس هشتم

گفت وگو با معبود

الله اکبر

نخستین سخن در بارگاه آن یگانه، این است که: او بزرگ تر از هر چیز و برتر از هر گونه وصف است. بنابراین، حال، که به گفت وگو با او ایستاده ایم، باید از اشتغال به هر چیز دیگر ــ که جملگی فروترند ــ بپرهیزیم.

«اللّه اکبر»، پاسخی است بر پرسش هایی فراوان در محور عبادت و عبودیّت؛ سؤال هایی از قبیلِ چرا او را بپرستیم؟ زیرا «اللّه اکبر»، چرا با او راز و نیاز کنیم؟ زیرا...، چرا باید سایر کارهای خود را کنار بگذاریم و روزی چند بار به نماز بِایستیم؟ زیرا...، چرا نباید از هیچ تهدیدی در راه او بهراسیم؟ زیرا «اللّه اکبر» علاوه بر زبان، عمل و جان نمازگزار نیز باید به بزرگی خدا شهادت دهند و همه چیز را جز او حقیر انگارند، در غیر این صورت، به فرموده ی امام صادق علیه السلام به او از سوی خدا خطاب می شود: «ای دروغگو! آیا با من خُدعه می کنی؟ به عزّت و جلالم سوگند، تو را از حلاوت گفت گو با خودم محروم می کنم.»(۱)

این شعار اساسی و کوتاه در مقدّمات نماز بیش از پنجاه بار و در متن نماز (غیر از تکبیره الاحرام) حدوداً هشتاد و پنج بار به صورت واجب و مستحب تکرار می شود، تا تجّسم عظمت خالق در دل نمازگزار، هر که جز او را در دیده ی وی حقیر گردانَد و به تمام آنچه جز اوست بی اعتنا باشد و نمازگزار مصداق این سخن از کلام امیرمؤمنان علیه السلام شود که فرمود:

«عَظُمَ الْخالِقُ فی اَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مادُونَهُ فی اَعْیُنِهِمْ»(۲)

۱- ۱ . محجّه البیضاء، ج ۱، ص۳۸۵.

۲- ۲ . نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۳.

«بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ»

حال که او بزرگ تر از همه چیز است، پس با نام و یاد او آغاز می کنیم؛ او که محبّت عام دارد در دنیا بر مؤمنان و غیر مؤمنان و مهر دائم دارد بر مؤمنان چه در دنیا و چه در آخرت.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان می گوید:

«تمام عالمان ما بر این رأی، اتّفاق نظر دارند که: «بسم اللّه» جزء سوره ی حمد است و هر کس آن را در نماز، ترک کند، نمازش باطل می شود.»(۱)

امام رضا علیه السلام می فرماید:

««بسم اللّه» به اسم اعظم نزدیک تر از سیاهی چشم به سپیدی آن است.»

بنابراین: می تواند ابزاری کارآمد برای حَلّ مشکلات و موجب برکت و تقدّس در کارها باشد.

امام عسگری علیه السلام در شرح مفهوم بسم اللّه می فرماید:

«اَی اَستَعینُ عَلی اُمُوری کُلِّها بِاللّه؛ در همه ی امورم از خدا کمک می جویَم.»(۲)

جای گرفتنِ صفت رحمانیّت و رحیمیّت در «بسمله» بیانگر اهمّیّت این صفت در میان صفات الهی است و به انسان می آموزد که در عین قُدرت و قوّت، باید به دو مفهوم رحمت و محبّت به عنوان والاترین افتخار، در مدیریت توجه کرد.

«اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ»

همه ی ستایش ها و سپاس ها و پرستش ها مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده ی جهانیان است. ستایش او که صاحب هر جمال و کمالی است، و سپاس از او در برابر نعمت هایی که به ما ارزانی داشته است. هر خیری از او نشأت یافته و او مدیر و مدبّر

۱- [۱] . مجمع البیان، ج۱، سوره ی حمد.

۲- ۲ . توحید صدوق / ۲۳۱.

حرکت تکاملی موجودات است.(۱) و پرستش او که کسی سزاوار پرستش جز او نیست.

در بینش توحیدی در تمام عوالم هستی، رَب یا رب ّالنّوعی، جز خدای یگانه وجود ندارد و تنها او «ربّ العالمین» است و شریکی برایش متصوّر نیست.

«اَلرَّحمنِ الرَّحیمِ»

دیگر بار، سخن از رحمت پایان ناپذیر الهی است؛ زیرا استوانه ی اصلی تربیت در فرهنگ الهی، رحمت و محبّت است. برخی معتقدند: صفت رحمان و رحیم در «بسمله» به راز عبودیّت و آغاز کاربا نام خدا اشاره دارد و در آغاز سوره ی حمد، بیانگر علّت بایستگی انحصار حمد و سپاس در خداست.(۲)

«مالِکِ یَومِ الدّینِ»

«یوم الدّین» یکی از اسامی قیامت است، و هنگام حساب و بررسی اعمال، تنها خداوند مالك و زمامدار امور است.

او در این دنیا نیز مالک همه چیز است، در حالی که مالکیّت های اعتباری و ادّعایی دیگر نیز در طول مالکیّت او در دنیا وجود دارد، امّا در «یوم الدّین» همه ی مالک ها از مملوک های خود گریزانند و هیچ کس، با هیچ چیز نسبتی ندارد و ملك و مملکتی جز ملك و مملکت الهی نیست.

«اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاکَ نَسْتَعینْ»

پس از شناخت مبدأ، مربّی و مدبّر هستی، به بارگاه ربوبی او راه می یابیم و به زبان جمع که همراه احترام و خضوع بیشتری است، به پیشگاهش عَرضه می داریم: تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می جوییم؛ چرا که تو سرچشمه ی همه ی کمالات و دریای رحمتی و ما هماره نیازمند ت بوده و هستیم. از این عبارت می آموزیم:

۱- ۱ . در مفردات راغب آمده است: «رَبّ فی الاصل التَرْبیَه وَ هُوانْشاءُشَی ء حالاً فَحالاً اِلی حَدِّ التّمام»

۲- ۲ . مجمع البیان ، ج ۱، تفسیر سوره حمد.

۱. همنوایی تمام موحّدان در سرودِ عبادت و استعانت، روحیّه ی جمعی و حفظ وحدت را پیام می دهد.

۲. استعانت از او به دنبال ادّعای عبادت مخلصانه ی او، به ما می آموزد که حتّی در انجام عبادات، بی نیاز از کمک و اعانت ذات ربوبی نیستیم.

۳. عبادت خالصانه، زمینه ی دریافت امدادهای الهی است.

۴. با توجّه به انحصار قُدرت در گذشته و حال و آینده در خداوند، مدد جویی، جز از او، کاری عبث و بیهوده است.

۵. استعانت، بایسته ی مبدئی است، که پرستش و عبادت متوجّه او می شود.

۶. ستایش و اقرار به کمالات معبود و احساس حضور در پیشگاه او از آداب نیایش است.

«اِهدِنَا الصِّراطَ الْمُستَقیمِ»

پس از اظهار نیاز و استعانت از پیشگاه معبود، مهم ترین نیاز، به عنوان نخستین درخواست، مطرح می شود: «ما را به راه راست هدایت کن»؛ چرا که در میان جاذبه های دنیا و تبلیغات دنیاپرستان، تنها اوست که می تواند ما را به راه خود هدایت کند و بر آن استوار گرداند: «ما کُنَّا لِنَهْتَدِی لَولا اَنْ هَدینَا اللَّهُ»(۱)

از این جمله می آموزیم:

۱. انحراف از راه مستقیم، خطری جدّی است که همواره موحّدان را تهدید می کند. پس باید همواره استواری بر راه را از خدا طلب کنند.

۲. نیازهای فرهنگی، نخستین و ضرور ترین نیازهای فرد و جامعه است.

۳. راه الهی، مسیری مستقیم، روشن و منحصر است و مانند سُبُل و طُرُقِ انحرافی، اعوجاج و پیچید گی ندارد.

۴. دعا، در استقامت فکری و عملی انسان، نقشی مؤثّر دارد.

۵. هدایت، دارای مراتبی است و ما در هر نماز، رسیدن به مرتبه بالاتر را می طلبیم.

۱- ۱ . اعراف / ۴۳

خداوند متعال می فرماید: «وَالَّذینَ اهْتَدَوا زادَهُم هُدی»(۱)

برای «صـراط المسـتقیم» تفاسیری گوناگون در روایات و منابع اسلامی ارائه گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: مراد از «صـراط مسـتقیم» راه انبیا اسـت(۲)، حضـرت علی علیه السـلام «صـراط مستقیم» را به راه هـدایت قرآنی تعـبیر فرموده(۳) و امـام صادق، «صـراط مسـتقیم» را راه معرفت الهی دانسـته است(۴)، در روایت دیگری آن حضـرت می فرمایـد: صراط مسـتقیم، در دنیـا مسـیر امامت و اطاعت از امام و پیشوای جامعه ی اسـلامی است. هر کس در دنیا او را بشـناسد و به او اقتـدا کند، در آخرت از صـراطی که روی جهنّم کشـیده شده، آسان عبور می کند [و به بهشت می رسد] و هر کس در دنیا او را نشناسد، پایش بر صراط می لغزد و به دوزخ سقوط خواهد کرد. (۵) امام عسگری علیه السلام می فرماید: راه مستقیم، پایین تر از طریق غلط افراطیان و بالاتر از مسیر تفریطیان است و به سوی هیچ باطلی تمایل ندارد.(۶)

در سـخنی از امام صادق آل محمّد ــ علیهم السـلام ــ می خوانیم: صـراط مستقیم، راهی است که به محبّت خدا و دین او می انجامد! و از تبعیّت هوا و سلیقه های شخصی، پرهیز می دهد. (۷)

خداوند متعال در قرآن کریم، راه خدا (۸)، راه پیامبر(۹) و راه عبودیّت(۱۰) را صراط مستقیم بر می شمارد.

۱- ۱ . محمّد / ۱۷.

۲- ۲ . تفسیر عیاشی ، ۲۲، ۱.

۳- ۳ . نور الثقلین ، ۲۰، ۱.

۴- ۴ . معانی الاخبار /۳۲.

۵- ۵ . نور الثقلین ، ۲۱، ۱.

۶- ۶ . بحارالانوار ، ۹، ۲۴.

۷- ۷ . همان.

۸- ۸ . هود / ۵۶ (انّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیم)؛ پروردگارمن، بر صراط مستقیم است.

۹- ۹ . زخرف /۴۳ (اِنَّکَ عَلی صِراط مُسْتَقیم)؛ ای پیامبر! تو در صراط مستقیم هستی.

۱۰- [۱۰] . یس / ۶۲ (وَ اَنِ اعْبُدُونی هذا صِراط مُسْتَقیم) ؛ مرا عبادت کنید که این صراط مستقیم است.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

«آن کس که متشابهات قرآنی را از طریق محکمات درک کند، به صراط مستقیم هدایت شده است.»(۱)

«صِراطَ الَّذینَ اَنعَمتَ عَلَیهِم»

این آیه می فرماید: راه مستقیم، همان راهی است که دریافت کنندگان نعمت خاصّ تو، آن را پیموده اند. اما چه کسانی به فیض نعمت خاصّ او نایل شده اند؟ بنا بر فرموده ی امیرمؤمنان علیه السلام برخی آیات قرآن، مبهمات آیات دیگر را تبیین می کند.(۲) فائزین به نعمت خاصّ الهی در آیه ای دیگر مشخّص گردیده اند، آن جا که می فرماید:

«و مَنْ یُطِعِ اللَّهَ و الرّسولَ فَاُولئکَ مَعَ الّذین اَنْعَم اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبیین و الصِّدیقینَ وَ الشُّهداء وَالصّالِحینَ وَ حَسُنَ اُولئکَ رَفیقا»(۳)

بنابراین آیه، پیامبران، صدّیقان، شهیدان و صالحان کسانی هستند، که خدا به آنان نعمتی ویژه مرحمت فرموده است و ما همراهی با آنان را، روزانه حداقل ۱۰ بار در نماز آرزو می کنیم تا از مسیر مستقیم خارج نشویم.

در روایات، مصداق روشن این گروه مورد تفضل الهی، چنین بیان شده است: «صراط الذین انعمت علیهم ؛ محمداً و ذُرّیّته:(۴) راه راست، راه محمد ـ صلی الله علیه و آله ـ و خاندان اوست.»

«غَیرِ المَغضُوبِ عَلَیهِم وَ لا الضّالّین»

قرآن کریم، گروه های زیر را غضب شده خوانده است:

۱. ناسپاسان: «وَلا تطغوا فیه فَیَحِلَّ عَلَیْکُم غَضَبی؛(۵) با ترک شکر، رو به سوی طغیان نَبَرید و موجبات غضب خدا را فراهم نیاورید.»

ص:۱۰۴

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج۹۲، ص ۳۷۷.

۲- ۲ . همان، ج ۵۷، ص ۲۱۸ .

۳- ۳ . نساء، ۶۹.

۴- ۴ . نورالثقلین ۱ / ۲۳، روایت ۱۰۱.

۵- ۵ . طه / ۸۱.

۲. بنی اسرائیل: «باءُو بِغَضَبٍ مِنَ اللَّه؛(۱) [به دلیل لجاجت و اصرار در موضع باطل به رغم آشکاریِ حق، کشتن پیامبران، تحریف کتاب آسمانی و رباخواری] دچار غضب الهی شدند.»

۳. قاتلان و آدم کشان: «وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمَ خالِداً فيها وَغَضِبَ اللهُ عَلَيه(۲) هر کس مسلمانی را عمداً بکشد، کیفرش خلود در دوزخ و ابتلا به خشم خدایی است.

۴. مرتدان: «انّ الذین اتّخذوا العجل سَيَنالُهُم غَضَبٌ مِنْ رَبِّهم؛(۳) آنان که [پس از هدایت] دیگر بار به گوساله پرستی روی آوردند، به زودی به غضب خدا مبتلا خواهند شد.»

۵. افراد بدگمان به خدا: «الظّانینَ بِاللَّهِ ظَّنَ السّوءِ عَلَيْهِمْ دائره السَّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛(۴) بدگمانان به خدا، به پیش آمد بَد و غضب خدا گرفتار آیند.»

گمراهان نیز دارای مصادیقی هستند که برخی از آن ها بر مبنای آیات قرآنی عبارت اند از: مشرکان(۵)، دروغگویان(۶)، خودپسندان(۷)، مخالفان پیامبران(۸)، آنان که مانع راه خیرند(۹) مشبّهین (کسانی که خدا را به خلق تشبیه می کنند).(۱۰)

ص:۱۰۵

۱- ۱ . بقره / ۶۱؛ آل عِمران / ۱۱۲.

۲- ۲ . نساء / ۹۳.

۳- ۳ . اعراف / ۱۵۲.

۴- ۴ . فتح / ۶.

۵- ۵ . نساء / ۱۱۶.

۶- ۶ . اَنعام / ۲۴.

۷- ۷ . کهف / ۱۰۴.

۸- ۸ . احزاب / ۳۶.

۹- ۹ . نساء / ۱۶۷.

۱۰- ۱۰ . اَسراء / ۴۸.

سوره ی توحید

پس از قرائت فاتحهالکتاب که سر آغاز کتاب آسمانی است، نوبت به قرائت سوره توحید یا اخلاص می رسد.(۱) پیامبر اکرم فرمود: هر کس این سوره را قرائت کند همانند آنست که ثلث قرآن را قرائت کرده باشد و ده برابر تمامی کسانی که به خدا و ملائکه و کتاب های آسمانی ایمان آورده اند برای او حسنه ثبت می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: به هنگام دفن پیکر سعدبن معاذ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر او نماز خواندند و هفتاد هزار ملک نیز در نماز با حضرتش شرکت داشتند. پس از نماز، پیامبر اکرم از جبرئیل پرسیدند:

«چرا شما نیز بر جنازه او نماز گزاردید؟ جبرئیل گفت: زیرا او «قل هواللّه احد» را دائماً در حال قیام و قعود و سواره و پیاده و در رفت و آمدش می خواند.»(۲)

سوره توحید خطاب به پیامبر می فرماید: بگو: او خدای یکتاست؛ خدایی بی نیاز و مرجع همه نیازمندان، کسی را نزاده و از کسی زاده نشده و همانندی ندارد.

این سوره به ما می آموزد که:

۱. تکرار شعار توحید برای موحّدان و حتّی پرچم دار توحید ضرورت دارد. زیرا خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) دستور می دهد: بگو اوست خدای یکتا.

۲. خدا پاسخگوی همه ی نیازمندان است و با هیچ کس ارتباط نَسَبی ندارد. (الله الصمد لم یلد)

۳. خدا مادّه نیست و با آن، ارتباطی ندارد. (الله الصمد)

برای لفظ «صمد» ، معانی زیادی ذکر شده، که به برخی از آنها اشاره می شود:(۳)

۱. مقصد و ملجأ بندگان و نیازمندان؛

۱- ۱ . البتّه نمازگزار می تواند هر سوره ای از قرآن را جز عزائم ــ سوره هایی که سجده واجب دارند ــ پس از سوره ی حمد، قرائت کند.

۲- ۲. مجمع البیان، ذیل سوره ها.

۳- ۳ . این معانی در روایات متعدّد از امامان معصوم علیهم السلام آمده است ؛ ر، ک: بحارالانوار ، ج۳، ص ۲ به بعد.

۲. کسی که در نهایت سیادت، آقایی و صلابت و اقتدار است؛

۳. وجودی که قائم به نَفْس است و بی نیاز از غیر؛

۴. وجودی که فساد و تغییرات ندارد؛

۵. توانایی که به صِرف اراده می تواند به اشیاء وجود بخشد؛

۶. صمد یعنی «لَمْ یَلِد وَ لَم یُولَد»؛

۷. وجودی که جسم نیست، حد و محل و مکان و شبیه و سکون و حرکت ندارد، در هیچ چیز نمی گنجد و هیچ جایی، خالی از او نیست.

وحدت خدای متعال، وحدت عددی نیست، او یکتاست و همتایی ندارد، نه آن که یکی است و دومی ندارد؛ چرا که در وحدت عددی، دوم متصوّر است، گرچه موجود نباشد. ولی در باره ی خدا، فرد دومی متصوّر نیست.

ص:۱۰۷

آزمون

۱. «اللّه اکبر» به چه پرسش هایی بر محور عبادت پاسخ می دهد؟

۲. تکبیر در مقدّمات و متن نماز، چند بار تکرار می شود و دلیل آن چیست؟

۳. مرحوم طبرسی رحمه الله چه نظری در مورد «بسم اللّه» دارد؟

۴. امام حسن عسگری علیه السلام «بسم اللّه» را چگونه تفسیر می فرماید؟

۵. حمد به چه معنا و چرا مخصوص خداست؟

۶. با آن که خداوند مالک دنیا و آخرت است، چرا درباره او می گوییم: «مالک یوم الدین»؟

۷. از جمله ی «ایاک نعبد و ایاک نستعین» چه درس هایی می آموزیم؟ هر یک را جداگانه توضیح دهید؟

۸. از عبارتِ «اهدنا الصراط المستقیم» چه مطالبی استفاده می شود؟ شرح دهید.

۹. راه غضب شدگان، چه راهی است؟

۱۰. از سوره ی توحید، چه نکاتی استفاده می شود و «صمد» به چه معنایی است؟

درس نهم

اجزای نماز

رکوع

پس از عَرضه ی یک دوره معارف و درخواست ضرور ترین نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می پردازیم و به حالت رکوع که به فرموده ی امام صادق علیه السلام تجسّم ادب خاصّ بنده در برابر پروردگار است، قرار می گیریم و او را می ستاییم. او منزّه است از هر چیز، و از این که نیازی به نماز و خضوع ما داشته باشد و ما این ادب را به نشان شایستگی ربّ به جا می آوریم، نَه نیاز او. اولیاء الله، در حالت رکوع و سجده، لذّتی از یاد و ذکر خدا را احساس می کردند که نمی توانستند به زودی آن را ترک کنند. «ابان بن تغلب» از شاگردان امام صادق، می گوید: خدمت حضرتش شرفیاب شدم، که در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود! (۱)

رکوع، از ارکان نماز است، که کم یا زیاد کردن آن، به هر شکل موجب بطلان نماز می شود.(۲) رعایت نکردن طمأنینه و تمامیت رکوع موجب خروج از دین خواهد بود.(۳)

ص:۱۰۹

۱- ۱. وسائل الشّیعه ، ج ۴، ص۹۲۷.

۲- ۲ . البته اگر در نماز جماعت، مأموم زودتر از امام جماعت، سر از رکوع بردارد، باید به رکوع بازگردد و از امام تبعیت کند و زیادی رکن در اینجا اشکالی ندارد؛ ر. ک: توضیح المسائل.

۳- ۳ . فروع کافی، ج۱، ص۷۴.

سجده

عـالی ترین درجه ی عبودیّت و نزدیـک ترین حـالت عبـد به خـدای سـبحان، حالت سـجده است. طبق نصّ قرآن کریم، تمام ذرّات وجود، هر کدام به نوعی خدا را سـجده می کنند: «اَلَمْ تر اَنَّ اللهَ یَسْـجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَموات وَ مَنْ فِی الاَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوابُ و ...» (۱)

اهل باطل نیز در برابر بت ها و پیشـگاه شاهان به نشان احترام سجده می کردند. سجده، عرصه ی مجدّد تقدیس و تنزیه خدای سبحان و زمینه ای مناسب برای نجوا و گفت و گو با خداست. در اهمّیّت و فضیلت سجده و طولانی کردن آن، روایاتی فراوان رسیده است، که به نَقل برخی از آن ها می پردازیم:

۱. راه رسـیدن به بهشت: مردی خدمت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله رسـید، حضـرت از او پرسـیدند: چه می خواهی؟، در جواب گفت: بهشت! ، حضـرت پس از تأمّلی کوتاه، فرمودند: «یا عَبْدَاللَّه اَعِنّا بِطُولِ السّجُود؛(۲) ای بنده ی خدا! یاری دِه ما را [در راه رسیدن به این خواسته] از طریق سجده های طولانی.»

۲. نزدیـک ترین حـالت به خـدا: امـام صادق علیه السـلام فرمود: «اَقْرَبُ ما یَکُونُ الْعَبْـدُ اِلَی اللَّه وَ هُوَ ساجِـدْ؛(۳) نزدیـک ترین حالت بنده به خدا، حالت سجده است.»

۳. آمرزش گناهان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَـجَدَ حُطِّ بِهـا خَطیئَتُه وَ رَفَعَ لَهُ بِهـا دَرَجَه» یعنی: «هر کس سـجده را انجام دهـد یک گناهش بخشـیده، و یک درجه بر درجات او افزوده می گردد.»

۴. شیوه ی اولیای الهی: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

«یا اَبا مُحَمَّد عَلَیْکَ بِطُولِ السّجود فَاِنَّ ذلِکَ مِنْ سُنَنِ الاوّلین؛(۴) سفارش می کنم تورا به

۱- ۱. حج / ۱۸.
۲- ۲. فروع کافی، ج۱، ص ۷۳.
۳- ۳ . وسائل الشّیعه ، ج ۴، ص ۹۸۰.
۴- ۴ . همان / ص ۹۸۱.

سجده طولانی؛ چرا که این شیوه ی پیشینیان است.»

خداونـد متعـال در قرآن پس از ذکر نـام گروه زیـادی از پیـامبران همچون: زکریا، یحیی، عیسـی، موسـی، ابراهیم، اسـماعیل، اِدریس، نـوح و...می فرمایـد: «و مِمَّنْ هَـدَینا وَ اجْتَبینـا اِذا تُتْلی عَلَیْهِـمْ آیـاتُ الرَّحمنِ خَرُّوا سُـجَّداً وَ بُکِیـاً؛(۱) و از آنـان کـه ما هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی هستند که وقتی آیات قرآنی بر آنان تلاوت می شود، به سجده می افتند و می گریند.»

۵. مؤثّرترین عامل طهارت قلب: مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله می فرمود: مؤثرترین عامل اصـلاح قلب، مـداومت بر سـجده ی طولانی است، اگر چه در هر شـبانه روز، یک بار اتفاق افتـد و در آن این ذکر را بگوید: «لا اِله الاّ انت سُـبْحانک انّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمین»(۲)

۶. مایه ی افتخار خدای لایزال: پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به یکی از یارانش به نام «اسامه» توصـیه فرمودند: «بر تو باد به سجده کردن...چرا که هیچ بنده ای برای خدا سـجده نمی کند، مگر آن که خداوند متعال، حسـنه ای برایش ثبت، و گناهی از او محو می کنـد. و مقام او را یک درجه ترفیع می دهـد و نزدِ ملایک به او مباهات می کنـد که به رغم تمام جاذبه های باطل در پیشگاه عظمت خدا، کرنش می کند.»(۳)

۷. اشاره به خلقت از خاک و بازگشت مؤمنان: از امیرالمومنان علیه السـلام پرسـیدند: سـجده چیست؟ فرمود: یعنی: خـدایا! تو مرا از خاک آفریدی، دیگر بار، مرا به خاک باز می گردانی و در قیامت مرا از خاک بیرون خواهی آورد.(۴)

۸. نشـانه تقوا: سـجده ی طولانی، نشانِ متقین را بر تارک انسان، نقش و وی را سـزاوار سـتایش حق می کنـد. قرآن کریم می فرماید:

۱- ۱. مریم / ۵۸.

۲- ۲ . اسرار الصَّلوه / ۲۷۰.

۳- ۳ . جامع احدایث شیعه، ج ۵، ص۲۶.

۴- ۴ . بحارالانوار، ج۸۵ ص۱۳۹.

«الّذین یبیتون لربّهم سجّداً و قیاماً؛(۱)

بندگان خدای رحمان، شب را با سجده و نماز به روز می رسانند.»

در آیتی دیگر در بیان ستودگان از پیروان ادیان آسمانی می فرماید: «یَتْلُونَ آیاتِ اللَّهِ آناءَ اللیل وَ هُمْ یَسْجُدون؛(۲) آیات الهی را در طول شب قرائت می کنند؛ در حالی که سجده می روند.»

در آیه ی دیگر، سجده را از ویژگی های رسول خدا و یارانش می داند و می فرماید: «نشان سجده بر چهره ی آنان نقش بسته است.»(۳)

۹. مباهات زمین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به «اباذر» فرمود: «زمینی که مؤمنی بر آن قدم نَهَد و در برابر عظمت حق چهره بر آن ساید، بر زمین های اطراف، افتخار و مباهات می کند.»(۴)

۱۰. راهی برای رسیدن به خواسته ها: امام صادق علیه السلام هر گاه حاجتی داشت، سر به سجده می گذاشت وهفت بار عرضه می داشت: «یا ارحم الرّاحمین»! و پس از آن، حاجت خود را از خداوند مسألت می کرد و می فرمود: هر کس هفت بار این ذکر را بگوید، خداوند در جواب او می فرماید: آری، من «ارحم الّراحمینم» حاجت خود را بخواه! (۵)

سجده ی شُکر

غیر از سجده هایی که در نماز واجب و مستحب به جا می آوریم سجده های خضوع و شُکر، توصیه گردیده است. زیرا آن حالت، تقرّب به خدا، و فرار و فریاد شیطان را سبب می شود و برترین هیأت خضوع و تعبّد را ارائه می دهد. در روایتی از حضرت مهدی چنین می خوانیم:

۱- ۱ . فرقان / ۶۴.

۲- ۲ . آل عمران / ۱۱۳.

۳- ۳ . فتح / ۲۹.

۴- ۴ . جامع احادیث شیعه ، ج۵، ص ۲۳۷؛ مکارم الاخلاق ، ص ۳۴۶.

۵- ۵ . همان / ص ۴۷۹.

«سَجْدَه الشّکر مِنْ اَلْزَمِ السُّنَنِ وَ اَوْجَبِها: (۱)

سجده ی شکر از ضرورترین سنت هاست.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر وقت به یاد نعمتی از نعمت های پروردگار افتادی و در جایی بودی که دیگری تو را نمی دید، صورت خود را به زمین بچسبان و اگر در حضور دیگران بودی، کمی به نشانه ی تواضع در برابر نعمت خدا، خَم شو!(۲) در روایت دیگری چنین آمده است: اگر [انسان هنگام یادآوری نعمت] جای مناسبی برای سجده پیدا نمی کند، صورت بر کف دست بگذارد و سپاس خداوند به جای آرَد.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر مَرکب از مسیری عبور می کردند. ناگاه یاران متوجّه شدند حضرتش ناقه را متوقف کرده، پیاده شدند و پنج سجده به جای آوردند. یاران پرسیدند: رمز این عمل چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد، در برابر هر یک، سجده ی شُکری به جای آوردم.(۴)

آری، روحیّه ی سپاس گزاری در پیشگاه خدا، فضیلتی است در خور تحسین که زیادت نعمت را در پی دارد.

قنوت

قنوت، به معانی مختلفی از جمله: دعا، اطاعت، سکون، خودداری از سخن، قیام، خشوع، عبادت و نماز آمده است. در نماز، قنوت به مفهوم دعا و درخواستی است که با هیأتی خاص در رکعت دوم نماز بعد از قرائت و قبل از رکوع انجام می شود. برخی از فقیهان قائلند: خواندن هر دعایی، به هر زبانی در قنوت جائز است. بنابراین: نمازگزار می تواند قنوت را با زبان فارسی بخواند.

۱- ۱ . همان / ص۴۵۳.

۲- ۲ . وافی، ج ۸، ص۸۲۵.

۳- ۳ . محجه البیضاء ، ج۱، ص۳۴۶.

۴- ۴. همان.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس قنوتی طولانی تر داشته باشد، آسایش بیشتری روز قیامت نصیبش می شود(۱) و بهترین نماز، آن است که قنوتی نیکو تر داشته باشد.»(۲) امام رضا علیه السلام در نامه ای به مأمون یادآور شدند که قنوت از سنّت های لازم در هر نماز است.(۳)

تشهّد

تشهّد، شهادتی است دوباره به یکتایی خدا و پیامبری رسول، و پیک رحمت و هدیه ای است به هادی امت و واسطه ی رحمت و خاندان با کرامت او، که در میان و پایان هر نمازیدند قنوت نماز زمزمه می داشته ا تکرار می گردد:

«اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاّ اللَّه، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهْ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُه، اَللّهمَّ صَلِ عَلی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد»

چگونگی صلوات بر پیامبر، در روایات گوناگون بیان شده است. صحیح بخاری، از کتب مهم اهل سنّت، در باب کیفیت صلوات بر پیامبر، این روایت را نقل کرده است: از رسول خدا پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللّهم صلّ عَلی مُحَمّد وَ عَلی آل محمد. . .»(۴)

شافعی، از بزرگان اهل سنت، در ضمن اشعاری می گوید: «ای خاندان پیامبر! محبّت شما به حُکم قرآن بر ما واجب است. در عظمت مقام و بلندی منزلت تان، همین بس که هر کس در نماز بر شما درود نفرستد، نمازش باطل است.(۵)»

در رکعت آخر هر نماز نیز، پس از تشهّد، بر پیامبر خدا، بندگان صالح او و حاضران در نماز و جماعت درود می فرستیم و نماز را به پایان می بَریم.

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص۱۹۹.

۲- ۲ . خصال، ج۲، ص۱۰۳.

۳- ۳. عیون اخبار الرّضا ، ج ۲، ص۱۲۳.

۴- ۴ . صحیح بخاری ، باب الصَّلاه علی النبی.

۵- ۵. مسند احمد حنبل ، ج ۶، ص۳۲۳.

آزمون

۱. خاطره ای از رکوع امام صادق علیه السلام از زبان یکی از یارانش نقل کنید.

۲. فرق رکن و غیر رکن چیست و بگویید در کجا این تفاوت نیست؟

۳. چهار مورد از فضایل سجده را ذکر کنید.

۴. سخن مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله را درباره ی سجده، بیان کنید.

۵. امام صادق علیه السلام ـ برای رفع مشکلات خود چه عملی انجام می داد و چه توصیه ای می فرمود؟

۶. سخن حضرت مهدی ـ عجّل الله تعالی فرجه الشریف ـ را درباره سجده ی شکر، نَقل کنید.

۷. امام صادق علیه السلام در باره ی سجده ی شُکر چه سفارشی فرمود؟

۸. قنوت، دارای چند معنا و در نماز به چه مفهومی به کار رفته است؟

۹. بهترین نماز از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله چه نمازی است؟

۱۰. شعر شافعی درباره ی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشتمل بر چه مضمونی است؟

درس دهم

شوق وصال و درد فراق

نماز اوّل وقت

در بحث های پیشین، چنین آمد، که نماز، گفت گو و دیدار با معبود است. انسان های وارسته که جز حضرت حق، دوست و ولی نعمتی برای خود نمی شناسند، مشتاقانه منتظرند تا در نخستین فرصت، جسم و روح خسته از دنیای مادّیت خود را جانی دوباره بخشند؛ از این روست که حتّی قبل از رسیدن وقت نماز، با انجام مقدّمات واجب و مستحب و نظافت و معطّر کردن بدن و لباس، خویش را برای حضور در پیشگاه معشوق آماده می کنند.

در بحث «اهتمام به نماز» درباره ی انجام این فریضه به وقت فضیلت، سخن گفته شد. در اینجا یک بار دیگر اهمیت انجام به موقع آنرا مورد توجه قرار می دهیم.

هرچند برای هر یک از نمازهای یومیّه، زمانی مُوسَّع در نظر گرفته شده، اما تأکید بر این است که همگان در نخستین فرصت، با شتاب به سوی نماز حرکت، و آن را در اوّل وقت اقامه کنند. و هیچ مشغله ای را بهانه ی تأخیر نماز قرار ندهند.

امیرمؤمنان علیه السلام در گرماگرمِ جنگ، دل در گرو رسیدن وقت نماز دارد و می فرماید: ما برای اقامه ی نماز می جنگیم(۱) و فرزندش امام حسین علیه السلام نیز به رغم بارش تیرها و نیزه ها در میدان نبردِ ظهر عاشورا نماز را به پا می دارد.(۲)

۱- ۱ . ارشاد القلوب .

۲- ۲ . استاد مطهّری رحمه الله در این باره می نگارد: روز عاشورا مردی از اصحاب حضرت اباعبداللّٰه علیه السلام یک وقت متوجه شد که الان اول ظهر است، آمد عرض کرد یا اباعبداللّٰه! وقت نماز است، و ما دلمان می خواهد برای آخرین بار نماز جماعتی با شما بخوانیم. اباعبداللّٰه نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذکرت الصلو ه جعلک اللّٰه من المصلین» نماز را یاد کردی، خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد. مردی که سر بر کف دست گذاشته است - یک چنین مجاهدی را - امام دعا می کند که خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد، ببینید نمازگزار واقعی چه مقامی دارد! فرمود: بله نماز می خوانیم، همانجا در میدان جنگ نماز خواندند، نمازی که در اصطلاح فقه اسلامی «نماز خوف» نامیده می شود. نماز خوف مثل نماز مسافر دو رکعت است، نه چهار رکعت، یعنی انسان اگر در وطن هم باشد باز باید دو رکعت بخواند، برای اینکه مجال نیست، در آنجا باید مخفف خواند، چون اگر همه به نماز بایستند وضع دفاعیشان بهم می خورد، موظف هستند در حال نماز، نیمی از سربازان در مقابل دشمن بایستند و نیمی به امام جماعت اقتدا بکنند، امام جماعت یک رکعت را که خواند صبر می کند تا آنها یک رکعت دیگر را خودشان بخوانند، بعد آنها می روند، پست را از رفقای خودشان می گیرند در حالیکه امام همینطور منتظر نشسته یا ایستاده است، بعد سربازان دیگر می آیند و نماز خودشان را با رکعت دوم امام می خوانند. اباعبداللّٰه چنین نماز خوفی خواند

ولی وضع اباعبـداللّٰه یک وضع خاصـی بود بطوری که چندان از دشـمن دور نبود، لذا آن عده ای که می خواسـتند دفاع کنند نزدیک اباعبداللّٰه ایسـتاده بودند ودشـمن حتی در این لحظه هم آنها را راحت نگذاشت، در حالیکه اباعبداللّٰه مشغول نماز بود، دشمن شروع به تیراندازی کرد، دو نوع تیر، هم تیر زبان! یکی فریاد کرد: حسین نماز بخوان ولی نماز تو فایده ای ندارد، تو بر پیشوای زمـان خودت یزیـد، یـاغی هستی، و هم تیرهـایی که از کمـان پرتاب می کردنـد. بطوریکه یکی دو نفر از صـحابه که خودشـان را سپر قرار داده بودنـد، روی خـاک افتادنـد، یکی ازآنهـا «سـعید بن عبـداللّٰه حنفی»، نزدیـک جـان دادنش بود، آقا خودش را به بالین او رسانـد. عرض کرد: «یا اباعبـداللّٰه! اَ اُوفیتُ»آیا حق وفا را بجا آوردم؟ مثل اینکه هنوز هم فکر می کند که حق حسین آنقدر بزرگ و بالاست که این مقدار فداکاری هم شاید کافی نباشد. این بود نماز اباعبداللّٰه در صحرای کربلا.

امـام رضا علیه السـلام نیز در حال مناظره ای سـرنوشت ساز با یکی از پیروان ادیان پیشـین آن گاه که بحث به جایی حسّاس و تعیین کننده رسـیده بود، اصـرار مخاطب برای ادامه ی گفت گو و اظهار آماد گی برای پذیرش مکتب اسلام را، نادیده گرفته، با رسیدن وقت نماز، بی درنگ، بر خاسته و به سوی نماز شتافتند!(۱)

زمانی دیگر، وقتی به آن حضرت گفتند: صبر کنید، تا مأمومان برای نماز، گرد آیند.

۱- ۱ . عیون اخبار الرّضا .

امام ضمن توصیه به نماز اوّل وقت و در هر شرایطی که ممکن باشد، آن را به هنگام اقامه فرمودند.

هنگام اقامت حضرت امام رحمه الله در پاریس، حدود سیصد خبرنگار از سراسر جهان برای انجام مصاحبه درباره ی مسأله ی فرار شاه از ایران در منزل ایشان جمع شده بودند. هنوز بیش از چند پرسش مطرح نشده بود، که وقت نماز رسید. امام فوراً جایگاه خود را ترک کردند و به سوی نماز شتافتند: ایشان در پاسخ کسانی که اصرار داشتند: این برنامه ی مهم، بیشتر ادامه یابد، با عصبانیّت فرمودند که: به هیچ وجه نمی شود.(۱)

آن بزرگوار در سفرها، و در بیمارستان به رغم خستگی و بیماری، نماز اول وقت را ترک نمی کردند. روزی به دلیل استفاده از قرص خواب آور مطمئن نبودند هنگام اذان ظهر بیدار شوند. لذا از پزشکان خواستند ایشان را، نزدیکِ اذان، بیدار کنند؛ ولی آنان زمان استراحت امام را، به هم نزدند! امام اندکی پس از اذان، برخاستند؛ نخست، نماز را ادا، و سپس غذا را صَرف کردند.

حضرت موسی در مقام مناجات از خداوند پرسید: پاداش کسی که نماز را در وقت آن بخواند، چیست؟ خطاب آمد: «اَعْطَیْتُهُ سُؤلَه وَ اُبیحُهُ جَنَّتی؛ خواسته اش را، روا می دارم و بهشتم را بر او مباح می گردانم(۲).»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ما مِنْ عَبْدٍ اِهْتَمَّ بمواقیت الصّلاه و مواضع الشّمس الاّ ضمنت له الرّوح عند الموت و انقطاع الهموم و الاحزان و النّجاه من النّار؛(۳)

هر بنده ای به اوقات نماز اهمّیّت دهد، من ضمانت می کنم هنگام مرگ، آرامش یابد؛ اندوه ها از دلش رخت بندند و از آتش خلاص شود.»

ص:۱۱۹

۱- ۱ . سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله .

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص۲۰۴.

۳- ۳ . همان، ج ۸۳، ص۹.

تعقیبات نماز

جدایی از عزیزان و وداعِ یاران، جانکاه و طاقت فرساست. نماز، نور چشم پیامبر و پیروان اوست، چگونه می توان آسان با آن، وداع کرد؟!

تعقیبات نماز، نشانِ آن است که نمازگزار بر استمرار ارتباط معنوی خود با خداوند مهربان، اصرار دارد. دیدار او با نماز، عاشقانه و وداعش ناباورانه است.

نیایش هایی را پس از نمازها، با عنوان تعقیبات نماز در دو بخش « مشترک» و «ویژه» برای هر نماز، روایت کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: در سه زمان، مانعی برای رسیدن دعا [و اجابت آن] نیست؛ بعد از نماز واجب، هنگام نزول باران وآن گاه که معجزه یا امری خارقِ عادت دیده می شود.(۱)

امام رضا علیه السلام نیز از زبان پیامبر می فرماید: هر کس نماز واجبی را به جای آوَرَد، به دنبال آن، یک دعای مستجاب دارد.(۲)

در حدیث می خوانیم: «یَابْنَ ادَمْ اُذْکُرنی بَعْدَ الْغَداه ساعه وَ بَعْدَ الْعَصْرِ ساعه اَکْفِکَ ما اَهَمَّکَ:(۳) ای فرزند آدم! ساعتی بعد از نماز صبح و نیز ساعتی پس از نماز عصر، مرا یاد کن، تا آنچه را، مهم می شماری برایت فراهم آورم.»

یکی از یاران امام باقر علیه السلام از حضرتش پرسید: بعضی می گویند؛ خوابیدن بعد از اذان صبح تا طلوع خورشید مکروه است؛ زیرا پروردگار در آن ساعت، روزی بندگان را تقسیم می کند. حضرت فرمود: رزق ها از پیش، تقسیم شده، امّا خداوند متعال، فضلی دارد که آن هنگام، آن را ـ علاوه بر روزی ـ به آفریدگان عطا می کند؛ همان گونه که خود فرموده است: «وَاسْئَلوُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛(۴) از خداوند، از فضلش بخواهید.» سپس افزود: ذکر خدا بعد از

ص:۱۲۰

۱- ۱. امالی طوسی ، ج ۱، ص۲۸۷.

۲- ۲ . عیون اخبار الرّضا ، ج۲، ص۲۸.

۳- ۳ . امالی شیخ صدوق / ۱۹۳.

۴- ۴ . نساء / ۳۲.

نماز صبح، در کسب روزی و مال، مؤثرتر از تلاش و تجارت است.(۱)

در روایتی دیگر وعده داده شده: تا زمانی که نمازگزار در مُصَلّای خود بنشیند، مقام او نزد خداوند متعال بالا رَوَد و گناهانش محو و بر حسناتش افزوده شود.(۲)

درحدیث می خوانیم: وقتی مؤمنی نماز به جا می آورد، خداوند، گروهی از فرشتگان را مأمور می سازد، تا گرداگردش حلقه زنند، اما وقتی می بینند از خدا چیزی نمی خواهد، پراکنده می شوند.(۳)

اینک پاره ای از مهم ترین آداب و تعقیبات نماز را بر می شماریم:

۱. تکبیر

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکّه را فتح کردند و در خانه ی خدا، نماز ظهر را همراه یارانش کنار حجرالاسود به جا آوردند، با سه تکبیر نماز را به پایان بردند و آنگاه دعای وحدت را با اصحاب خود خواندند و به آنان فرمودند: این تکبیرها و دعا را پس از هیچ نمازی فراموش نکنید؛ زیرا نهایت سپاسی است که می توان به پاسِ تقویت لشکریان اسلام به جا آورد.(۴)

۲. تسبیح حضرت زهرا

تسبیحات حضرت زهرا، ادبی خاص است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخترش تعلیم فرمود؛ ابتدا ۳۴ «اللَّه اکبر» و سپس ۳۳ «الحمدللَّه» پس از آن ۳۳ «سبحان اللَّه». این تسبیح موجب آمرزش گناهان و دور ماندن از فقر و بیماری های روحی و جسمی می گردد.(۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ ذکری ارزشمندتر از این تسبیحات نیست؛ زیرا در این

۱- ۱ . تفسیر عیاشی ، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج۸۵، ص۳۲۳.

۳- ۳ . همان / ۱۸.

۴- ۴ . علل الشّرائع ، ج ۲، باب ۷۸.

۵- ۵ . بحارالانوار، ج ۸۵، ص۷.

صورت، پیامبر اکرم، آن را به دخترش تعلیم می فرمود.(۱)

در خبری دیگر، حضرتش به یکی از یاران خود فرمود:

«اِنّا نَأمُرُ صِبْیانَنا بِتَسْبیحِ فاطِمَه کَما نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلاه فَأَلْزِمْهُ فَاِنَّهُ لَمْ یَلْزَمْهُ عَبْدٌ فَشَقِی؛(۲)

ما همان سان که به نماز خواندن فرزندانمان توصیه داریم، آنان را به خواندن تسبیحات حضرت زهرا فرمان می دهیم. پس: بر انجام این تسبیحات تأکید داشته باش؛ تا دچار شقاوت نشوی.»

۳. نفرین و اعلان برائت از دشمنان اسلام

پیوند با خدا همواره با اعلان برائت از دشمنان او همراه است. دو تن از یاران امام صادق علیه السلام می گویند: ما خود شنیدیم که امام علیه السلام به دنبال هر یک از نمازهای واجب، چهار مرد و چهار زن را لعنت می فرمود.(۳) از این روایت فهمیده می شود را لعنت میفرفریدگانش عطا می کند؛ همان گونه که خود فرموده است: که برائت و لعن با صدای بلند صورت می پذیرفت. البتّه گفتنی است که لعن و نفرین باید بر دشمنان شناخته شده ی اسلام نثار گردد تا بر وحدت و صلابت مسلمانان بیفزاید.

۴. استغفار

خداوند متعال در قرآن کریم، وجود دو عنصر را مانع عذاب امّت معرّفی می کند و خطاب به پیامبرش می فرماید: تا تو در میان امّت هستی و تا زمان آن که آنان اهل استغفارند، عذاب بر آن ها نازل نمی گردد:

«وَ ما کانَ اللّه لِیُعذِبَهُمْ وَ اَنْتَ فیهِمْ وَ ماکانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ؛(۴)

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: اکنون «امان نخست» (پیامبر اکرم) را از دست

۱- ۱ . وسائل الشّیعه ، ج ۴، ص۱۰۲۴.
۲- ۲ . فروع کافی ، ج ۳، ص۳۴۲.
۳- ۳ . فروع کافی، ج ۳، ص۳۴۲ و تهذیب، ۲ج، ص۳۲۱.
۴- ۴ . انفال / ۳۳.

داده اید پس: امان دیگر را مغتنم شِمُرید و ازآن بهره گیرید.»(۱)

۵. سجده ی شُکر

امام رضا علیه السلام فرمود: سجده بعد از نماز واجب، سپاسی است در برابر توفیق انجام فریضه، و کمترین حدّ آن این است که ۳ بار بگویید: «شُکْرَاً لله».

علامه مجلسی رحمه الله ذیلِ این حدیث شریف می نگارد:

«فَإِنْ کانَ فی الصَّلاه تَقْصیر لَمْ یُتِّمَ بِالنّوافِل تَمَ بِهذِهِ السَّجْدَه؛(۲) اگر در نماز، اِشکالی باشد که با نماز نافله برطرف نشود، با سجده ی شکر، جبران می شود.»

درباره ی فضیلت و اهمّیّت سجده ی شُکر به همین مختصر، بسنده می کنیم.

آری، پس از انجام عبادت و سجده ی طاعت، گاهِ مناسبی برای طلب آمرزش گناه و استغفار از پروردگار است. در روایتی امام صادق علیه السلام پس از آموزش استغفار می فرماید: هر کس این استغفار را بعد از نماز بگوید، خداوند گناهان بزرگ او را می بخشد.(۳)

۶. تبرّک جُستن به سجده گاه

هنگام وداع در هر دیداری، پرونده ی ملاقات با «مصافحه» بسته می شود. در فرجام هر نماز نیز، نمازگزار نخست دست بر سجده گاه می کشد، سپس بر چهره و بدن، تا از هر گونه ضعف و بیماری، ایمن شود!(۴)

ص:۱۲۳

۱- ۱ . نهج البلاغه ، حکمت ۸۸.

۲- ۲ . بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۹۸.

۳- ۳. همان / ۵.

۴- ۴ . امالی طوسی، ج ۱، ص۱۶۷؛ بحارالانوار ، ج ۸۵، ص۲۰۶ و ۲۱۰.

آزمون

۱. گفتاری از تأکید حضرت علی علیه السلام بر نماز اوّل وقت بنویسید.

۲. چرا امام حسین علیه السلام در گرما گرم جنگ ظهر عاشورا، بر اقامه ی نماز اوّل وقت، اصرار داشتند و آن نماز را چگونه به جای آوردند؟

۳. امام رضا علیه السلام درکدام یک از صحنه های حسّاس، کار خود را ترک کرده، به سراغ نمازرفتند؟

۴. یک خاطره از امام خمینی رحمه الله درباره ی توجّه به نماز اوّل وقت ذکر کنید.

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی پاداش کسی که به نماز اوّل وقت مقیّد باشد چه فرمود؟

۶. به گفته ی امام صادق علیه السلام دعا در چه اوقاتی مستجاب است؟

۷. روایتی قدسی در زمینه ی فضیلت تعقیبات نمازذکر کنید و تفاوت بین حدیث قدسی و احادیث دیگر را بنویسید.

۸. چهار مورد ازآدابِ تعقیبات نماز را بنویسید.

۹. بر اساس سخن امام علی علیه السلام چه چیزهایی وسیله ی ایمنی از عذاب دوزخ است؟

۱۰. روایتی ازامام صادق علیه السلام در مورد فضیلت استغفار بعد ازنماز ذکر کنید.

درس یازدهم

نماز جماعت

ساختارِ فرهنگ اسـلامی بر اساس زدودن منیّت ها و رهایی انسان از تنهایی و حصار خود، بنا گردیـده است. هر یک از آموزه هـا و الزام هـای شـرعی به نحـوی، جـامعه را به سوی ضـمیمه شـدن تمـام انسـان هـا به یکـدیگر پیش می بَرَد. غـالب اذکـار و شعارهای نماز به این شـعور فرا می خواند و نیز به سـمت همین هدف، سایر تعالیم، همچون روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، تولّی و تبرّی و... جهت می گیرند.

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله چنین می فرماید: هر کس به اندازه ی یک وجب، راه خود را از مسـیر مسلمانان جدا کند و از آنان فاصـله بگیرد، رشته ی اسلام را از گردن خود باز کرده است.(۱) حضـرتش در گفتاری دیگر، چنین افرادی را در مقایسه با توده ی انسان ها به گوسفندی تشبیه می کند که از سایر گوسفندان جدا، و در دام گرگ ها اُفتد. انسان تک رو، اسیر ابلیس و طعمه ی او می شود.(۲)

لذا اسـلام به انسان توصـیه می کند برای سـفر و حَضَـر خود و در هر حرکت و سکون، از تنهایی و تک روی بپرهیزد. شاید به همین منظور و با در نظر گرفتن اهداف و آثار دیگر، او را به نماز جماعت فرا می خوانَد و آن را از هر عبادتی فراتر می داند.

در روایتی چنین آمده است: «امیرمؤمنان علیه السلام شبی تا صبح مشغول عبادت بود. وقت اذان صبح، نماز خود را به صورت فُرادی خواند و خوابید. چون پیامبر اکرم حضرت را در صف

۱- ۱. سفینه البحار ، ج۱، ص۱۷۶.

۲- ۲. کنزالعمّال، ج۱، ص ۲۰۶.

نمازگزاران ندید، روانه ی خانه اش گردید و احوالش را از حضرت زهرا پرسید. وقتی پیامبر، ماجرا را شنید، فرمود: آنچه بخاطر ترک جماعت صبح از دست علی رفته، بیش از چیزی است که از شب زنده داری و عبادت در تمام شب، به دست آورده است.

در این هنگام علی علیه السلام از گفت و گوی پیامبر و فاطمه بیدار شد. رسول خدا به حضرتش فرمود:

«یا علی اِنَّ مَنْ صَلَّی الصَّلاه فی جَماعَه اَفْضَل مِنْ قِیامِ لَیْلَه کُلِّهِ؛(۱) کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت بگذرانَد.»

و در گفتاری دیگر فرمود: اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از ۱۰ نفر فراتر رَوَد، پاداش هر رکعت آن چنان افزون می شود، که حتّی اگر تمام آسمان ها کاغذ، تمام دریاها مُرَکّب و همه ی درختان قَلَم گردند و تمام فرشتگان، مأمورِ نوشتن پاداش آن، نمی توان ثواب آن را ثبت کرد؛ که این کار، فقط در خور محاسبه ی ذات بیکران الهی است.(۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«صَلاه الرَّجُلِ فی جَماعَه خیرٌ مِنْ صَلاتِهِ فی بَیْتِهِ اَرْبَعینَ سَنَه؛(۳) یک نمازِ جماعت، بهتر است از چهل سال نماز در خانه.»

و باز فرمود: هر کس همواره و در هر شرایطی به نماز جماعت برود، از پل صراط همچون برق بگذرد و به بهشت نایل شود.(۴)

مَردی نابینا از حضرتش پرسید: من توانِ پیمودن مسیر بین منزل تا مسجد را ندارم؛ و راهنما و مددکاری هم ندارم! پاسخ شنید: طنابی از مسجد تا منزلت بکش و به وسیله ی آن، راه را پیدا کن امّا هرگز نماز جماعت را ترک نکن.(۵)

۱- ۱ . سفینه البحار، ج۱، ص۱۷۶؛ بحارالانوار ، ج ۸۸ ص ۱۷و ۴۰.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج۸۸، ص۱۴.

۳- ۳ . مستدرک الوسائل ، ج ۶، ص۴۴۵.

۴- ۴ . ثواب الاعمال و عِقاب الاعمال / ۳۲۳.

۵- ۵ . بحارالانوار، ج ۸۸، ص۷.

آثار و برکات نماز جماعت

۱. عَرضه ی اسلام به جامعه: دعوت به یک اعتقاد و یک روش، گونه هایی مختلف دارد. امروزه با راه یافتن شیوه های جدید در تبلیغات، اثرِ ارائه ی نمونه در معرض دید همگان یا نصب ماکت و تصویر در جذب افراد، بر کسی پوشیده نیست. نماز، ماکت اسلام و اعتقاد مجسّم دینی است و عرضه ی آشکار آن – به فرموده ی امام رضا علیه السلام – حجّت را بر بسیاری افراد تمام می کند، تا نتوانند از اسلام اظهار بی اطلاعی کنند.(۱)

۲. توفیق اجباری: در میان مسلمانان و کسانی که به زبان، اسلام را پذیرفته اند، افرادی وجود دارند که در عمل، توجهی به لوازم ایمان خود ندارند! برپائی نماز جماعت و شرکت در آن، این گروه را وامی دارد نماز خود را همراه جمع به جا آورند و اگر در انجام نماز، یا به جا آوردن آن در اوّل وقت، سست هستند، زمینه ی این توفیق برای شان فراهم گردد.

۳. آشنایی مسلمانان با یکدیگر: با کندوکاو در برنامه ها و میتینگ هایی که به منظور آشنا کردن افراد یک جامعه با یکدیگر صورت می گیرد،می توان دریافت که برنامه ی نماز سالم ترین، پرمعناترین، پربرکت ترین، عاطفی‌ترین، پربهاترین و کم‌خرج ترین میتینگ ها است.

مسلمانان در قالب این برنامه ی دینی و عبادت گروهی، یکدیگر را می شناسند، تا بتوانند هنگام گرفتاری و نیاز، یار هم باشند و در هرگونه داوری، قبول شهادت و استفسار، دوستان مسجدی و برادران دینی خود را تأیید کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نمازهای خود را به جماعت می خواند، به او خوش بین باشید و شهادت او را درباره ی دیگران بپذیرید.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: اگر درباره کسی که اهل جماعت و مسجد نیست، از شما سؤال کردند، بگویید: من او را نمی شناسم(۳)

ص:۱۲۷

۱- ۱ . وسائل الشّیعه ، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲- ۲ . بحارالانوار، ج ۸۸، ص۸.

۳- ۳ . همان / ۵.

۴. ایجاد فضای معروف در جامعه: صدای مؤذّن و برپایی صفوف جماعت، عطر معنویّت و تقوا را در جامعه منتشر می سازد و به عبارتی دیگر: نمازجماعت، تجسّم عملی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به طرفداران توحید، قوت و تحرّک و امید می بخشد و طالبانِ منکر را منزوی و مأیوس می نماید.(۱) حرکت فشرده ی مؤمنان به سوی مساجد و تعطیلی همه ی مشاغل، جز اشتغال به خدا و انجام فرمان او، فضای جامعه را تغییر می دهد. زیبایی این تقیّد و تعهّد حتّی قلب های تاریک و ناآشنا را به خود مشغول و مشعوف، و کفّه ی دین باوران را در مقایسه با دنیا طلبان، وزین می کند.

۵. رعب و وحشت دشمنان: امروزه مانور نیرو و امکانات از جمله تاکتیک ها و برنامه های بودجه بری است که قدرت ها، برای نمایش موجودیّت خود در برابر دیگران در موقعیّت های مختلف انجام می دهند. نماز جماعت مسلمانان، یک مانور نیرویی سالم و آرامی است که بدون صرف بودجه، هر روزه انجام می گیرد. صفوف متّحد نمازگزاران در هر کوچه و محلّه و میدان، مانوری است که دشمن را از فکر صدمه زدن و توطئه بر ضدِّ مسلمانان منصرف می سازد.

آری، نماز جماعت، اعلام موجودیّت و حضور در برابر کافران است؛ لذا وقتی خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان داد آیین خود را آشکار سازد، برپایی نماز جماعت، با حضور امیر مؤمنان علیه السلام و جعفربن ابی طالب، جزء نخستین اقدام های آن بزرگوار بود.(۲)

۶. حفظ اعتبارات اجتماعی: یکی از آثار شرکت در نماز جماعت، تثبیت جایگاه و موقعیت افراد در جامعه اسلامی است. چنانکه اگر کسی از جماعت مسلمانان روی بگرداند و به آنان بی اعتنایی کند، آنان نیز حق دارند از او فاصله بگیرند و حتی در صورت لزوم با او قطع رابطه کنند.

۱- ۱ . این اثر در صورتی متجلّی است، که نماز جماعت با حضور همه ی قشرها در جامعه بر پا گردد و اگر صرفا با حضور چند تَن، به شکل محدود و... برگزار شود، بالتّبع، آثار مزبور در آن، تحقّق نمی یابد..
۲- ۲ . وسائل الشّیعه ، ج ۵، ص۳۶۳.

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از جماعت مسـلمانان روی گردانـد، از عـدالت ساقط می شود و می توان با او قطع رابطه نمود.(۱)

آداب نماز جماعت

برخی مقرّرات و احکام در نماز جماعت باید مورد توجه قرار گیرد، که فشرده ای از آن ها را، ذیلاً یادآوری می شَویم:

۱. برادران اهل سنّت تأکیدی شایسته بر تنظیم صـفوف نماز جماعت دارند، که این تقیّد در صـفوف جماعت تشیّع نیز بایسته است؛ چرا که سنّت و سیرت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله چنین بود و شـخصاً به این مسأله اهتمام می ورزیـد. در جایی نیز فرمودند: «صفوف نماز را منظّم کنید؛ زیرا عامل تمامیّت و کمال نماز(۲) و موجب درود و سلام و تحسین ملایک است.»(۳)

گفتنی است صف های جلو از ثواب و امتیاز بیشتری برخوردارنـد، به طوری که پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: اگر می دانستند فضیلت صف اوّل چقدر است، برای حضور در آن، قرعه می کشیدند، و همه خواهانِ صف اوّل بودند.(۴) اما متأسفانه معمولاً نمازگزاران صف های وسط یا آخر را ترجیـح می دهنـد که این باور غلط باید تصـحیح شود. در هر حال باید صـفوف جماعت پیوسته باشد و بین نمازگزاران فاصله ای نباشد.

۲. امام جماعت باید شرایطی از قبیل عدالت و صحّت قرائت حمد و سوره را دارا باشد. ولی تفحّص فراوان در این موارد لازم نیست و حکم به ظـاهر یا اتّکا به گواهی شـهود، کفایت می کنـد. در روایات، به معیار هایی همچون: فهم، فضـیلت، برتری در مقایسه با دیگران، حفظ قرآن، علم، تقوا، رعایت احترام بزرگ ترها خصوصاً والدین، تبعیّت از رهبری حق و دوری از افراط و تفریط اشاره شده است.

۱- ۱ . همان / ۳۹۴.

۲- ۲ . همان.

۳- ۳ . بحار الانوار ، ج ۸۸، ص ۲۰.

۴- ۴ . دعائم الاسلام ، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. زنان، به فتوای برخی مراجع، در صورت احراز شرایط می تواننـد امامت جماعت زنان دیگر شوند و در سـمت امام یا مأموم باید نکاتی را که در حفظ و صیانت آنان از نامحرم مؤثّر است رعایت کنند؛ زیرا از آداب وضو تا انجام سجده، قرائت یا سایر آداب و احکام، نکات و تفاوت هایی بین زن و مرد منظور شده، که دقت قانونگذار را در حفظ عفّت زنان، آشکار می سازد.

۴. مساجد باید آراسته، زیبا و دلپذیر باشند و افراد نیز این نظم و آراستگی را رعایت، و خود را برای نماز، تزیین و معطّر کنند. نه آن که بوی نامطبوع پای آنان، یا گرد و غبارِ غربت مسجد، موجب دل زدگی و گریز افراد از آن شود.

۵. امام جماعت باید از طولانی کردن نماز بپرهیزد و آن را متناسب با توان ضعیف ترین مأمومان تنظیم کند.

در بـاره پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله چنین آمـده است که «کانَ مِنْ اَتَمّ النّاس صَـلاه وَ اَخَفِّهِمْ؛(۱) کامـل ترین نمازها و در عین حال کوتاه ترین آن ها را به جا می آورد.»

۶. متولّیـان امور مساجـد بایـد افرادی خوش اخلاـق، بـا جاذبه و مؤدّب باشـند، تا خاطره هایی زیبا در ذهن نمازگزاران، نقش بندد. مسجد باید کانون محبّت باشد و آنچه موجب اندوه می گردد، از مسجد حذف شود.

۷. امام، درحدّ امکان باید قرائت نماز را در نمازهای جهرّیه، به گونه ای بخواند، که صدای قرائت او به گوش مأمومین برسد، ولی آنان نباید اذکار رکوع و سجده را به شکلی بگویند، که امام بشنود.(۲)

۸. مسـتحب است امام، وقتی متوجّه می شود کسی قصد اقتدا به او را در رکوع دارد، رکوعش را طولانی تر کند. همچنین بعد از نماز، قبل از مأمومین مصّلای خود را جز در موارد ضروری، ترک نگوید.(۳)

۱- ۱ . من لا یحضره الفقیه ، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- ۲ . وسائل الشّیعه ، ۵ج، ص ۴۵۱.

۳- ۳ . همان.

۹. مأموم می توانـد قبـل از اتمـام رکوع امام به او اقتـدا کنـد و آن رکعت، حساب می شود. در رکعت هایی که امام، حمـد و سوره را قرائت می کند، مأموم باید ضمن سکوت کامل به حمد و سوره ی او گوش دهد.

۱۰. در صورتی که امام، از ادامه ی نماز معـذور شد، یکی از مأمومین واجد شـرایط می تواند ادامه ی جماعت را بر عهده می گیرد.

نماز جمعه

چشـمه هـای بی شـمار فیض و عبودیّت (نمازهـای جمـاعت) هفته ای یـک بار به اقیانوس بیکران انسان های مؤمن تبـدیل می گردد و در این مجمع بزرگ، مؤمنان دین باور و تعهـد شـناس با قلوبی آکنـده از تقوی و توجّه به خـدا، به اقامه ی نماز جمعه می پردازند.

نماز جمعه دو رکعت است که حتماً بایـد به صورت جماعت خوانـده شود و قبل از نماز، امام جماعت به عنوان خطیب جمعه، دو خطبه ایراد می کنـد، که در آن، علاوه بر توصـیه به پرهیزکـاری و نیکوکاری، به وارسـیِ مسایل سیاسـی ـ فرهنگی جهان اسلام می پردازد.

وقت نماز جمعه از زوال ظهر تا یک ساعت پس از اذان ظهر است و حدّاقل افرادی که می توانند به نماز جمعه رسمیّت دهند، پنج نفر هستند.(۱)

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نماز جمعه را حـجّ مساکین(۲)، موجب آمرزش گناهان(۳) و این اجتماع عظیم را سـرزنش و توبیخی مجسّم برای منافقان معرّفی کرده است.(۴)

هر کس این فریضه ی بزرگ را، سه هفته بدون عذر ترک کند، خداوند مُهرِ نفاق را بر قلب او خواهد زد.(۵)

۱- ۱ . خصال، ج ۱، ص۱۳۹.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج ۸۹، ص۱۹۹.

۳- ۳ . وسائل الشّیعه ، ج۵، ص۳.

۴- ۴ . بحارالانوار، ج۸۹، ص۱۳۸.

۵- ۵ . وسائل الشّیعه ، ج ۵، ص۶.

اسلام، همه ی قشرها را به شرکت در نماز جمعه دعوت کرده است. امام علی علیه السلام زندانیان را با مراقبت، یا تحت ضمانت خانواده هایشان در نماز جمعه شرکت می دادند.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: مسافری که با اشتیاق و ایمان به نماز جمعه روی آوَرَد، پاداش می بَرَد.(۲)

در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن نفرین تارکان نماز جمعه چنین فرمود:

«فَمَنْ تَرَکَها فی حَیاتی اَوْ بَعْدَ مَوتی اِسْتِخْفافاً اَوْ جُحُوداً لَها فَلا جَمَعَ اللّه شَمْلَه وَ لا بارَکَ فی اَمْرِهِ اَلا وَ لا صَلاه لَهُ، اَلا وَ لا زَکوه لَهُ، اَلا وَ لا حَجَّ لَهُ، اَلا وَ لا صَوْمَ لَهُ، اَلا وَ لا بِرَّ لَهُ حَتَّی یَتُوبَ؛(۳)

هر کس نماز جمعه را در زمان حیات من، یا پس از مرگم از روی استخفاف و انکار ترک کند! خدا، پراکندگی را از زندگی او نزداید و برکت را در کارش قرار ندهد، و بدانید نماز و زکاتش پذیرفته نخواهد بود؛ روزه ای نخواهد داشت و کار نیکی برای او نیست، مگر آن که توبه کند.»

حضور مسؤولان و کارگزاران کشور در نماز جمعه الزامی است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «بر هفت گروه واجب است در نماز جمعه شرکت کنند؛ که از جمله به حضور حاکم اسلامی، قُضات و کارگزاران اشاره کرده اند.(۴)

امام جمعه، همچون حاکم و قاضی توسّط رهبر جامعه ی اسلامی به این سِمَت منصوب می گردد؛ همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله این مهم را شخصاً انجام می دادند.(۵)

در رواياتی فراوان تأکید گردیده: آن گاه که امام به خطبه می ایستد، بر مأمومین لازم است سکوت را رعایت کنند و حالت نمازگزار داشته باشند.(۶)

امام جمعه نیز باید با ظاهری آراسته و خوشبو در جایگاه نماز، حاضر گردد.(۷)

۱- ۱ . مستدرک الوسائل ، ج ۶، ص۲۷.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج ۸۹، ص۱۶۶.

۳- ۳ . وسائل الشّیعه، ج ۷، ص۳۰۲.

۴- ۴ . همان /۱۷۶.

۵- ۵ . بحارالانوار، ج۸۹، ص۲۴۴.

۶- ۶ . همان / ۲۵۶.

۷- ۷ . همان / ۲۵۷.

آزمون

۱. جدایی از جماعت مسلمانان در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به چه چیز تشبیه شده است؟

۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله ثواب نماز جماعت صبح را چگونه بیان فرمودند؟

۳. روایتی ذکر کنید که بر حسب آن یک نماز جماعت ثواب سال ها نماز در خانه را دارد؟

۴. نماز جماعت دارای چه آثار و برکاتی است؟

۵. نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره ی تنظیم صفوف جماعت بیان کنید.

۶. روایتی را از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در فضیلت صف اوّل جماعت ذکر کنید؟

۷. شرایط امامت جماعت و معیار های اولویّت آن چیست؟

۸. امام جماعت چه آدابی را باید در نماز رعایت کند؟

۹. چه شرایطی در فضای مسجد و متولّیان امور آن باید رعایت گردد؟

۱۰. به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی ترک کنندگان نماز جمعه اشاره کنید. متن روایت و ترجمه ذکر شود.

ص:۱۳۳

درس دوازدهم

نمازهای غیر یومیّه

نماز شب

کسانی که انس بیشتر و محفل صمیمی تری را می طلبند، ملاقات ویژه ای برای آنان در ساعاتی خلوت تنظیم گردیده، تا فارغ از هر شغل و شاغلی به بارگاه یار، ره یابند و در دامان وصال او بستر گیرند و همنشین اش گردند. نماز شب، وقت ملاقات عاشقان قرب به خدا، در نزدیک ترین تماس معنوی و روحانی است. اگر فرایض روزانه، تجسّم اطاعت و عبادت خدا، نام گیرند، نماز شب را می توان نمایش محبت و عشق به خدا تفسیر کرد.

قرآن کریم در ستایش این شب ستیزان چنین می گوید: «آنان ــ به هنگام نیمه شب ــ پهلوهاشان از بستر کنده می شود و خدای را با ترس و امید می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند و هیچ کس نمی داند چه پاداش های ارزشمندی برای شان ذخیره شده است.»(۱)

در حدیثی می خوانیم:

«کَذِبَ مَنْ زَعَمَ اَنَّهُ یُحِبّنی فَاِذا جَنَّهُ اللَّیلُ نامَ عَنّی، اَلَیْسَ کُلّ مُحِبٍ یُحِبُ خَلْوَه حَبیبِه؛(۲) دروغ می گوید هر که می پندارد مرا دوست دارد و شباهنگام ــ آرام ــ سر بر بستر می گذارد! آیا هر محبّی دوست ندارد همنشینِ خلوت محبوبش باشد؟»

۱- ۱ . سجده / ۱۶.

۲- ۲ . وافی، ج ۲، ص۲۲.

آری، این خلوت نشینی، توفیقی است که به هر کس عطا نکننـد. تا مَحرم نباشد و از گناه پرهیز نکند، به چنین حریمی مقدّس و پـاک، ره نمی بَرَد، و لـذّت ایـن گفـت گـو را در نمی یابـد. ناپـاکی، انسـان را از این کامیـابی بـاز می دارد. مردی خـدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: از نماز شب محروم شده ام! حضرت فرمود: گناهان، تو را در بند کشیده اند.(۱)

در سخن دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: گاه، دروغی، سبب محروم ماندن از نماز شب برای اهلش می شود.(۲)

نماز شب، آثاری فراوان بر شخصیّت، چهره و زندگی نیایشگر باقی می گذارد. امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب چهره را نورانی، نَفَس انسان را معطّر(۳) و رزق را فراوان می گرداند.(۴)

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: هر بنـده ای، به هنگـام شب از روی اخلاص وضو بگیرد و با نیّت پاک و قلب سـلیم و بدن خاشع و چشم گریان، پروردگار را بخواند، خداوند نه صف از فرشـتگان بی شـمار را پشت سر او قرار می دهد و به تعداد آن ها درجات معنوی اش را بالا می برد.(۵)

در حـدیث نبوی می خوانیم: «خداونـد به ملایک می گویـد: بنگریـد چگونه در شب تاریک به سـراغ من آمده، در حالی که خوش گذرانان سرگرم عشرتند و غافلان، خفته. شاهد باشید که گناهانش را بخشیدم.»(۶)

امام صادق علیه السـلام محرومان از سَحَرخیزی و تهجّد را افرادی مغبون در زنـدگی معرّفی می فرمایند.(۷) آری! درک این غبن و تشخیص این خسارت، تنها برای کسی ممکن است

۱- ۱ . بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶.

۲- ۲ . همان / ۱۴۶.

۳- ۳ . علّامه مجلسی رحمه الله می گوید: معطّر شدن، کنایه از خوش خویی آدمی و اقبالِ جامعه است.

۴- ۴ . بحارالانوار، ج ۸۷، ص۱۴۹.

۵- ۵ . امالی شیخ مفید ، ۴۲.

۶- ۶ . بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۷.

۷- ۷ . همان/ ۱۴۶.

که دل و جانی آشنا با حلاوت عبادت داشته باشد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ امام خمینی رحمه الله شخصیّتی بود که در طول دوران جوانی، و تا پایان عمر، در سفر و حَضَر به اقامه ی نماز و نافله ی شب، عشق می ورزید. از زبان فرزندش می خوانیم: «روزی در خانه حالت تأثّر و زاری شدیدی از پدرم ملاحظه کردم که برایم بی سابقه بود. از این که علّت را از ایشان بپرسم، شرم داشتم. لذا از مادر پرسیدم. ایشان پاسخ داد: دیشب نماز شب پدرت قضا شد؛ به همین دلیل ناراحت و متأثّر هستند.(۱)

امام علی علیه السلام در حال مناجات چنین عرض می کند:

«اِلهی مَنْ ذَا الَّذی ذاقَ حَلاوَه مَحَبَّتِکَ فَرامَ مِنْکَ بَدَلا؛(۲) آن کس که شیرینی اُنس با تو را چشیده باشد، مُحال است آن را با چیز دیگر، سودا کند.»

آری! این باور است که امیر مؤمنان علیه السلام را نیمه های شب به نخلستان های کوفه می کشانَد و این زمزمه ی عاشقانه را بین عبد و مولا ـ در آسمان کوفه طنین می افکند: «اِلهی صَبَرْتُ عَلی عَذابِکَ فَکَیْفَ اَصْبِرُ عَلی فِراقِکَ». چشیدن طعم این نجواست، که فرزندش امام حسین علیه السلام را وا می دارد از سپاه کفر، تنها یک چیز تمنّا کند! مجالی دیگر برای عشقبازی، و نَه عشق بازی! که عشق، بازی نیست. شبی برای عبادت و راز و نیاز، سوز و گداز، در بارگاه یگانه محبوبِ بی نیاز.

استاد مطهری رحمه الله می نگارد:

«در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد، طبق دستور عبیداللّه بن زیاد حمله کردند. شبانه می خواستنند با حسین بجنگند. حسین علیه السلام به وسیله ی برادرش ابوالفضل العبّاس از آن ها می خواهد فقط شبی دیگر را مهلت دهند. می گوید: »برادر جان! به آنان بگو: همین امشب را به ما مهلت بدهند؛ من فردا می جنگم. من اهل تسلیم نیستم، می جنگم«.... بعد برای این که گمان نکنند حسین علیه السلام می خواهد دفع الوقت بکند، این جمله را گفت: » برادر! خدا خودش می داند

۱- ۱ . سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی رحمه الله .

۲- ۲ . مفاتیح الجنان، مناجات خمسه عشر، مناجات المحبّین.

من مناجات با او را دوست دارم. می خواهم شب آخر عمرم را شب توبه و استغفار قرار بدهم.» آن شب عاشورا اگر بدانید چه شبی بود، معراج بود، یک دنیا شادی و بهجت و مسرّت حکمفرما بود.»(۱)

در این جا خاطره ای دیگر از درک لـذّت و حلاوت عبادت و مناجات نیمه شب مولا امیرمؤمنان علیه السلام را از زبان استاد مطّهری می خوانیم:

«عَدِی بن حاتم» نزدِ معاویه آمد، در حالی که سال ها از شهادت مولا گذشته بود. معاویه می دانست عدی یکی از یاران قدیم مولاست. خواست کاری بکند که این دوست دیرین بلکه یک کلمه بر ضدّ حضرتش سخن بگوید. گفت: «عدی! اَیْنَ الطّرفات؟» پسرانت چه شدند؟ [عدی سه پسر داشت: طریف، طرفه و طارف]، که هنگام جوانی در رکاب حضرت در جنگ صفّین کشته شده بودند. [معاویه] می خواست عدی را به خشم آوَرَد، تا از مولا اظهار ناخشنودی کند] عدی گفت: در رکاب مولایشان علی با تو که زیر پرچم کفر بودی، جنگیدند و کشته شدند. گفت: عدی! علی در باره ی تو انصاف نداد! پرسید: چه طور؟ گفت: پسران خودش را نگاه داشت و پسران تو را به کشتن داد! عدی گفت: معاویه! من درباره ی علی انصاف ندادم؛ نمی بایست علی امروز در زیر خروارها خاک باشد و من زنده باشم! ای کاش مرده بودم و او زنده می ماند.

معاویه دید تیرش کارگر نیست. گفت: عدی! الان دیگر کار از این حرف ها گذشته است. دلم می خواهد چون تو زیاد با علی بودی، قدری کارهایش را برایم وصف بکنی، که چه می کرد. گفت: معاویه! مرا معذور بدار. گفت: نَه! حتماً باید بگویی. شروع کرد به صحبت کردن در باره ی علی. گفت: معاویه! می خواهم منظره ای را که با چشم خودم دیدم، برایت بگویم. در یکی از شب ها دیدم علی در محراب عبادت، مستغرقِ خدای خودش است و محاسنش را به دست مبارک گرفته، می گوید: آه، آه، از این دنیا و آتش های آن! می گفت: «یا دُنیا غُرّی غَیْری...»

۱- ۱ . گفتارهای معنوی، ۱۲۵.

عدی، آن چنان علی را وصف کرد، که دل سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت؛ به طوری که با آستینش اشک های صورتش را پاک می کرد. آن وقت گفت: دنیا، عقیم است که مانند علی بزاید!

وَ مَناقِب شَهِدَ العَدُو بِفَضْلِها وَالفَضْلُ ما شَهِدُتْ بِهِ الْاَعْداء

علی، مردی است که دشمنانش در باره ی فضیلت او گواهی می دادند.»(۱)

فرزندان آزاده ی امام هنگام اسارت در زندان حزب بعث، حقّانیّت این ادّعا و عینیّت آن را در عصر حاضر به امضای تاریخ رساندند. آنان در حالی که به جُرم سَحَرخیزی، ده ها و صدها شلاق و شکنجه ی روحی و جسمی را تحمّل می کردند، لحظه ای اُنس با خدا و اقامه ی نماز را رها نکردند. خاطراتی تکان دهنده از آنان خوانده ایم، و می خوانیم:

«در یکی از شب ها، یکی از بچّه ها در اتاق خودمان، مشغول خواندن نماز شب بود، ز بچّه ها در اتاق خودمان که نگهبان عراقی سر رسید و او را دید. فردای همان شب _ که صبح سردی بود _ عدّه ای از عراقی ها با کابْل به جان او افتادند و آن قدر کتکش زدند، که خودشان خسته شدند. با وجود این او در شب های دیگر هم، نمازش را ادامه داد.»(۲)

در خاطره ای دیگر چنین می خوانیم:

«یک شب به نگهبان خودی که مراقب عزیزان آزاده و دربند بود، سفارش کردم مرا برای نماز شب بیدار کند. وقتی نیمه شب مرا برای گفت گو با معبود بیدار کرد، متوجّه شدم بیش از نَوَد درصد بچّه ها مشغول خواندن نماز شب هستند. با ملاحظه ی این صحنه، از خودم خجالت کشیدم. این در حالی بود که اگر نگهبان عراقی متوجّه می شد و نام نمازگزار در فهرست اسیرانِ متخلّف ثبت می شد، فردای آن شب، غرامت و مجازات این سَحَرخیزی را می بایـد از طریق تحمّل ضربه های کابل، شلنگ آب و گاهی میله ی مفتول آهنی بپذیرد و گاهی تمام افراد یک آسایشگاه به این پذیرایی! دعوت می شدند.» (۳)

۱- ۱ . اسلام و مقتضیات زمان ، ۲۹۸.

۲- ۲ . نماز در اسارت، ۱۰۳؛ با اندکی تصرّف ؛ خاطره از : رمضانعلی خُرسندی.

۳- ۳ . همان / ۹۹. با اندکی تصرف ؛ خاطره از : شهریار رحمانی.

نماز عید

بر خلاف جشن ها و شادی های معمول و مرسوم که غالباً آمیخته با انواع هوسرانی ها و غفلت هاست، عید اسلامی با مراسم نماز، دعا، انفاق و غسل برگزار می گردد. اصولاًـ در فرهنگ اسلامی، روزی که در آن، طاعت و عبادت و بروزِ امتیازهای اخلاقی و منش های انسانی باشد، عید است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «کُلُّ یَوْمٍ لایُعْصَی اللّه فیهِ فَهُوَ یَوْمُ عیدٍ»(۱)

در روزهای عید فطر و عید قربان، مسلمانان، شادی را با نماز آغاز می نمایند. این نماز دو رکعت است که در رکعت اوّل بعد از قرائت، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت خوانده می شود.

این نماز، به جماعت برگزار می گردد؛ قنوت آن دعایی ویژه دارد و بندگان از پروردگار می خواهند هر خیری را که خدا برای پیامبر و خاندانش مقرّر فرموده، برای آنان نیز تقدیر کند و از هر شرّی که آن بزرگواران را مصون داشته، آن ها را ایمن دارد.

قبل و بعد این نماز، تکبیرهایی گفته می شود و پایان آن، شکرگزاری از توفیق خداوند در انجام عبادات و طاعاتِ ماه مبارک رمضان، یا ایّام دهه ی مبارک ذی الحجّه است.

نماز آیات

انسان، با همه ی شرافت و کرامتش، دچار ضعف هایی از قبیلِ نسیان و غفلت است. لذا مربّی اصلی خلقت برای نجات او از خطرها، از هر فرصتی بهره گرفته است، هنگام بروز حوادث ارضی و سماوی همانند زلزله و خسوف و کسوف او را به نماز فرامی خواند.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «همانا برای ماه گرفتگی، نمازی بر انسان واجب است؛ زیرا خسوف یکی از آیات الهی است که نمی دانیم نشانه ی رحمت است، یا عذاب؟ در چنین هنگامی پیامبر، امّت را به سوی خدا بسیج می کند، تا آنان را از آفات این حوادث، دور

۱- ۱ . نهج البلاغه ، حکمت ۴۲۸.

دارد. همـان گونه که قوم حضـرت یونس وقتی به دنبـال مشاهـده ی نشانه های عـذاب به خداونـد التجا کردنـد، خـدای متعال عذاب را از آنان دور گردانید.»(۱)

با آن که زلزله، خسوف و کسوف از یک نوع قهر و غضب حکایت دارد، امّا اسـلام با هر نوع تفسـیر خرافی درباره ی آن ها مبـارزه کرده است. در زمـان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله حادثه در گـذشتِ ابراهیم فرزنـد هجـده ماهه ی آن حضـرت، با حادثه گرفتگی خورشید هم زمان شـد، مردم این دو حادثه را به هم ربط داده و گفتنـد: از شدت و عظمت این مصـیبت که بر پیامبر وارد شد، خورشـید گرفت! پیامبر ضـمن ایراد خطابه ای روشنگرانه به مردم چنین فرمود: «خورشید و ماه دو آیه از آیات خداونـدی هسـتند، که به امر او جـاری می شونـد و به مرگ و زنـدگی کسـی مربوط نمی شونـد. در چنین موقعی به نماز پناه ببرید و آن را به جا آورید. سپس خود با مردم نماز آیات به جای آوردند.(۲)

این نمـاز، دو رکعت است و هر رکعت، پنـج رکوع دارد، که به دنبال قرائت قسـمتی از سوره انجام می شود. به دنبال بروز هر یـک از حوادث یـاد شـده در یـک منطقه، واجب است تمـام مکلّفان فوراً این نماز را اَدا کرده، در صورت تأخیر، قضای آن را انجام دهند.

نماز میّت

فرصتی دیگر که می تواند پندآموز و عبرت آفرین باشد، موقعیّت رویارویی با مرگ، هنگام ختم پرونده ی زندگی انسان ها و کوتـاه شـدن دست آنـان از صـحنه ی عمل و تلاش در دنیاست. آن گاه که گروهی از مؤمنان، جنازه ی مسـلمانی را فرا روی خود می نهنـد و بر او نمـاز میّت می خواننـد، یکی از پربـارترین و زیبـاترین برنامه های آموزش سـمعی و بصـری و تـذّکر غیر مسـتقیم به انسـان هاست. چگونه می توان محسوس تر از این صـحنه، این باور را برای انسان ها، بُرهانی ساخت، که مرگ حق است؟ آنان نیز پس از گذر از دوره ای نَه چندان طولانی که امکانِ دارد هر آن پایان پذیرد، چنین شرایطی را در پیش خواهند

۱- ۱ . من لا یحضره الفقیه ، ج۱، ص ۳۴۲.

۲- ۲ . وسائل الشّیعه، ج ۵، ص۱۴۳.

داشت! کلاسِ تشییع، نماز و خاک سپاریِ میّت، آموزنده ترین کلاس معارف عینی و واقعی است. در این کلاس، مسلمانان بی اعتباری دنیا، اغتنامِ فرصت ها، حسِّ تعاون و نوع دوستی، گریز از غفلت و.... را مرور می کنند.

در این نماز پنج تکبیر گفته می شود که پس از تکبیر اوّل به وحدانیّت خدا و نبّوت پیامبر، شهادت می دهیم و پس از تکبیر دوم بر پیامبر و آلش درود می فرستیم و پس از تکبیر سوم برای اهل ایمان مغفرت می طلبیم، و پس از تکبیر چهارم بر پیامبر و آلش درود می فرستیم و با تکبیر پنجم، نماز پایان می پذیرد.

خواندن این نماز، قبل از دفن و پس از غسل و کفن هر میّت، واجب کفایی(۱) است. اگر این نماز را بر میّت نخوانند، باید پس از دفن بر قبرش بخوانند.

هنگام انجام این مراسم، همه ی شرکت کنندگان باید سکون، آرامش و سکوت را حفظ کنند و به حدیث نَفْس و موعظه ی خویشتن مشغول باشند. به فرموده ی امام صادق علیه السلام باید خود را جای میّت ببینند، که موقتاً مهلتی به آن ها داده شده تا به دنیا باز گردند و تکالیف از یاد رفته ی خویش را به جای آورند.(۲)

امیر مؤمنان علیه السلام در تشییع جنازه ای، فردی را در حال خندیدن دید! حضرت فرمودند: گویا مرگ برای غیر ماست و این میّت به سفر کوتاهی می رود و به زودی به سوی ما باز خواهد گشت؟! و ما، در دنیا جاودانه ایم؟! ما پند و اندرزهایی که باید از این صحنه بیاموزیم، از یاد برده ایم.(۳)

نمازِ باران

نافرمانی و طغیان در برابر مالک آسمان ها و زمین موجب محرومیّت از برکات ارضی و

۱- ۱ . واجب کفایی، آن است که بر همه واجب است، ولی با انجام آن توسّط یک نفر، از دیگران ساقط می شود.
۲- ۲ . بحارالانوار ، ج ۷۱، ص۲۶۶.
۳- ۳ . نهج البلاغه ، حکمت ۱۲۲.

سماوی می گردد. خداوندی که عذاب را نازل می کند، راه رفع آن، و جلب رحمت و برکت خویش را نیز آشکارا نُموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی خداوند بر ملّتی غضب کند و به دلیلی عذابی ــ که یک باره نابود شان کند ــ بر آنان نازل نگردد، آنان را به گرانی، کوته عمری، کمی محصولات، کم آبی نهرها و نباریدن باران مفید، مبتلا، و اشرار را بر آنان مسلّط می سازد(۱). صادق آل محمّد علیهم السلام نیز نباریدن باران را معلول رواج بی عدالتی دانسته است.(۲)

در چنین شرایطی، انسان ها به یک دگرگونی عاطفی ــ معنوی و برگزاری مراسم خاصّ دعا و نماز دعوت شده اند، تا در پرتو انابه و انکسارشان، رحمت و عنایت ایزد منّان به آنان بازگردد. نماز استسقا که همچون نماز عید به جماعت اقامه می گردد، معمولاً ـ در بیابان یعنی منطقه ای که از آلودگی های گناه، دور است، انجام می شود. کودکان و چهارپایان که به دلیل نافرمانی دیگران، از رحمت خدا محروم شده اند در این مراسم شرکت داده می شوند. نوزادان را از مادرها جدا می کنند تا ناله آنان در سایرین ایجاد رقّت کند. سه روز را به عبادت و روزه سپری می نمایند و قبل از نماز به توبه و استغفار و تکبیر مشغول می شوند و سپس همگی پابرهنه به صحرا می روند و زیر آسمان نماز را بجای می آورند و پس از نماز، امام جماعت به نصیحت و موعظه بندگان و عَرض حال به محضر احدیّت می پردازد.

تاریخ، نمونه هایی فراوان از نماز باران را در خود ثبت کرده، که پس از بازگشت روحی و معنوی آدمیان به پیشگاه خدای مهربان، نعمت و رحمت نیز به میان آنان بازگشته است. از جمله در قرن اخیر و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری اهالی قم در حالی که با کمبود باران و قطع رحمت الهی، مواجه شده بودند، از مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمد تقی خوانساری درخواست کردند با آنان برای اقامه ی نماز باران به بیرون شهر عزیمت کنند. این مرد الهی دو روز متوالی به رغم استهزای برخی از ناباوران، این نماز را با مردم به جای آوردند. پس از پایان دومین نماز و قبل از بازگشت مردم به شهر، چنان بارانی نازل شد که

۱– ۱ . وسائل الشّیعه، ج ۵، ص۱۵۸.

۲– ۲. همان.

تمام جویبارها را فرا گرفت و همه ی مزارع سیراب گشتند. مردم شادمان شدند و در پرتو این قهر و آشتی، پیوند و ارتباط آنان با خداوند تجدید گشت.(۱)

نماز قضا

نماز، فریضه ای است که در هیچ حال و شرایطی نباید آن را ترک کرد. تنها زنان در دوره ا ی خاص از هر ماه، به جای انجام آن، بر سجّاده می نشینند و به نیایش می پردازند. در غیر این صورت، نمازگزار باید تمام نمازها را به طور منظّم، کامل و با قرائت صحیح، لباس پاکیزه و رعایت سایر شرایط انجام داده، و اگرعمداً یا از روی فراموشی، نمازی را ترک کرد، یا ناقص خواند، باید قضای آن را به جای آورد و توبه ی نمازهایی که نخوانده، جز به اتیانِ آنچه بر او واجب بوده، تحقّق نمی پذیرد و هیچ چیزی جای آن را نمی گیرد.

گه گاه برای برخی مکلفان، با توجّه به کاستی ها و ناآشنایی های دوره ی نخستین تکلیف، احتمالِ نمازهایی فاقد شرایط لازم، یا انجام ندادن بعضی نمازها، وجود دارد؛ از این رو، باید در حدّ توان، در رفع کاستیها کوشید، تا پروردگار نیز هنگام محاسبه ی اَعمال از تقصیرات ما چشم پوشد!

ص:۱۴۴

۱- ۱ . گنجینه دانشمندان ، ج۱، ص۳۲۴.

آزمون

۱. حدیثی در باب فضیلت شب زنده داری ذکر کنید.

۲. امیرمؤمنان علیه السلام علّت محرومیت از نماز شب را چگونه تبیین می فرماید؟

۳. آثار نماز شب را از زبان امام صادق علیه السلام بیان کنید؟

۴. خداوند هنگام عبادت بنده اش، خداوند به ملایک چه می گوید؟

۵. خاطره ای از حضرت امام خمینی رحمه الله در باره ی تقیّد ایشان به نماز شب ذکر کنید.

۶. یک خاطره از نماز شب آزادگان سرفراز را بیان کنید.

۷. امام علی علیه السلام چه روزهایی را روز عید اسلام می داند؟

۸. کیفیّت نماز آیات را بیان کنید؟

۹. نماز میّت چگونه خوانده می شود و چه حکمتی دارد؟

۱۰. در نماز عید، بندگان چه تقاضایی از خدای متعال می کنند؟

درس سیزدهم

ترك نماز

بررسی روایات مربوط به نماز، این نتیجه را به دست می دهد که مسأله نماز، چنان مهم و حسّاس است که: نباید آن را تحقیر و یا به آن بی اعتنایی کرد و ترک آن، چنان سنگین و سخت است که نمی توان حرفی از آن بر زبان راند.

اگر در روایات می خوانیم: نخستین پرسش در قیامت از نماز است، اگر نماز قبول شد، بقیه اعمال نیز بررسی می شود، و گرنه، دیگر اعمال را نمی نگرند:

«اِنْ قبلت نُظِرَ فی غَیْرِها وَ اِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ یُنْظَرْ فی شَیْی ءٍ مِنْ عَمَلِه»(۱)

مراد روایت، سؤال از کیفیّت انجام نماز است، نَه از بود و نبودش! زیرا تارک الصلاه بی هیچ پرسشی به دوزخ می رود. قرآن گفت وگوی بهشتیان با دوزخیان را چنین نقل می کند: «ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ :(۲) چه چیز شما را دوزخی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. »

در روایات، کسی که نماز نمی خواند، «کافر» شمرده شده است!

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا به زناکار، «کافر» گفته نمی شود، امّا به «تارک الصّلوه» اطلاق می گردد؟ فرمود:

«لاَنَّ الزانی وَ ما اَشْبَهَهُ اِنَّما یَفْعَلُ ذالِکَ لِمَکانِ الشَّهْوه لاِنَّها تَغْلِبُهُ وَ تارِکُ الصَّلاه لا یَتْرُکُها اِلاَّ اِستِخْفافاً بِهَا؛(۳)

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج۸۲، ص۲۲۷.

۲- ۲. مدثر / ۲۴- ۲۵.

۳- ۳ . وسائل الشّیعه ، ج ۳، ص۲۸.

زیرا زناکار به جهت غلبه شهوت، آلوده شده است [و با خدا سَرِ ستیز ندارد] ولی «تارک الصّلاه» نماز را از روی بی اعتنایی به فرمانِ خدا ترک می کند.»

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنّت(۱) می گوید: «مسلمانان بر این مطلب اتّفاق نظر دارند که نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقل واجب است و تمام آنان بر این باورند که هرکس نماز را منکر شود کافر و مرتد است... امّا آن که نماز را از روی سستی و استخفاف ترک کند، فاسق و گناهکار است، مگر آن که تازه مسلمان باشد و هنوز نماز را فرا نگرفته باشد.»

بی اعتنایی به نماز

بدون تردید سبک شمردن نماز، گناهی است بس بزرگ. بنابراین: شناختِ مصادیق آن، لازم است:

الف. تأخیر نماز: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «فَوَيلٌ لِلْمُصَلِّينَ اَلَّذينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ»(۲) فرمود: «تَأخيرُ الصّلاه عَنْ اَوّلِ وَقْتِها لِغَيْرِ عُذْرٍ؛(۳) مراد از بی اعتنایی به نماز، تأخیر بدون عذر آن از اوّل وقت است.»

گفتنی است مقصود از «عذر»، امری است که قابل تأخیر نباشد، وگرنه همانگونه که شهید والامقام رجایی می فرمود: باید به کارها گفت: نماز دارم! نه اینکه به نماز بگوئیم کار دارم!

ب. عدم رعایت آداب آن: امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی چنین می فرماید:

«مَنْ اَحْسَنَ صَلوتَهُ حينَ يَراهُ النّاسُ وَ اَساءَها حَيْنَ يَخْلُوا فَتِلْكَ اِسْتِهانَه؛(۴)

آن کس که در مقابل مردم، به دقّت، و در خلوت، بی دقّت نمازگزارد، به آن بی اعتنایی کرده است.»

مروری بر نمازهای خلوت و جَلوت ما نشان می دهد که آیا توجّه ما به نماز بیشتر است، یا به ناظران نماز!

۱- ۱ . مقصود: دکتر وهبهالزحیلی استاد دانشگاه دمشق است.

۲- ۲ . ماعون / ۴ و ۵.

۳- ۳. بحارالانوار ، ج ۸۳، ص۶.

۴- ۴ . مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص۲۶.

ج. فراهم نکردن مقدّمات نماز: در روایت دیگری می فرماید: کسی که وضوی نماز را به تأخیر اندازد، به نماز بی اعتنایی کرده است. روشن است کسی که به کاری اهمّیت می دهد، مقدّماتش را فراهم می کند. کدام ملاقات و میهمانی است که وقت آن فرارسیده باشد و ما هنوز لباس و کفش خود را آماده نکرده باشیم؟!

د. ندانستن معانی: آیا ندانستن مفاهیم الفاظی که روزانه بارها تکرار می شود، به معنای بی اعتنایی به نماز نیست؟! آیا اگر ما برای طرف گفت و گوی خویش در نماز، اندکی اهمیّت قائل باشیم، در اندیشه ی درکِ محتوای مذاکره با او بر نخواهیم آمد؟! چگونه برای اقامتی کوتاه در یک کشور، تا حدودی به زبان مردمانش آشنا می شَویم و معنای کلمات روزمره را فرا می گیریم؛ اما در برخورد با نماز این حسّاسیت را روا نمی داریم؟ آیا این ها بی اعتنایی به نماز نیست؟!

این جاست که معنای مناجات امام حسین علیه السلام روشن می شود:

«اِلهی مَنْ کانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِیهِ فَکَیْفَ لایَکُونُ مَساوِیهِ مَساوِیه؛

خدایا! آن کس که نیکی هایش ناپسند است، چگونه گناهانش گناه نباشد؟!»

یعنی نمازهای ما که صورت عبادت دارد به دلیل بی اعتنایی به آن، جزء گناهانمان محسوب می شود؛ گناه که جای خود دارد.

تفاوت نمازگزارانی که در نماز، جز درد فِراق دوست را احساس نمی کنند(۱)، هیچ صدائی نمی شنوند(۲) و غرق در مناجات با معشوقند، و نیز نمازبانانی که زیر شلاق و به رغم هرگونه تهدید و شکنجه نماز را به پا می دارند(۳)، با کسانی که آن را باری گران می دانند و هنگام خواندنش شتاب می ورزند و خمیازه های پیاپی می کشند، فقط و فقط در اهتمام یا استخفاف به نماز است.

۱- [۱] . اشاره به ماجرای کشیدن تیر از پای مبارک امیر مؤمنان علیه السلام در حال نماز.

۲- ۲ . فرزند امام سجّاد در حالی که حضرت در حال نماز بود، به چاه افتاد وحضرت به رغم شیون افراد خانه متوجّه آن نشد و پس از نماز، فرزند را به سلامت از چاه بیرون آورد.بحارالانوار، ج ۸۴، ص۲۴۵.

۳- ۳. نماز در اسارت.

۵. شتاب در نماز: سریع خواندن نماز، بدون توجّه به معانی و رعایت خشوع و طمأنینه، از نشانه های دیگر بی توجّهی به نماز است.

مردی در حضور علی علیه السلام نماز خود را با شتاب به جا آورد. امام نگاهی به او کرد و فرمود: چند وقت است این گونه نماز می خوانی؟ گفت: مدّت هاست. حضرت فرمود: مَثَل تو نزدِ خداوند، مَثَل کلاغی است، که منقار بر زمین می کوبد. سجده ی تو، خضوع در برابر خدا نیست، بلکه منقار بر زمین کوبیدن است. اگر این گونه بمیری، بر غیر ملّت و دین پیامبر اکرم مُرده ای. سپس امیرمؤمنان فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است، که از نمازش بدزدد.(۱)

پیامدهای کوچک شمردن نماز

در این بخش، برخی پیامدهای استخفاف نماز را بر می شماریم:

۱. قهر پیامبر و قطع رابطه با عترت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود:

«لَیْسَ مِنّی مَنْ ضَیَّعَ الصَّلاه؛(۲) آن کس که نماز را تضییع کند از من نیست.»

و امام صادق علیه السلام چنین فرمود:

«اِمْتَحِنوُا شیعَتَنا عِنْدَ مُحافَظَتِهِمْ عَلَی الصَّلوات؛

شیعیان ما را از دقّت آنان در انجام بهنگام نمازها بشناسید.»

در روایت مشهورِ دیگری حضرتش سهل انگاری در نماز و استخفاف آن را موجب محرومیّت از شفاعت خاندان عترت در روز قیامت شمرد.(۳)

ص:۱۵۰

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج ۸۴، ص۲۴۲.

۲- ۲ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص۹۸.

۳- ۳ . در هنگام وفات امام صادق علیه السلام ، وقتی ابوبصیر آمد به «امّ حمیده» تسلیت گوید، اوگریست و گفت: ابوبصیر نبودی و لحظه ی آخر عمر امام را ندیدی. جریان عجیبی رخ داد. ابوبصیر پرسید: چه جریانی؟ امّ حمیده گفت: امام در یک حالی فرو رفت، که تقریباً حالتی غشوه مانند بود. بعد چشم هایش را گشود و فرمود: « تمام خویشان نزدیک مرا بگویید، بالای سر من حاضر شوند» ما همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، حضرت چشمش را باز کرد و فقط یک جمله گفت: « لَن تَنالُ شَفاعَتُنا مُستَخفّاً بِالصَّلوه » هرگز شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمار، نخواهد رسید. این را گفت و جان به

جان آفرین تسلیم کرد؛ بحار الانوار ، ج۸۲، ص ۲۳۶.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در بیانی دیگر می فرمایند:

«مَنِ اسْتَخَفَ بِالصَّلاه لا یَرِدُ عَلَی الْحَوْضَ لا وَاللَّه؛

آن کس که نماز را سبک شمارد، روز قیامت مرا ملاقات نخواهد کرد.»(۱)

این تأکید و بیانِ همراه با قَسَم، ازعمق فاصله ی بین پیامبر اکرم و نماز گزارانی که به نماز اهمّیّت نمی دهند، حکایت می کند.

۲. خشم خداوند

قرآن کریم، افرادی که نماز را ضایع می کنند(۲)، یا به آن بی اعتنا هستند(۳)، نکوهش می کند.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «فی تَأخیرِ الصَّلاه مِنْ غَیْرِ عِلَّه غَضَبُ اللَّه؛(۴)

تأخیر نماز از اول وقت بدون دلیل، موجب خشم خداوند متعال می گردد.»

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«اِذاقامَ الْعَبْدُ فِی الصَّلاه فَخَفَّفَ صَلوتَهُ قالَ اللَّهُ تَعالی لِمَلائِکَتِهِ اَما تَروْن اِلی عَبْدی کَاَنَّهُ یَری اَنَّ قَضاءَ حَوائِجِهِ بِیَدِ غَیْری؛(۵)

وقتی بنده ای نماز را با شتاب به پایان می بَرَد و آن را کوتاه می کند، خداوند به ملایک می فرماید: آیا نمی بینید بنده ام را که گویا می پندارد برآوردن حاجتش به دست کسی جز من است!»

۱- ۱. بحارالانوار ، ج ۸۳، ص۹.

۲- ۲. مریم / ۵۶. فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِم خَلفٌ اضاعُوا الصَّلا ه

۳- ۳ . ماعون / ۵. فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّین الَّذینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُون

۴- ۴. سفینه البحار ، ۲، ص ۴۴.

۵- ۵ . محجّه البیضاء ، ج ۱، ص۳۴۱.

۳. اجابت نشدن دعا و محرومیّت از دعای صالحان

کسانی که به تکلیف الهی بی توجّهی کننـد و آن را کوچک بشـمارند خداونـد نیز به خواسـته های آنان توجّه نخواهـد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ تَهاوَنَ بِصَلوتِهِ لایَرْتَفِعُ دُعائُهُ اِلَی السَّماءِ؛(۱) هر کس به نمازش بی توجّه باشد، دعایش به آسمان راه نمی یابد.»

و در سخنی دیگر از حضرتش می خوانیم: «آن که به نمازش بی اعتنا باشد، مشمول دعای خیر صالحان نخواهد بود.» (۲)

۴. تنگنا و نارسایی دنیوی

غضب خـدا و پیـامبر به کسانی که نماز را کوچک می شـمرند، زیان ها و خساراتی بر جای خواهـد نهاد، گرچه ممکن اسـت تارک یا مستهین(۳) به نماز این تأثیر را درک نکند و متوجّه علّت گرفتاری های خود نباشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، برکت را از عمر و روزی کسانی که نماز را کوچک می شمرند برمی دارد.(۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برای این گروه، تهیدستی را پیش بینی کرده، می فرماید:

«اَلاِسْتِخْفافُ بِالصَّلاه تُورِثُ الْفَقْرَ؛(۵) استخفافِ نماز، موجب فقر می شود»

۵. سختی احوال قبر و قیامت

امام صادق علیه السـلام فرمود: نمازگزاری که نمازش را سـبک بشـمارد، وقتی از قبر خارج می شود، خداوند مَلَکی را بر وی موکّل می گرداند، تا او را بر عرصه ی قیامت وارونه بر

۱- ۱ . بحارالانوار، ج ۸۰، ص۲۲.

۲- ۲ . همان، ج ۸۰، ص ۲۱.

۳- ۳ . مستهین، یعنی کسی که اهانت به نماز کند و آن را کوچک بشمارد.

۴- ۴ . همان ، ج ۸۳، ص۲۰۲.

۵- ۵ . همان ، ج ۷۳، ص۳۱۵.

زمین بکشاند. مردم به او می نگرند و خداوند از او روی می گرداند و با شدّت و سخت گیری محاسبه او را می کند.(۱) حضرتش در همین باره چنین می فرماید:

«مَنْ تَهاوَنَ بِصَلاتِهِ یُضَیَّقُ عَلَیْهِ قَبْرُهُ وَ تَکُونُ الظُّلْمَه فی قَبْرِهِ؛(۲)

هر کس به نمازش بی اعتناء باشد به تنگی و تاریکی قبر مبتلا خواهد شد.»

در سخنی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «کسی که نماز را سبک بشمارد، با ذلّت و گرسنگی و تشنگی، جان می دهد.»(۳)

۶. قبول نشدن نماز

نمازی که با سهل انگاری و تحقیر، صورت پذیرد، مقبولِ خداوند متعال نمی گردد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ اللّه لا یَقْبَلُ اِلاَّ الْحَسَنْ فَکَیْفَ یَقْبل ما یستخفّ به؛

خداوند جز نیکو را نمی پذیرد؛ پس چگونه عملی که مورد استخفاف واقع گردیده است، بپذیرد؟»

۷. نفرین و لعنت

برخی از روایات، تصویر و تمثیلی را برای نماز ترسیم کرده اند که بر حسب آن، نماز به صورت ملکی با انسان به گفت وگو می نشیند. گاه تشکّر می کند و گاه گله مند می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: وقتی نماز در وقت خود اقامه نگردد و بی دقت ارائه شود به صورتی سیاه و تاریک به انسان باز می گردد و می گوید: مرا ضایع کردی، خدا تو را ضایع کند و اگر در وقت خود اقامه شود برای انسان دعا می کند و می گوید: همان گونه که مرا حفظ و احترام کردی، خداوند نیز تو را حفظ کند.(۴)

۱- ۱. همان / ۲۲.

۲- [۲] . همان / ۲۱.

۳- ۳ . همان .

۴- ۴ . بحارالانوار ، ج ۸۰، ص ۹.

آری، قرآن کریم، پایان سفرِ تارکان نماز را «سَقَر» برمی شمارد:

«ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ قالوُا لَمْ نَکُ مِن الْمُصَلّین»(۱)

و کسانی که نماز می خوانند اما جماعت را ترک می کنند، به حسرت و پشیمانی محکوم می نماید و می فرماید:

«یَوْمَ یُکْشَفُ عَنْ ساقٍ وَ یُدْعَوْنَ اِلَی السُّجودِ فَلا یَسْتَطیعُونَ، خاشِعَه اَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّه وَ قَدْ کانُوا یُدْعَوْنَ اِلَی السُّجودِ وَ هُمْ سالِمُونَ»(۲)

و آنان که خشوع و مواظبت چندانی در نماز خود ندارند، مستحقّ توبیخ و سرزنش می شمرد:

«فَوَیْلٌ لِلْمُصَلّین الذین هم عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ»(۳)

و در آیه ای دیگر این گروه را به نفاق موسوم کرده، می فرماید:

«اِنَّ الْمُنافِقینَ یُخادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خادِعُهُم وَ اِذاقامُوا اِلَی الصَّلوه قامُوا کُسالی یُراءُونَ النّاسَ وَ لایَذْکُرُونَ اللَّهَ اِلّا قَلیلًا»(۴)

تنها آن گروه، مورد ستایش قرآنند که نماز را با خشوع اقامه کنند:

«قَدْاَفْلَحَ الْمُؤمِنُونَ الّذینَ هُمْ فی صَلاتِهم خاشِعُون»(۵)

مولوی می گوید:

اگر نَه روی دل، اندر برابرت دارم

من این نماز، حسابِ نماز، نشمارم

ز عشق روی تو، من رو به قبله آوردم

و گرنه من ز نماز و ز قبله بیزارم

مرا غرض ز نماز، آن بُوَد که پنهانی

حدیث درد فِراق تو، با تو بگزارم

وگرنه این چه نمازی بُوَد که من با تو

نشسته روی به محراب ودل به بازارم؟

۱- ۱ . مدّثر / ۴۲ _ ۴۳.

۲- ۲ . قلم / ۴۲ _ ۴۳

۳- ۳ . ماعون / ۴ _ ۵.

۴- ۴ . نساء / ۱۴۲.

۵- ۵ . مؤمنون / ۱ _ ۲.

در یک روایت جامع، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال زهرای اطهر در مورد عقوبت کسی که نماز را کوچک می شمارد، به بیان عوارض ناشی از این پدیده پرداخته، می فرماید:

«ای فاطمه! هر کس از مردان یا زنان به نماز بی اعتنایی کند، خداوند او را به پانزده عقوبت مبتلا می گرداند که شش عقوبت آن در دنیاست، سه عقوبت هنگام مرگ به سراغ او می آید، سه عقوبت در قبر و سه عقوبت دیگر در قیامت آنگاه که از قبر برانگیخته شود، دامنگیر او می شود. اما آنچه در دنیا متوجه چنین افرادی می شود عبارتست از: برداشتن برکت از عمر، برداشتن برکت از روزی، محو سیمای صالحین از چهره و رخسار، بی اجر ماندن اعمال، عدم قبولی دعا و عدم مشمولیت دعای نیکان. به هنگام مرگ نیز ذلیل، تشنه و گرسنه خواهد مرد و اگر از نهرهای دنیا بیاشامد، عطش او فرو نخواهد نشست. در قبر هم ملکی او را شکنجه می نماید و قبر بر او تنگ و تاریک می گردد. همچنین در قیامت او را وارونه بر زمین خواهند کشید، سخت مورد محاسبه قرار می گیرد، خدا به او نظر رحمت نخواهد داشت و به عذابی دردناک گرفتار می گردد.»(۱)

ص:۱۵۵

۱- ۱ . بحارالانوار ، ج۸۳، ص۲۳.

آزمون

۱. اولین سؤال در قیامت ازچیست؟

۲. تفاوت تارک نماز و منکر نماز چیست؟

۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «چرا به افراد زناکار کافر گفته نمی شود، امّا به تارک نماز کافر می گویند؟» چه فرمود؟

۴. مصادیق بی اعتنایی به نماز را بیان کنید؟

۵. این جمله را کامل کنید و بگویید به چه معنا و از کدام امام است؟ «الهی من کانت محاسنه. . .»

۶. پیامدهای استخفافِ نماز را ذکر کنید؟

۷. معیار شناسایی شیعه از نظر امام صادق علیه السلام چیست؟ ضمن روایتی از ایشان بیان کنید.

۸. چرا خداوند، جز نیکو را نمی پذیرد؟ ضمن روایتی، توضیح دهید.

۹. شعر مولوی را درباره ی توجّه به نماز ذکر کنید؟

۱۰. پیامبر چه عقوبت هایی را برای استخفاف نماز بیان نمود، پنج مورد را ذکر کنید.

درس چهاردهم

عوامل بی رغبتی به نماز

چه کسانی و با چه استدلال یا ذهنیّتی، به نماز رغبتی ندارند؟

آیا می توانید عوامل بی رغبتی به نماز را قبل از مطالعه ی کتاب از دانستنی های خود در جدول زیر بنویسید و سپس آن را با داده های کتاب مقایسه کنید؟

جدول ۱۴. عوامل بی رغبتی به نماز

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

اینک به بررسی این عوامل از منظر روایات اسلامی می پردازیم.

انسانی که به خوردن غذا یا میوه میل ندارد؛ یا از سلامت جسمی محروم است، یا خاصیّت غذا را نمی داند و یا عوامل جنبی او را از خوردن غذا باز داشته است. نیایش و نماز، غذای روح است. پس چرا بعضی نسبت به آن بی رغبت و بی تفاوتند؟! و چه عواملی آنان را از جذب به آن باز می دارد؟! در این بخش به بررسی برخی از این عوامل می پردازیم.

ص:۱۵۷

۱. گناه و آلودگی

یکی از میراث های ارزشمند در فرهنگ اسلامی، دعاها و مناجات های به یادگار مانده از ائمه معصومین علیهم السلام است که در ضمن آن ها، معارف اسلامی به زبان دعا بیان شده است. در دعای ابوحمزه ثمالی امام سجّاد علیه السلام به بررسی عوامل بی رغبتی به نماز و مناجات پرداخته است و به خداوند تبارک و تعالی عرض می کند:

«خدایا! چه شده است که هرگاه با خود می گویم آماده نماز شَوَم و مناجاتی با تو داشته باشم، کسالت را بر من مسلّط و لذّت مناجات را از من سلب می کنی... شاید مرا بی اعتنا به ربوبیّت خود یافتی و از خود دورم نموده ای... شاید به جرم و گناهم یا به جهت بی حیایی مرا مجازات نموده ای؟ شاید مرا با اهل بطالت مأنوس می دانی و اُنس با نماز را از من سلب می کنی.»(۱)

آری! امام، گناه و آلودگی را از عوامل مهم بی رغبتی به نماز معرفی می فرماید.

۲. ناآشنایی با خداوند

شخصیّتی که ناشناخته باشد، جاذبه و حریم نخواهد داشت. خدای سبحان در سوره ی مبارک حمد، نخست خود را برای جهانیان وصف می کند که رابطه اش با آنان، رابطه مالک و مربّی است و او به مملوکین و مربوبین خویش سراپا محبت و لطف است و این ارتباط در دار دنیا قطع نمی گردد و در جهان آخرت، مرکز همه ی توجهات و قدرت ها اوست و لاغیر. پس از آن که انسان، خدای خویش را شناخت و در پرتو این شناخت، احساس محبت و عشق پیدا کرد، آن گاه می گوید: «ایّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاکَ نَسْتَعینُ».

آن کس که در برابر دریای بیکران رحمت و لطف الهی سر تعظیم فرود نمی آورد و به او احساس محبّتی ندارد، او را نشناخته و احساس بیگانگی دارد. پروردگار متعال در سخن خویش، رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبّت به خداوند می داند و می فرماید:

«یَابْنَ عِمْران لَوْ رَأَیْتَ الّذینَ یُصَّلون لی فی الدُّجی وَ قَدْ مَثُلْتُ نَفْسی بَیْنَ اَعْیُنِهم وَ هُمْ یُخاطِبُونی... یَا بْنَ عِمْران کَذِبَ مَنْ زَعَمَ اَنَّهُ یُحِبُّنی فَاِذا جَنَّه اللَّیْلُ

ص:۱۵۸

۱- ۱. مفاتیح الجنان ، دعای ابوحمزه ثمالی.

نامَ عَنّی اَلَیْسَ کُلَّ مُحِبٍّ یُحِبُّ خَلْوَه حَبیبِهِ؛(۱)

ای موسی! اگر آن ها که شبانگاهان برای من نماز می خوانند، ببینی (درمی یابی که گویی) من در پیش چشم شان حاضرم و آنان با من به گفت وگو نشسته اند... ای فرزند عِمران! دروغ می گوید آن کس که می پندارد مرا دوست دارد، امّا چون شب فرا می رسد، می خوابد. آیا هر محبّی، خلوت با محبوب را دوست ندارد؟!»

۳. ناآشنایی با فلسفه و معانی نماز

نماز، تجسّم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین به پاداشتن آن مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه ی آن است. انسانی که نمی داند چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفت وگوهای مکرر بازگو می شود، بی تردید، برای انجام آن، انگیزه و رغبتی ندارد. انسان معمولاً ـ در برابر اعمالی تمکین می کند که اگر چه به ناروا و غلط، تصویر و باوری قانع کننده از آن داشته باشد و جسم یا روانِ خود را محتاج به آن بداند.

نیاز، مدار همه ی کنش ها و محور تمام تلاش های انسان است. حتّی خوردن وخوابیدن اگر مفید تشخیص داده نشوند، ترک می گردند و گرسنگی و بی خوابی برای درک منفعت برتر، به نفس تحمیل می شود. در میان این همه نیازهای شناسایی شده، اگر نیاز به نماز، یا هر عبادت دیگری ناشناخته بماند، چه چیز می تواند توجیه کننده ی رغبت و تمایل به آن باشد؟ و چگونه انسان می تواند به جای کار یا استراحت، اولویّت را به این امر ناآشنا! اختصاص دهد؟ درمان این بیماری در گرو شناخت معانی و اسرار نماز است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْ تَعْلَم مالَکَ فی صَلاتِکَ وَ مَنْ تُناجی ما سَئِمْتَ وَ مَا الْتَفَتَّ؛(۲) اگر بدانی در نمازت چیست و با چه کسی گفت وگو می کنی، خسته نمی شوی و نماز را به پایان نمی بری!»

ص:۱۵۹

۱- ۱. امام صادق علیه السلام ؛ ارشاد القلوب ؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص۱۳۹.

۲- ۲ . بحارالانوار ، ج ۸۲، ص۲۳۴.

۴. نشناختن نیازهای خود

بر نیاوردنِ صحیح نیازها، موجب غفلت از ضرورت ها می گردد. اگر انسان نیاز به معبود را درک کند و بداند به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده ی خداوند است، از پیوند با او در مقاطع فعّالیّت ها وبرنامه های شبانه روز دریغ نمی کند. او نمی داند گره های امور او باید در ارتباط با خدا گشوده شود.

در برابر چنین نادانی و گمراهی، و هنگامی که شخصی با عجله نماز را به پایان می برد، خداوند به ملائک خطاب می کند: «به او بنگرید! سخت در اشتباه است! می پندارد نیازهای او به دست کسی جز من است و نمی داند فقط من می توانم حاجت هایش را بر آورم.»(۱)

آری، قهر با خدا و یاد او، تنها از جهالت نشأت می گیرد؛ جهل تسبت به خدا، جهل نسبت به نماز و جهل نسبت به نیازها و فقر خویش؛ و لذا به گمانِ خود از هر مجالی، برای گریز از خویش، بهره می جویَد!

به ظلمت، ز نور خدا می گریزی!

تو لب تشنه ز آب بقا می گــــریزی!

خـــدا خوانَدت تا عطایت نماید

چرا بی جهت زین صــدا می گریزی!

ز مــادر بــــود مــهربان تر خدایت

تو جاهل، به قهر از خدا می گریزی!

اگر می گریزی ز بــیــگانه بــگریز

چرا دیگر از آشــنـــا می گـــریـــزی!

به هر جا روی سایه لطف یــزدان

به دنبالت آی د، کــجــا مــی گــریزی!

۵. دنیا زدگی

کسانی که به استعمال دود تلخ و رنج آور سیگار، علاقه مند می شوند، نخستین بار که به سراغ این سفیر بیماری و پژمردگی می روند، با واکنش منفی طبع، ذائقه و دستگاه گوارشی و تنفّسی مواجه می شوند، امّا پس از مدّتی چنان تغییر طبع و گرایش می دهند، که هیچ چیز به اندازه ی سیگار مورد توجّه آنان نیست. دیگر از غذاهای لذیذ و مفید لذّت نمی برند و تنها دود

سرطان زای سیگار به آنان آرامش می دهد. دنیازدگی و محبّت به دنیا نیز، تاریکی

ص:۱۶۰

۱- ۱ . وسائل الشّیعه ، ج ۳، ص۲۴.

و سرطانی است، که زیبایی ها و لذّت های معنوی و عبادی را از ذائقه ی انسان می بَرَد. پیامبر بزرگ خدا حضرت مسیح علیه السلام می گوید:

«صاحِبُ الدُنْیا لا یَلْتَذُّ بِالْعِبادَه وَ لا یَجِدُ حَلاوَتَها مَعَ ما یَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمالِ؛(۱)

دنیا پَرَست از اُنس با خدا لذّت نمی برد تا زمانی که حبّ مال در دل اوست.»

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

«کَیْفَ یَجدُ لَذَّه الْعِبادَه مَنْ لا یَصُومُ عَنِ الهوی؛(۲)

چگونه لذّت عبادت را درک می کند، آن کس که از هواها خودداری نمی کند.»

خدای متعال به حضرت داوود می فرماید:

«ما لِاوْلیائی وَ الْهَمّ بِالدَّنْیا اِنَّ الْهَمَّ یَذْهَبُ حَلاوَه مُناجاتی مِنْ قُلُوبِهِمْ؛(۳)

اولیای من از دنیازدگی دورند؛ همانا دنیازدگی، حلاوت مناجات مرا از قلب های آنان می ستانَد.»

۶. نداشتنِ برنامه صحیح درباره ی نماز

قرآن کریم، نخستین نشانه ی حکومت صالحان را بر پا داشتن نماز و ایجاد شرایط اقبال و رغبت می شمارد. با آن که پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران و تشکیل ستادی با عنوان اقامه ی نماز، تلاش هایی فراوان با هدفِ ارتقای فرهنگ نماز در جامعه صورت گرفته و به همین جهت، درصدِ افراد نمازخوان به شدّت افزایش یافته است، مدارس و مراکز فرهنگی و دانشگاهی، معطّر به عطر نماز شده اند، و... امّا همواره ناظران و کارشناسان مربوط، کاستی هایی را در زمینه ی رغبت و تشویق به نماز مورد توجّه و گوشزد قرار می دهند. از جمله عناوینی که می توانند مبنای پژوهش های علمی و بالینی ترویج فرهنگ نماز قرار گیرند و باید همواره مدّ نظر تمام مسلمانان متعهّد باشند، عبارت اند از:

۱- ۱. بحار الانوار ، ج ۱۴، ص ۳۱۰.

۲- ۲ . غُرَرُالحِکَم و دُرَرُ الکِلَم.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۸۲، ص۱۴۳.

- ارتباط رغبت به نماز با اقامه ی شکوهمند آن در منظر عمومی.
- نقش معرّفی نماز با زبان هنر به جوانان.
- نقش برنامه های آموزشی و تربیتی مسجد.
- نقش فضای تربیتی خانواده.
- حضور و همراهی والـدین با فرزندان در برنامه های عاطفی و تفریحی و تأثیر آن در همراهی فرزندان با آنان در برنامه های مذهبی (نماز، حضور در مسجد).
- ارتباط رغبت کارمندان با حضور مدیران و مسئوولان آن ها در نماز.
- نقش همنشین در ایجاد رغبت به نماز.
- ارتباط رغبت فرزندان به نماز با نحوه ی تشویق و برخورد والدین.
- نقش محبّت اولیا به فرزندان، هنگام اقامه ی نماز و ایجاد تمایل در آنان.
- ارتباط رغبت نسل نو، به نماز، با برخورد اهل مسجد و هیأت اُمَنا با آنان.
- ارتباط عملکرد نمازگزاران در جامعه با بی رغبتی یا رغبت جوانان به نماز.
- ارتباط رغبت افراد به نماز با نظافت و زیبایی ها و فضای معنوی مسجد.
- تأثیر اقامه ی نماز در مراکز عمومی بر گسترش فرهنگ نماز.
- ارتباط رغبت به نماز با نحوه ی توجیه آثار آن در محافل علمی و آموزشی.
- تأثیر برخورد، روش و آدابی که امام جماعت القا می کند.
- نقش مؤذّن و پیام رسان.
- تأثیرپذیری فرزندان در فراگیری شیوه ی اقامه ی نماز از والدین.
- نقش عَرضه و انتشار احوال نمازگزاران مخلص.
- ارتباط میانه رَوی در عبادت وتداوم نشاط و رغبت به آن.

در پایان این بخش، نمودارهایی از سنجش عوامل تأثیرگذار در ترویج فرهنگ نماز را، که توسّط پژوهشگران در برخی اُستان ها انجام شده، مرور می کنیم.

ص:۱۶۲

خداوندا! به آبروی پیامبر و آلش، ما را از اقامه کنندگان نماز مقرّر دار.

توفیق درک حلاوت مناجات و ذکر را از ما دریغ مدار و ما را در جبران کاستی های نماز موفّق بدار. آمین یا ربّ العالمین.

ص:۱۶۳

آزمون

۱. چه عواملی از نظر امام سجّاد علیه السلام در بی رغبتی به نماز تأثیر دارد؟

۲. چگونگی ارتباط شناخت و رغبت به نماز را توضیح دهید.

۳. خداوند متعال در مورد خفتگان در شب، چه پیامی به حضرت موسی علیه السلام داد؟

۴. آشنایی با نماز در ایجاد رغبت به آن، چه نقشی دارد؟ ضمن روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کنید.

۵. حضرت مسیح علیه السلام درباره ی لذّت عبادت و رغبت به آن، چه فرمود؟

۶. روایتی از حضرت علی علیه السلام ذکر کنید، که در آن یکی از عوامل بی رغبتی به نماز اشاره شده است؟

۷. خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام چه چیز را مانع درک حلاوت مناجات معرّفی می کند؟

۸. چه عوامل محیطی در بی رغبتی به نماز دخالت دارد؟ آن ها را بیان کنید.

۹. در محیط مسجد، چه عواملی در ایجاد رغبت به نماز تأثیر دارد؟

۱۰. در محیط دانشگاه، چه اقدام هایی می تواند در ترویج فرهنگ نماز مؤثّرباشد؟ ازمتن کتاب و خارج از آن پاسخ گویید.

جداول نظرسنجی

نظرات دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۲ شهر کرد

ردیف

پرسش ها

کم

متوّسط

زیاد

خیلی زیاد

۱

به نظر شما پدر و مادر در تشویق فرزندان به نماز چقدر مؤثّر هستند؟

۱۵

۵

۳۳

۴۷

۲

آیا پدر و مادری که خود نماز نمی خوانند، می توانند در تشویق فرزندان مؤثّر باشند؟

۱۸

۲۲

۲۶

۳۴

۳

آیا خویشاوندان نزدیک در جهت تشویق به نماز مؤثرند؟

۲۴

۲۶

۳۰

۲۰

۴

گفتار و عمل امام جماعت در شرکت دانش آموزان به نماز چقدر تأثیر دارد؟

۲۹

۲۱

۲۵

۲۵

۵

برخورد و رفتار امام جماعت در تشویق دانش آموزان چقدر مؤ ثّر است؟

—

۱۰

۴۴

۴۶

۶

اگر روحانی نماز را سریع بخواند، آیا در شرکت دانش آموزان به نماز تأثیر دارد؟

۲۰

–

۲۳

۵۷

۷

آیا محیط نماز خانه از نظر زیبایی و خوش بو بودن بر شرکت دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

–

۲۰

۳۲

۴۸

۸

آیا وضو گرفتن برای نماز در مدرسه سخت تر از وضو گرفتن در خانه است؟

۴۰

۲۰

۱۵

۲۵

۹

داشتن محیط زیبا و بهداشتی نماز خانه آیا بر شرکت آنان در نماز مؤثّر است؟

۱۰

۱۱

۲۴

۵۵

۱۰

راهنمایی و تشویق مدیر ومعاونان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثر است؟

ـ

۱۱

۴۴

۴۵

ص:۱۶۵

۱۱

حلّ مسایل و مشکلات دانش آموزان در زمینه ی نماز توّسط مدرسه بر حضور آنان چقدر مؤثّر است؟

—

۱۹

۵۱

۳۰

۱۲

راهنمایی و تشویق معلّمان مدرسه چقدر بر حضور دانش آموزان در نماز مؤثّر است؟

—

۳۰

۳۵

۳۵

۱۳

شرکت دبیران در نماز جماعت بر تشویق دانش آموزان به نماز چقدر مؤثر است؟

—

۱۸

۳۷

۴۵

۱۴

خوش خُلقی و معاشرت خوب معلّمان حاضر در نماز چقدر در تشویق دانش آموزان اثر دارد؟

۱۰

۱۰

۴۹

۳۱

۱۵

آیا شرکت اختیاری و بدون اجبار در حضور آنان در نماز اثر دارد؟

۱۹

۲۱

۳۶

۲۴

۱۶

آیا نداشتن اطّلاعات از چگونگی انجام نماز از طرف دانش آموزان بر شرکت آنان در نماز اثر دارد؟

۱۸

۲۲

۲۲

۳۸

۱۷

به نظر شما چه تعدادی از دانش آموزان از نماز، آگاهی و شناخت کافی ندارند؟

—

۱۰

۱۷

۷۳

۱۸

به نظر شما آیا شرکت نکردن دانش آموزان در نماز به دلیل نداشتن آگاهی از نماز است؟

۲۰

۱۱

۱۹

۵۰

۱۹

دوستان دانش آموز بر شرکت او در نماز جماعت چقدر مؤثّر است؟

—

۱۰

۴۹

۴۱

۲۰

آیا وجود دوستان اهل نماز، در تشویق او به نماز کمک می کند؟

—

۱۰

۱۰

۸۰

۲۱

آیا داشتن دوستان ناباب و تارک نماز، بر شرکت نکردن دانش آموزان در نماز جماعت اثر دارد؟

۲۰

۲۲

۲۵

۳۳

ص:۱۶۶

عوامل تأثیر گذار بر حضور دانش آموزان دوم متوسّطه ی قزوین در نماز جماعت

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۱. آیا همکاری و حضور مدیر و معاونان آموزشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۲۹

۵/۲۷

۸/۲۰

۱۱

۲. آیا همکاری و حضور دبیران دروس دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۲۸

۲۵

۳/۲۳

۳/۱۴

۳. آیا همکاری و حضور دبیران دروس غیر دینی و قرآن در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثر است؟

۳/۱۹

۳/۱۷

۸/۲۶

۳/۱۸

۴. آیا همکاری و حضور معاون یا مربّی پرورشی در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۱۷

۵/۲۶

۲۷

۸/۱۵

تأثیر آموزش نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۵. آموزش احکام نماز به روش شفاهی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۳/۳۷

۸/۲۷

۸/۲۰

۱۱

۶. آموزش احکام نماز به روش عملی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۳۵

۵/۳۲

۲۱

۷

۷. بیان اسرار، آثار و فلسفه ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۴۷

۵/۳۰

۸/۱۴

؟؟؟

۸. مطالب کتاب های درسی دینی و قرآن بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۲۳

۵/۲۷

۵/۲۶

۳/۱۶

۹. آموزش مسایل نماز در قالب برگزاری مسابقه ی احکام و اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۲۰

۳/۲۵

۳/۲۸

۵/۱۸

تأثیر امکانات مناسب برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۱۰. وجود نمازخانه در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۵۴

۵/۲۲

۸/۱۳

۵/۶

۱۱. پاکیزگی و نظافت نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۳/۶۰

۳/۲۵

۵/۸

؟؟؟

۱۲. تزیین و آراستگی نماز خانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت مؤثّر است؟

۳۲

۳/۲۸

۵/۲۲

۳/۱۰

۱۳. وجود امکانات لازم از قبیل جامُهری و سجّاده در نماز خانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۳۰

۵/۲۶

۲۶

۱۲

۱۴. وجود جاکفشی در داخل یا بیرون نمازخانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۱۷

۲۴

۸/۲۲

۸/۱۸

۱۵. وجود وسایل گرم کننده و سرد کننده در نماز خانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۲۳

۳/۲۱

۳/۲۷

۵/۱۷

۱۶. کیفیّت نوع زیر انداز (موکت و فرش) در نماز خانه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۲۳

۳/۱۷

۸/۲۴

۸/۱۷

۱۷. وجود سرویسهای بهداشتی (توالت) مناسب و کافی در آموزشگاه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۳۵

۸/۲۶

۲۱

۳/۱۰

تأثیر زمان برگزاری نماز بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۱۸. برگزاری نماز اوّل وقت شرعی ــ بدون درنگ ــ بعد از اذان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵۳

۲۸

۳/۱۰

۵/۵

۱۹. وجود زمانی معیّن به نام زنگ نماز در برنامه ی آموزشی مدرسه بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵۵

۲۸

۳/۱۰

۵/۳

۲۰. تنظیم برنامه ی آموزشی مدرسه با توجّه به اوقات شرعی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۳/۳۱

۳/۳۴

۵/۲۱

۳/۸

۲۱. تعطیلی فعّالیت های آموزشگاه در زمان برگزاری نماز جماعت در میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۳۶

۸/۲۲

۳/۱۸

۸/۱۱

تأثیر تشویق دانش آموزان بر میزان حضور آن ها در نماز جماعت دبیرستان

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۲۲. اهدای جوایز به دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۳۳

۸/۲۱

۸/۱۷

۵/۱۰

۲۳. برقراری رابطه ای دوستانه و احترام به دانش آموزان توسّط کارکنان دبیرستان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۴۳

۸/۲۷

۸/۱۳

۸

۲۴. اعزام دانش آموزان شرکت کننده در نماز جماعت به اردوهای سیاحتی ـ زیارتی بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۵۵

۱۸

۵/۱۰

۸/۵

۲۵. سپردن مسؤلیّت برگزاری نماز به دانش آموزان بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۱۸

۸/۲۸

۸/۳۱

۳/۱۳

تأثیر روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور دانش آموزان در نماز جماعت دبیرستان

پرسش

خیلی زیاد

زیاد

متوسّط

کم

۲۶. روحانی بودن امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۸/۴۰

۲۳

۱۵

۳/۱۱

۲۷. رفتار و گفتار امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۴۹

۵/۲۶

۳/۱۳

۸/۶

۲۸. حضور بموقع امام جماعت برای اقامه ی نماز بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۳/۴۲

۵/۳۴

۳/۱۴

۴

۲۹. وضعّت ظاهری امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۱۹

۳/۲۵

۲۱

۱۶

۳۰. سخنرانی امام جماعت بر میزان حضور شما در نماز جماعت دبیرستان مؤثّر است؟

۵/۲۸

۵/۲۸

۵/۲۳

۱۰

ص:۱۶۹

نظرات دانش آموزان پسر دبیرستانی شهرستان تفت

ردیف	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسّط	کم	اصلاً	جمع
۱	سست بودن پایه های مذهبی خانواده تا چه میزان در عدم گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟	۶۸	۲۶	۶	–	–	۱۰۰
۲	شرکت کردن والدین در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟	۶۷					

۲۵

۵

۳

—

۸۰

۳

مقیّد بودن خواهر به مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۵۱

۳۰

۱۹

—

—

۱۰۰

۴

مقیّد بودن برادر به نماز و مسایل مذهبی و شرکت کردن وی در نماز جماعت تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۳۵

۲۲

۱۳

—

—

۱۰۰

۵

مقیّد بودن والدین به نماز و مسایل مذهبی تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۷۵

۲۵

—

—

—

۱۰۰

۶

مجبور کردن دانش آموزان به نماز توسّط والدین تا چه میزان علّت نماز خواندن آن ها است؟

۲۰

۱۵

۲

۱۶

۴۷

۱۰۰

۷

وادار کردن دانش آموزان به نماز توسّط مربیّان تربیتی تا چه میزان باعث گرایش آنان به نماز است؟

۳۳

۱۳

۶

۲۵

۲۳

۱۰۰

۸

سختگیری مسؤولان مدرسه تا چه میزان در جذب دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۲۴

۱۳

۱۶

۱۵

۳۲

۱۰۰

۹

وادار کردن به نماز از طریق محروم کردن از بسیاری امکانات رفاهی توسّط اولیا، تا چه میزان در دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۲۰

۱۵

۱۰

۲۲

۳۳

۱۰۰

۱۰

مجبور کردن دانش آموزان به نماز از طریق کم یا زیاد کردن نمره های درسی توسّط معلّمان، تا چه میزان در گرایش دانش آموزانت به نماز مؤثّر است؟

۲۲

۱۹

۳

۲۵

۳۱

۱۰۰

ص:۱۷۰

۱۱

بی اطّلاعی از اهمّیّت نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۱۲

۴

۵

۱۹

۶۰

۱۰۰

۱۲

انتشارات احادیث و سخنان بزرگان درباره ی اهمّیّت نماز، تا چه میزان دانش آموزان را به نماز خوانی مشتاق می کند؟

۱۴

۴۷

۱۸

۱۲

۹

۱۰۰

۱۳

مطالعه و آگاهی از کتابهای مربوط به نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۶۳

۲۴

۹

۴

۰

۱۰۰

۱۴

تأثیر نصیحت ها و راهنمایی مدرسه، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۵۲

۳۱

۱۰

۵

۲

۱۰۰

۱۵

دعوت از بزرگان دین و تشریح و تفسیر فلسفه ی نماز توسّط آنان تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثر است؟

۶۳

۲۷

۷

۳

۰

۱۰۰

۱۶

تبلیغات رادیو تلویزیون درباره ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۵۸

۲۸

۷

۵

۲

۱۰۰

۱۷

تأثیر مجّلات و روزنامه های دیواری درباره ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۳۵

۳۹

۹

۱۲

۵

۱۰۰

۱۸

پخش اذان و مراسم نماز از سیمای جمهوری اسلامی ایران، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۷۱

۲۴

۴

۱

۰

۱۰۰

۱۹

تبلیغات مطبوعات و روزنامه ها درباره ی نماز، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۳۹

۳۳

۱۱

۱۳

۴

۱۰۰

۲۰

چاپ و نشر پوسترهای تبلیغاتی نماز در مدارس، تا چه میزان در گرایش دانش آموزان به نماز مؤثّر است؟

۲۶

۲۹

۱۱

۲۵

۹

۱۰۰

منابع و مآخذ

نام کتاب	مؤلف
۱. آشنائی با قرآن	شهیدمطهری رحمه الله
۲. احیای فکر دینی	شهید مطهری رحمه الله
۳. ارشادالقلوب	دیلمی
۴. از ژرفای نماز	آیت الله سید علی خامنه ای
۵. اسرار الصلاه	میرزاجواد ملکی تبریزی رحمه الله
۶. اسلام و مقتضیات زمان	استاد مطهری رحمه الله
۷. اصول کافی	مرحوم کلینی رحمه الله
۸. الصلاه	محیی الدین مستو
۹. الفقه الاسلامی وادلته	دکتر وهبهالزحیلی
۱۰. الفقه علی المذاهب الخمسه	دکتر محمد جواد مغنیه
۱۱. اَمالی	مرحوم شیخ طوسی رحمه الله
۱۲. بحارالانوار	مرحوم مجلسی رحمه الله
۱۳. پرتوی از اسرار نماز	استاد محسن قرائتی
۱۴. تتمهالمنتهی	حاج شیخ عباس قمی رحمه الله
۱۵. تعلیم و تربیت در اسلام	استاد مطهری رحمه الله
۱۶. تفسیر ابن کثیر	ابن کثیر دمشقی
۱۷. تفسیر المیزان	علامه طباطبائی رحمه الله

۱۸. تفسیر عیاشی — محمدبن مسعودبن نضرعیاشی

۱۹. تفسیر مجمع البیان — مرحوم طبرسی رحمه الله

ص:۱۷۲

۲۰. تفسیر نماز	استاد محسن قرائتی
۲۱. تفسیر نورالثقلین	الشیخ عبدعلی الحویزی
۲۲. تنبیه الخواطر	ورام ابن ابی فراس
۲۳. توحید	مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
۲۴. ثواب الاعمال	شیخ صدوق
۲۵. جامع احادیث الشیعه	حاج شیخ معزّی ملایری
۲۶. خصال	شیخ صدوق
۲۷. دعائم الاسلام	قاضی نعمان مصری
۲۸. روح الصلاهفی الاسلام	عفیف عبدالفتاح طیاره
۲۹. سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی	مصطفی وجدانی
۳۰. سفینهالبحار	شیخ عباس قمی رحمه الله
۳۱. سنن ابن ماجه	ابن ماجه قزوینی
۳۲. سیری در نهج البلاغه	استاد مطهری رحمه الله
۳۳. سیمای تمدن غرب	سیدمجتبی موسوی لاری
۳۴. شرح نهج البلاغه	ابن ابی الحدید معتزلی
۳۵. صحیح بخاری	محمد بن اسماعیل بخاری
۳۶. طهارت روح	حسین واعظی نژاد
۳۷. عروهالوثقی	مرحوم سید محمد کاظم یزدی رحمه الله
۳۸. علل الشرایع	مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
۳۹. عیون اخبار الرضا	مرحوم شیخ صدوق رحمه الله

۴۰. فهرست غرر الحکم آمدی رحمه الله دکترمحدث

۴۱. قصارالجمل آیهالله مشکینی

۴۲. کنزالعمال علاءالدین متقی هندی

۴۳. گفتارهای معنوی شهید مطهری رحمه الله

۴۴. گنجینه دانشمندان شیخ محمدزاری

ص:۱۷۳

۴۵. محجهالبیضاء	مرحوم فیض کاشانی رحمه الله
۴۶. مستدرک الوسائل	مرحوم نوری طبرسی رحمه الله
۴۷. مسند احمد بن حنبل	احمدبن محمد حنبل
۴۸. معانی الاخبار	مرحوم شیخ صدوق رحمه الله
۴۹. معجزه الصلاه	دکتر فارس علوان
۵۰. منتهی الامال	حاج شیخ عباس قمی رحمه الله
۵۱. من لایحضره الفقیه	شیخ صدوق رحمه الله
۵۲. میزان الحکمه	استاد محمدی ری شهری
۵۳. نماز در اسارت	ستاد اقامه نماز
۵۴. نماز بهشت خلوت انس	ستاد اقامه نماز
۵۵. نماز نشانه حکومت صالحان	ستاد اقامه نماز
۵۶. شرح نهج البلاغه	علامه خوئی رحمه الله
۵۷. وافی	مرحوم فیض کاشانی رحمه الله
۵۸. وسایل الشیعه	مرحوم شیخ حرّعاملی رحمه الله
۵۹. هدایتها و حکایتها	استاد مطهری رحمه الله

ص:۱۷۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹